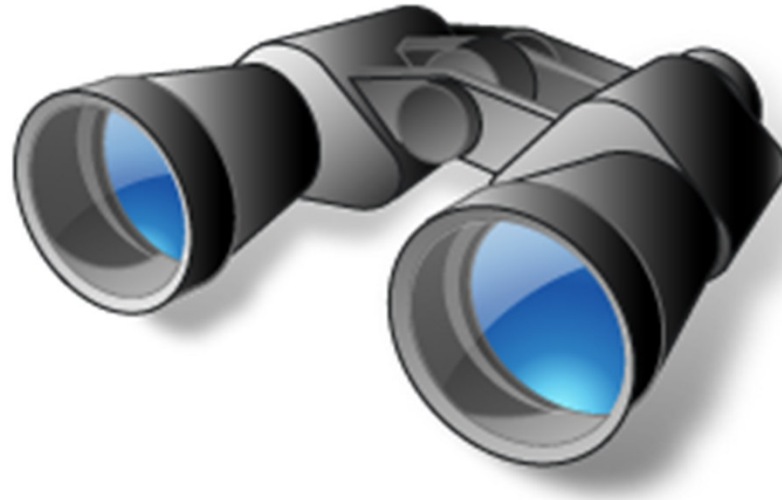


بسمه تعالی

روش تحقیق



محمدزاده

محمدزاده

فصل اول

مقدمه ای از روش شناسی

محمدزاده

روش شناسی (تاریخچه)

- رنسانس علمی (قرن ۱۶): کپرنیک، گالیله، کیلر، نیوتون



پوپ: جهان در ظلمت و تاریکی بود تا خداوند نیوتون را آفرید

روش شناسی (تاریخچه)

باور عموم بر آن بود که با ظهور علم جدید، پرده از اسرار هستی به یکباره به کنار رفته و حقیقت محض خود را آشکار کرده است.

دکارت: اگر امتداد و حرکت را به من بدهید تمام عالم را می سازم



لاپلاس: اگر حرکت امروز ذرات را معین کنید من آینده عالم را تا ابد پیشگویی می کنم



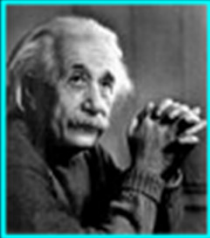
ارنست ماف: اگر فضا کش و ساعت را به من بدهید تمام عالم را اندازه گیری می کنم



انسان در خدمت علم نه علم در خدمت انسان

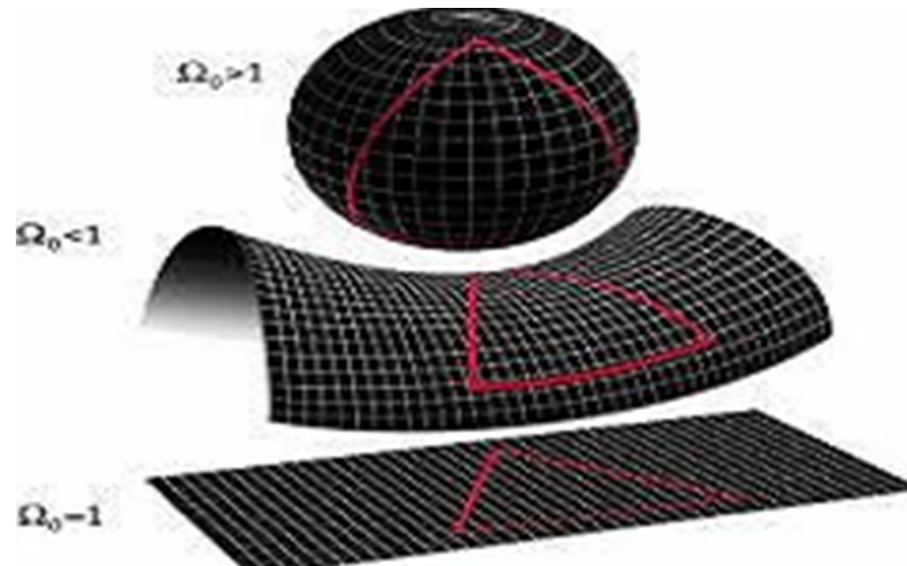
روش شناسی (تاریخچه)

اما خیلی زود یافته های علمی دچار تحول گردید!

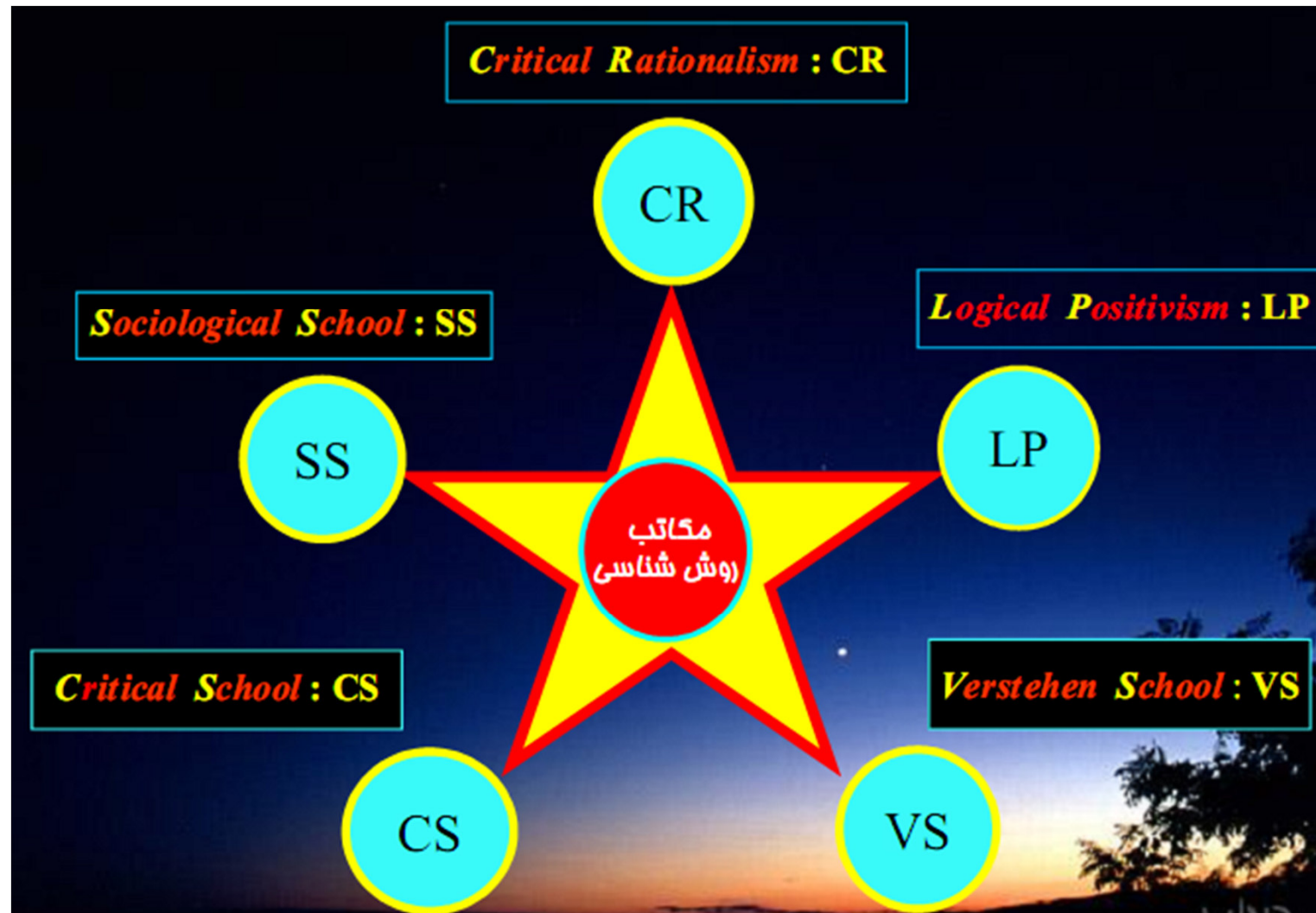
	منطق جدید	منطق ارسطویی	
	هندسه نا اقلیدسی	هندسه اقلیدسی	
	فیزیک جدید	فیزیک نیوتونی	

و گسترش مرزهای مشاهده : تکنولوژی مانند: تلسکوپ، میکروسکوپ

روش شناسی (تاریخچه)



روش شناسی (مکاتب)



روش شناسی (مکاتب)



مکاتب روش شناسی: پوزیتیویسم منطقی

ارنست ماخ (۱۸۳۸-۱۹۱۶)، رودولف کارنپ (۱۸۹۱-۱۹۷۰)، هانس رایشنباخ (۱۸۹۱-۱۹۵۳)، کارل گوستاو همپل (۱۹۰۵-۱۹۹۷)



مکاتب روش شناسی: پوزیتیویسم منطقی

1. تاکید بر تحلیل منطقی علم و در نتیجه دستوری و توصیه ای دانستن فلسفه و روش شناسی علوم
2. همبستگی و پیوند با فلسفه تحلیل و منطق ریاضی
3. تاکید بر وحدت منطق و روش شناسی علوم طبیعی و علوم اجتماعی
4. تاکید بر رئالیسم علمی و نفی نسبیت گرایی
5. تاکید بر منطق استقرایی، هم در مقام گردآوری و هم در مقام داوری و ارزیابی
6. تاکید بر اثبات پذیری و تائید پذیری به عنوان ملاک علمی بودن
7. تقدم مشاهده بر فرضیه و تئوری
8. استخراج و استنتاج فرضیه ها از مشاهدات و داده های اولیه
9. نفی هرگونه پیشفرض در علم بویژه پیشفرضهای متافیزیکی
10. کمی و انباشته دیدن رشد علم و نفی انقلاب علمی
11. تاکید بر بی طرفی علم به معنای بی طرفی عالم و محقق در مقام جمع آوری
12. تاکید بر روش علمی به سه مرحله زیر:
مشاهده، فرضیه یابی و آزمون (اقدام به اثبات=تثبیت)

مکاتب روش شناسی: پوزیتیویسم منطقی

کارل گوستاو همپل:

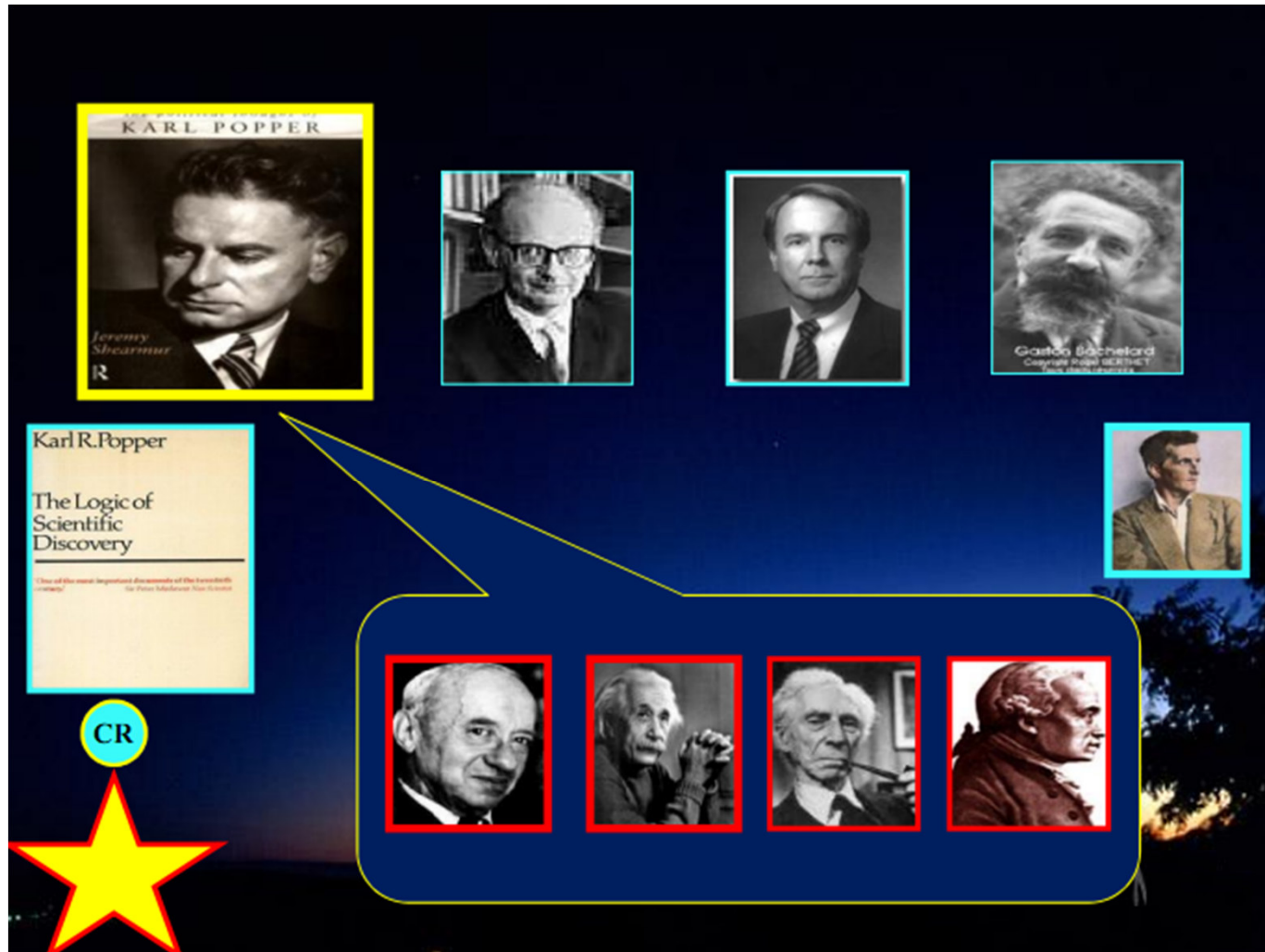
این نظر که در پژوهش علمی استنتاج استقرایی از داده هایی که قبلاً گردآوری شده است به اصول کلی مناسب می انجامد ، در عبارات زیر که شیوه کار آرمانی دانشمندان را توصیف می کند به خوبی بیان شده است.

...اگر بخواهیم ببینیم ذهن ... چگونه از روش علمی استفاده می کند
میران کار او به قرار زیر خواهد بود : نخست ، همه واقعیات را مشاهده
و ثبت می کند بی آنکه گزینشی در کار آورد یا در مورد اهمیت نسبی
آن ها از پیش مدسی بزند. دوم ، واقعیات مشاهده شده ... را تحلیل و
طبقه بندی می کند بی آنکه از فرضیه ای یا اصلی جز آنچه منطق تفکر
ناگزیر ایجاب می کند، استفاده کند . سوم ، از این تحلیل واقعیات می
تواند به روش استقرایی امکان کلی در مورد روابط بین آن ها چه رده ای
و چه علی استنتاج کند (functional Economics,A.B.Wolf,,1924,p.450)

(فلسفه علوم طبیعی ص 13)

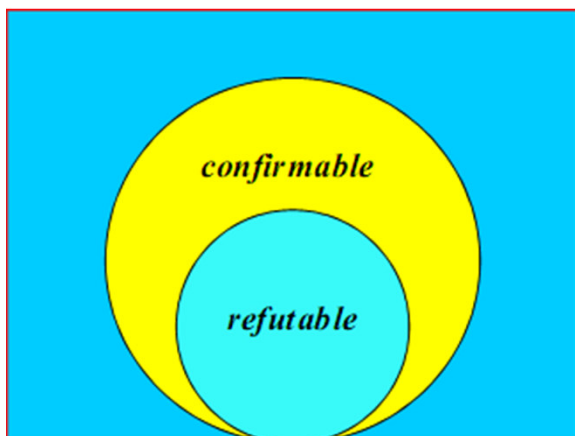
مکاتب روش شناسی: راسیونالیسم انتقادی

کارل ریموند پوپر (۱۹۰۲-۱۹۹۴)، ایمره لاکاتوژ (۱۹۲۲-۱۹۷۴)، وات کینز (۱۹۱۷-۱۹۹۷)، باشلار (۱۸۸۴-۱۹۶۲)



مکاتب روش شناسی: راسیونالیسم انتقادی

1. تاکید بر تحلیل منطقی علم و در نتیجه دستوری و توصیه ای دانستن فلسفه و روش شناسی علوم
2. همبستگی و پیوند با فلسفه تحلیل و منطق ریاضی
3. تاکید بر وحدت منطق و روش شناسی علوم طبیعی و علوم اجتماعی
4. تاکید بر رئالیسم علمی و نفی نسبیت گرایی
5. تاکید بر منطق قیاسی بویژه در مقام داوری و ارزیابی
6. تاکید بر ابطال پذیری به عنوان ملاک علمی بودن
7. تقدم فرضیه و تئوری بر مشاهده
8. استخراج و استنتاج فرضیه ها از مشاهدات و داده های اولیه
9. تاکید بر تاثیر عمیق پیشفرضها (بویژه پیشفرضهای متافیزیکی) در طراحی فرضیه ها
10. کمی و انباشته ندیدن رشد علم و تاکید بر خلاقیتها و ظهور انقلابهای علمی
11. تاکید بر بی طرفی علم به معنای بی طرفی موازین علمی در مقام داوری و ارزیابی
12. تاکید بر روش علمی به سه مرحله زیر:



مساله، فرضیه سازی و آزمون (اقدام به ابطال = نقادی)

مکاتب روش شناسی: راسیونالیسم انتقادی

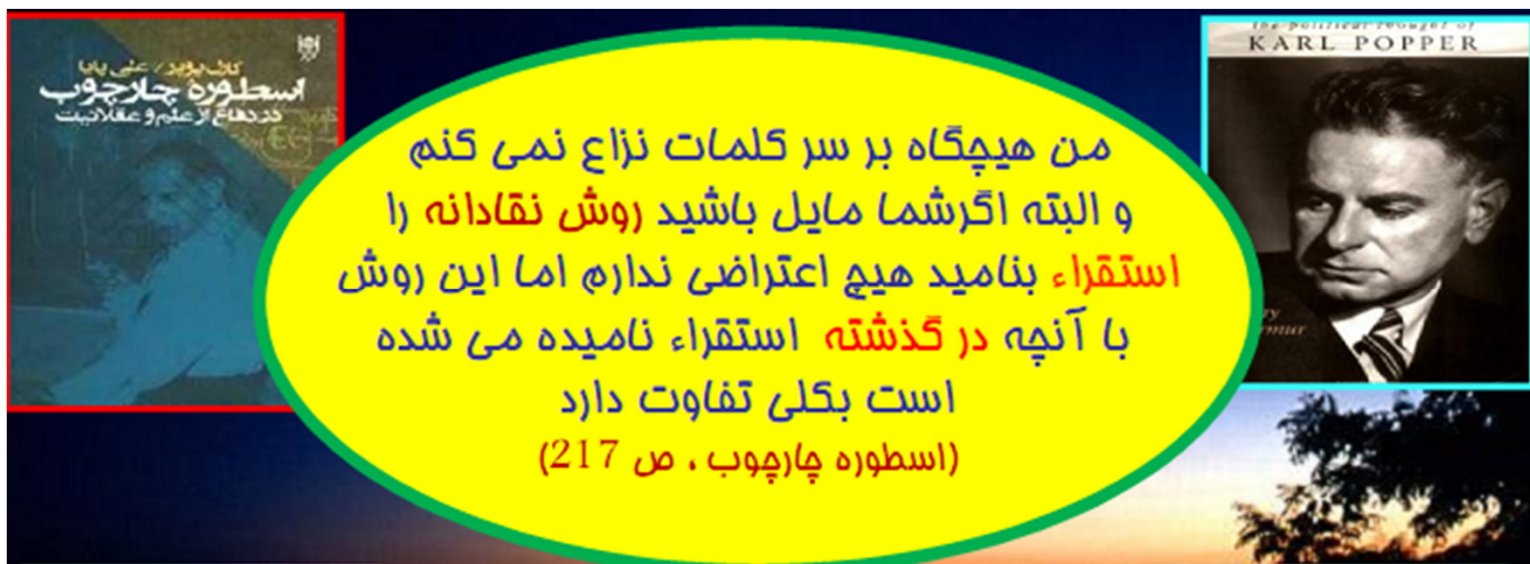
همه چیز در گرو اندیشه ورزی فعال ما در باب جهان است.
ما مدام می کوشیم تا تجارب فویش را تفسیر عقلی کنیم
.... ما همواره در تکوین ادراکات فعالیم نه منفعل.
ادراکات همه، فرضیه هایی در دل دارند.
(کارل پوپر . مقدمه ترجمه فارسی منطق اکتشاف علمی)

این عقیده که علم از مشاهده به نظریه سیر می کند ، هنوز (1953) چنان شایع
و مستمک است که انکار مرا در این باره غالباً به دیده تردید می نگرند این
عقیده که می شود تنها با مشاهده صرف بدون هیچ چیزی از جنس نظریه ، آغاز
کرد نامعقول است (مدس ها و ابطال ها ص 58)

دیدگاه مرا درباره روش علمی می توان با
بیان این نکته خلاصه کرد که این روش
متشکل از سه گام زیر است... یا در قالب
سه کلمه : مسائل ، نظریه ها ، نقادی .
(پوپر.اسطوره چارچوب، ص 212)

مکاتب روش شناسی: راسیونالیسم انتقادی

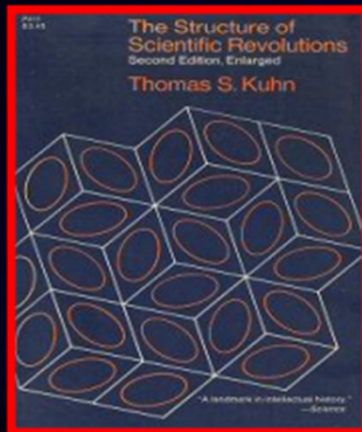
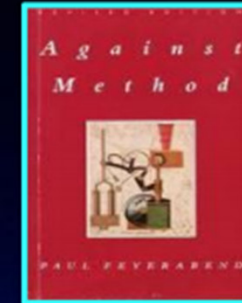
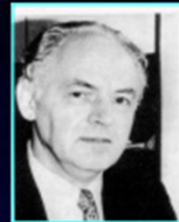
علم یا معرفت سرآغازی دارد سرآغاز آن مسئله ها هستند مسئله
هنگامی پدید می آید که در می یابیم فلان چیز در چارچوب معرفت مفروض ما
نمی گنجد
(اسطوره چارچوب صص 160-161)



من هیچگاه بر سر کلمات نزاع نمی کنم
و البته اگر شما مایل باشید روش نقادانه را
استقراء بنامید هیچ اعتراضی ندارم اما این روش
با آنچه در گذشته استقراء نامیده می شده
است بکلی تفاوت دارد
(اسطوره چارچوب ، ص 217)

مکاتب روش شناسی: جامعه شناختی علم

توماس کوهن (۱۹۲۲-۱۹۹۶)، پل فایرابند (۱۹۲۴-۱۹۹۴)



علم محصول ادراک نیست بلکه محصول رفتار است
و رفتار ها بیش از آن که دلیل داشته باشند علت دارند

SS

مکاتب روش شناسی: جامعه شناختی علم

1. تاکید بر رویکرد تاریخی-جامعه شناختی و توصیفی علم و نفی رویکرد منطقی-دستوری
2. تاکید بر سیر تدریجی علم و عبور از دوره های نرمال، بحران و انقلاب همانند انقلابهای اجتماعی-سیاسی



3. عدم وجود روند عقلایی در تاریخ علم
4. تاکید بر علمی بودن یک رای بر مبنای پذیرش عالمان

نسبی گرایی ، کثرت گرایی و فردیت گرایی علمی

5. نسبیت گرایی تاریخی و اجتماعی و نفی رئالیسم علمی
6. پیوستگی و همبستگی تئوریهای علمی با روانشناسی و جامعه شناسی عالمان
7. تاکید بر عدم وجود روش علمی واحد در علوم

مکاتب روش شناسی: جامعه شناختی علم

معرفت علمی همچون زبان ذاتاً مملوک مشترک یک گروه است و در غیر این صورت هیچ نیست. ما برای فهم آن به دانستن ویژگیهای خاص گروه هایی که آن را ایجاد و از آن استفاده می کنند نیاز داریم
(توماس کوهن : سافتار انقلاب های علمی ص 21)

هیچ میزانی بالاتر از توافق جامعه (علمی) مربوطه وجود ندارد
(توماس کوهن : سافتار انقلاب های علمی ص 94)

علم به همان اندازه ایدئولوژی هایی که زمانی مجبور بود با آن ها مبارزه کند سرگوبگر شده است علم بسیار خشک و قالبی شده است و دیگر ابزاری برای تخییر و رهایی نیست کاربرد معیار های پوپری علم را نابود می کند کوهن متی آدم هایی را که اصلاً نمی دانند چرا سنگ به زمین می افتد تشویق می کند تا در مورد روش علمی با اعتماد به نفس سخن گویند به عبارت دیگر بنابر پیشرفته ترین و سنجیده ترین روش شناسی موجود، روشی وجود ندارد
(فایرابند، افسانه پریان، علیه روش و تکلیف، صص 120-126)

مکاتب روش شناسی: استنباطی-تفهیمی

ویلهلم دیلتای (۱۸۳۳-۱۹۱۱)، ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰)، پیتر وینچ (۱۹۲۶-۱۹۹۷)، کالینگ وود (۱۸۸۹-۱۹۴۳)



مکاتب روش شناسی: استنباطی-تفهیمی

1. تبیین بیرونی در علوم طبیعی در مقابل تفسیر درونی در علوم اجتماعی
2. علت گرایی و علت کاوری در علوم طبیعی در مقابل دلیل گرایی و معنا کاوی در علوم اجتماعی
3. قانونمندی علوم طبیعی در مقابل قاعده مندی علوم اجتماعی
4. حقیقی بودن علوم طبیعی در مقابل اعتباری بودن علوم اجتماعی
5. تاکید فهم درونی، هرمنوتیکی و تاویلی در مرحله گردآوری و دستیابی
6. تاکید بر فهم جمعی قواعد در مرحله داوری و ارزیابی

ماکس وبر:

باید فویشن را به جای عامل یا عاملان در تاریخ یا جامعه گذاشت و به این وسیله عمل تاریخی یا اجتماعی را از درون اساس کرد (اقتصاد و جامعه، مقدمه)

ومدت مدرک و مدرک (عاقل و معقول، عالم و معلوم) در علوم انسانی- اجتماعی

مکاتب روش شناسی: استنباطی-تفهیمی

ویلیهم ديلتای:

بين جهان پديدارها و عالم انسانی شکافی پر نشدنی وجود دارد و باید میان علم طبیعت و علوم انسانی -تاریخی- اجتماعی فرق گذاشت

(مقدمه ای بر علوم انسانی)



ما طبیعت را توضیح می دهیم اما انسان را باید بفهمیم و برای فهمیدن انسان باید انسان بود

(مقدمه ای بر علوم انسانی)

مکاتب روش شناسی: استنباطی-تفهیمی

کالینگ وود:

فرض کنید مورّفی سرگرم مطالعه **قانون نامه**
تئودوزین (347-395) است و فرمانی از
امپراتور را پیش رو دارد او می باید
کوشش کند اوضاع و احوالی را که امپراتور
با آن سر و کار داشته در نظر مجسم سازد و
می باید آن را آنگونه مجسم سازد که
امپراتور مجسم ساخته بود . آنگاه او می باید
قضاوت کند که چگونه می توان با این اوضاع
و احوال تعامل کرد . درست آنگونه که
گویی برای **خود او** مطرح است. او می باید
بدیل های ممکن و دلایل رجمان یکی بر دیگر
ی را در نظر آورد..... به این ترتیب او در **ذهن**
خود تجربه امپراتور را **باز آفریده** است و صرفاً
تا آنجا که چنین می کند از معرفت تاریخی
بهره ای برده است . (اندیشه تاریخ، ص 283)

مکاتب روش شناسی: دیالکتیکی-انتقادی (نقدی فرانفوررت)

ماکس هورکهایمر (۱۸۹۵-۱۹۷۴)، تئودور آدرنو (۱۹۰۳-۱۹۶۹)، هربرت مارکوزه (۱۸۹۸-۱۹۷۹)، یورگن هابرماس (۱۹۲۹)



مکاتب روش شناسی: دیالکتیکی-انتقادی (نقدی فرانفوررت)

1. پایه قراردادن روش دیالکتیکی هگل و مارکس در تبیین اجتماعی (نئومارکسیسم)
2. نقد دیالکتیکی نظریه ها در علوم اجتماعی در مقابل نقد منطقی نظریه ها در علوم طبیعی
3. نقادی جامعه به عنوان مبنای نظریه ها در علوم اجتماعی در مقابل نقد صوری نظریه ها در علوم طبیعی
4. تاکید بر محافظه کار بودن علوم طبیعی در مقابل انقلابی بودن علوم اجتماعی
5. تاکید بر رابطه دیالکتیکی علم و عمل به ویژه در عرصه علوم اجتماعی
6. نفی صدق و کذب نظریه های علمی و در نتیجه پذیرش نسبیت گرایی
7. در هم تنیدگی دانش و ارزش در علوم اجتماعی و در نتیجه ایدئولوژیک بودن علوم اجتماعی

کارل مارکس:

به جای فلسفه آلمانی(هگل) که از آسمان به زمین می آید ما از زمین به آسمان می رویم.
دانشمندان تا کنون جهان را تفسیر کرده اند ،
اینک نوبت تغییر آن است

طبقه کارگر تاریخ را می سازد و این تاریخ نیز او را به مسند می نشاند (دیکتاتوری پرولتاریا)

طبقه کارگر تنها نظاره گر واقعیت مظلومانه خود نیست بلکه به تغییر واقعیت (ارزش) اقدام می کند

مکاتب روش شناسی: دیالکتیکی-انتقادی (نقدی فرانفوررت)



یورگن هابرماس:



اگر نظریه در علوم اجتماعی در تبیین واقعیت بی کفایت باشد ، باید به نقادی و نقد جامعه و تغییر آن پرداخت و نه نقد نظریه اجتماعی . نقد متوجه جامعه ای است که نظریه از آن مکایت می کند

علوم اجتماعی همگی ارزش محور و ایدئولوژیک هستند . برخلاف علوم طبیعی ، دانش و ارزش در علوم اجتماعی در هم تنیده است

نظام سلطه بزرگترین مانع در تغییر جامعه (منطقه ای یا جهانی) نهادینه شده است. مکتب نقدی باید برای سلطه ، سیاست، قدرت ، حکومت و تغییر و تحول آن نظریه داشته باشد . یعنی این مکتب به صورت طبیعی به یک فلسفه سیاسی می انجامد و در نهایت علوم اجتماعی را به فلسفه سیاسی تقلیل می دهد

مکاتب روش شناسی: دیالکتیکی – انتقادی (نقدی فرانفوررت)

دیالکتیک به معنای مباحثه و مناظره است، دیالکتیک یکی از ادوات فلسفه و نظریه‌ای درباره سرشت منطق است، پیشینه تفکر دیالکتیکی به یونان باستان و به طور مشخص به نظریات سقراط باز می‌گردد.

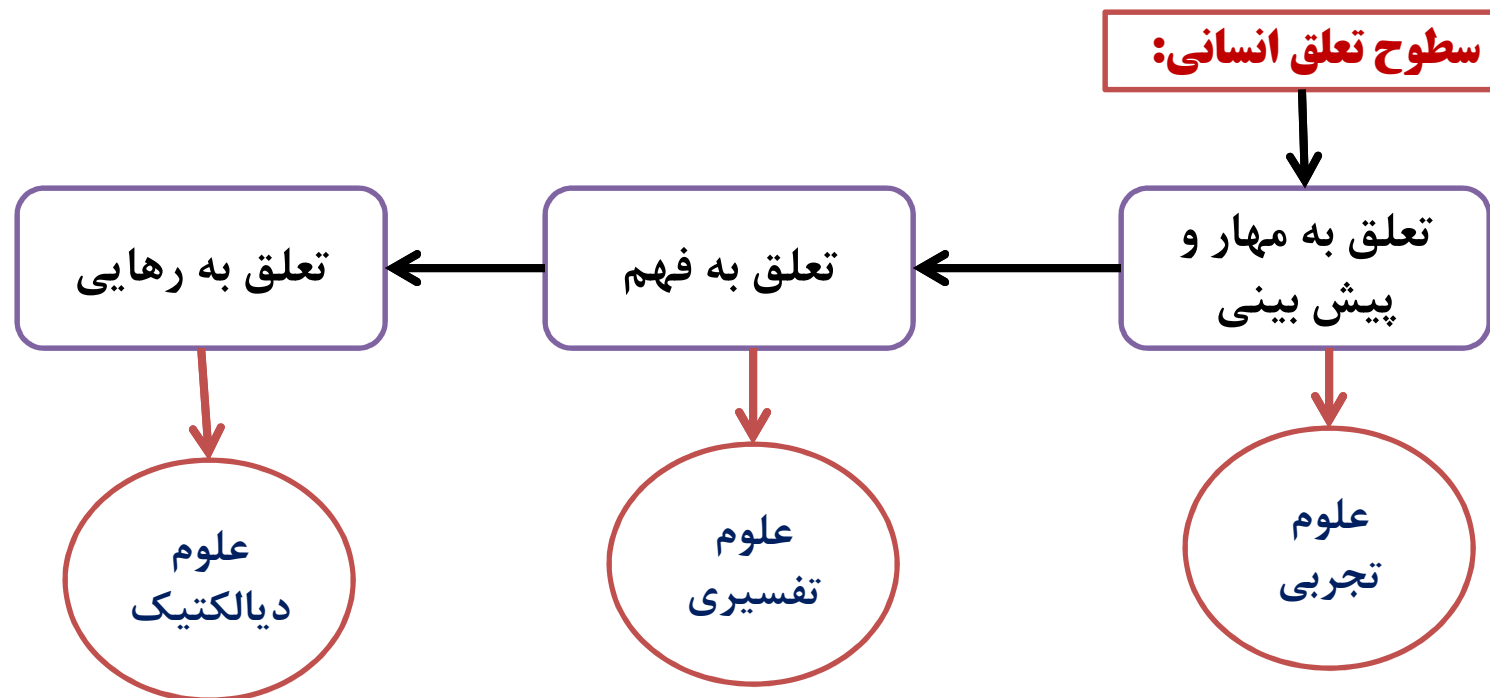
به بیان ساده، هرگاه دو نظر فلسفی در تضاد یا تباین با همدیگر باشند عملی خردگونه که آن دو را در یک نظریه جدید جمع کند دیالکتیک است. از نظر هگل و مارکس این امر اجباری و ذاتی خرد است.

دیالکتیک به روش خاصی از بحث و مناظره گفته می‌شود که اول بار سقراط حکیم در مقابل طرف گفتگوی خود در پیش گرفت. هدف وی از این روش، رفع اشتباه و رسیدن به حقیقت بود. روش او به این صورت بود که در آغاز، از مقدمات ساده شروع به پرسش می‌نمود و از طرف خود در موافقت با آنها اقرار می‌گرفت. سپس به تدریج به سوالات خود ادامه می‌داد تا اینکه بحث را به جایی می‌رساند که طرف مقابلش، دو راه بیشتر نداشت: یا اینکه مقدماتی را که پیش از این در آغاز بحث پذیرفته بود، انکار کند و یا اینکه از ادعاهای خود دست بکشد و به چیزی اعتراف کند که سقراط معتقد است. این روش گفتگو و بحث، امروزه نیز به نام روش دیالکتیکی یا روش سقراطی معروف است.

مکاتب روش شناسی: دیالکتیکی-انتقادی (نقدی فرانفوررت)



یورگن هابرماس:



علوم اجتماعی نوعی روان کاوی (خودکاوی) اجتماعی اند که در آن بیماری های اجتماعی را باید به شیوه هرمنوتیکی شناخت و به شیوه دیالکتیکی درمان کرد و به رهایی (آزادی) رسید

روش شناسی (جمع بندی)

سوالات مهم در روش شناسی

آیا باید به وجه عقلانی - منطقی علم توجه نمود یا به وجه تاریخی - اجتماعی و یا به توازن و تعادلی بین این دو وجه؟

با فرض اهمیت کلی و یا جزئی وجه عقلانی، آیا باید رویکردی قیاسی داشت یا استقرایی و یا تعادلی بین این دو وجه؟

آیا بین علوم انسانی - اجتماعی و علوم طبیعی تفاوت روش شناختی وجود دارد؟
با فرض وجود تفاوت، این تفاوت دقیقاً در چه مقامی است؟ در مقام گردآوری یا مقام داوری و یا هر دو؟

رابطه دانش و ارزش، دانش و ایدئولوژی و دانش و قدرت چگونه قابل تبیین است؟
با فرض وجود رابطه، اولاً: این رابطه در چه علوم انسانی، علوم طبیعی و یا هر دو؟
ثانیاً: این رابطه دقیقاً در چه مقامی است؟ در مقام گردآوری یا مقام داوری و یا هر دو؟

روش شناسی (جمع بندی)



روش شناسی (جمع بندی)



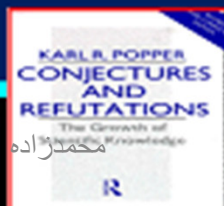
فصل دوم

روش علمی و مراحل آن

محمدزاده



چنان اندیشیده که گزارشی از کارهای خودم در فلسفه از 1919 که
 نخستین بار با این مسئله دست به گریبان شده که چه وقت یک نظریه را می
 توان علمی دانست؟ به شما بدهم البته از جواب مورد قبول بسیار
 رایج به سؤال خود به خوبی آگاه بودم : اینکه علم از علم دروغین ... با روش
 تجربی که اصولاً استقرایی است تمییز داده می شود اما این پاسخ مرا راضی
 نمی کرد ... غالباً سؤال خود را از وجه تمایز میان یک روش تجربی اصیل و یک
 روش تجربی دروغین طرح می کردم باید به اختصار جو و محیطی را
 که در آن مسئله من به وجود آمد بیان کنم . پس از متلاشی شدن
 امپراطوری اطریش ، انقلابی در آن سرزمین پیش آمد . فضا آکنده از شعارها
 و اندیشه های انقلابی و نظریه های تازه و غالباً و مشی بود در میان نظریه
 هایی که توجه مرا به خود جلب کرد ، نظریه نسبیت اینشتین بدون شک
 مهمترین آنها به شمار می رفت ، سه نظریه دیگر مورد توجه ، نظریه مارکس
 درباره تاریخ ، نظریه روانکاوی فروید و نظریه ... روانشناسی فردی آدلر بود .
 (مدس ها و ابطال ها ، ص 41-45)

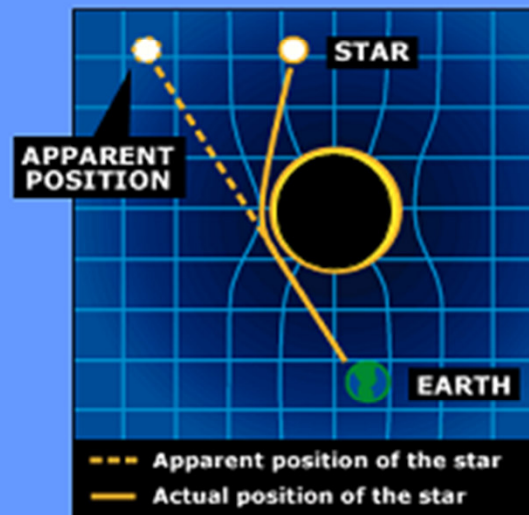
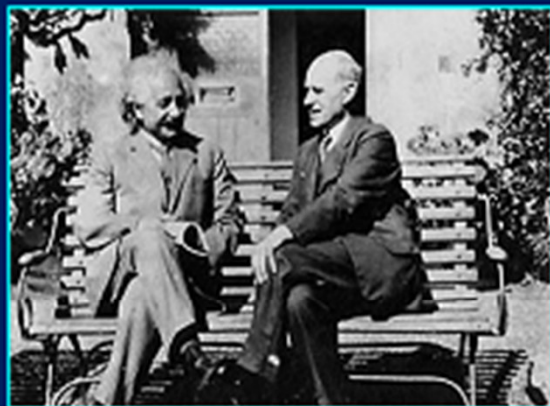


نظریه ماتریالیسم تاریخی مارکس



نظریه نسبیت اینشتین

تعبیرات ابلهانه و بی معنایی از این نظریه ها در میان عوام الناس رواج داشت ، مخصوصا درباره نسبیت که هنوز هم چنین سفتانی شنیده می شود..... ما همگی (ملقه کوپکی از دانشجویان که من نیز در جمع آنان بودم) از نتایج مشاهدات فورشید گرفتگی سال 1919 که به وسیله ادینگتون صورت گرفت و نخستین مؤید نظریه اینشتین درباره گرانش بود سفت تکان خوردیم. تجربه بزرگی برای ما بود که تاثیر بادوامی بر تکامل عقلانی من داشته است.

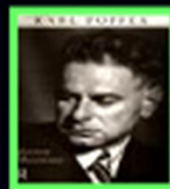


نظریه روانشناسی فردی آدلر

محمدزاده

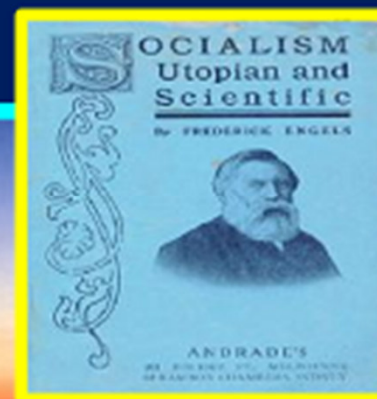
نظریه روانکاوی فروید

نظریه ماتریالیسم تاریخی مارکس



نظریه نسبیت اینشتین

در تابستان 1919 بود که ناخوسندی من از سه نظریه دیگر ... آغاز شد و رفته رفته افزایش یافت . درباره ادعای آن ها به اینکه از وضع و مال علمی برخوردارند . به شک افتادم..... متوجه آن شدم که آن دسته از دوستان من که ستاینندگان مارکس و فروید و آدلر بودند ، تمت تاثیر تعدادی نکات مشترک موجود در این سه نظریه و مخصوصا قدرت توضیح دهنده گی آن ها قرار داشتند . چنان می نمود که این نظریه ها می توانند عملا هر ماده ای را که در قلمرو وابسته به آن ها اتفاق می افتد توضیح دهند و این نکته پیوسته مورد تاکید هواداران آن ها واقع می شد . یک نفر مارکسیست ممکن نبود روزنامه ای را باز کند و در هر صفحه آن تاییدی از نظریه خود در تفسیر تاریخ نبیند ، نه تنها در اخبار ، بلکه نیز در شکل عرضه کردن آنها که نماینده جانبداری طبقاتی روزنامه بود.



نظریه روانشناسی فردی آدلر

محمدزاده

نظریه روانکاوی فروید

نظریه ماتریالیسم تاریخی مارکس



نظریه نسبیت اینشتین

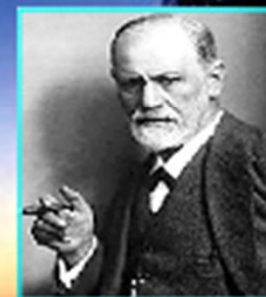
.... تمایلگران فرویدی در این باره اصرار می ورزیدند که نظریه های آنان پیوسته با مشاهدات کلینیکی تایید می شود . و اما در خصوص آدلر یک بار در سال 1919 مالتی را به او گزارش کردم که به نظر من آدلری نمی نمود ، ولی او هیچ دشواری در آن نیافت که این مورد را نیز از طریق نظریه امساسات خود کمبینی فویش توجیه کند . در صورتی که اصلا کودک مزبور را ندیده بود . من که اندکی یکه خورده بودم ، از او پرسیدم که چگونه می تواند این اندازه مطمئن باشد و او در جوابم گفت: به سبب تجربه هزار جانبه خودم ، و من.... نتوانستم از گفتن این جمله خودداری کنم که :
گمان می کنم که با این حالت تازه تجربه شما هزار و یک جانبه شده است .



نظریه روانشناسی فردی آدلر



محمدزاده



نظریه روانکاوی فروید

نظریه ماتریالیسم تاریخی مارکس

نظریه نسبیت اینشتین

.... می توانم این مطلب را با دو مثال متفاوت از رفتار بشری مجسم سازم :
مثال شلفی که کودکی را به دریا می برد تا غرقش کند ، و مثال شلفی دیگری که خود را به دریا می اندازد تا کودکی در شرف غرق شدن را نجات دهد.
... بنا بر نظر فروید نفر اول از یک سرفوردگی و فرو کوفتگی ممرومیت رنج می برد(ناشی از عقده ادیپوس) ، در صورتی که نفر دوم به اوج تعالی صعود کرده است.
بنا بر نظر آدلر نفر اول از احساس مقارن رنج می برد(... تا به خود ثابت کند که جرات ارتکاب یک جنایت را دارد) و نفر دوم نیز آنگونه عمل کرد(... تا به خود ثابت کند جرات نجات دادن کودک در شرف غرق را دارد). گمان نمی کنم رفتاری بشری وجود داشته باشد که با این یا آن نظریه نتوان آن را تفسیر و تعبیر کرد. درست همین واقعیت ، اینکه همیشه شایستگی دارند و همواره تایید می شوند در چشم ستاینندگان این نظریه ها
ممکنترین محبت و برهان برای صحت و درستی آن ها به شمار می رفت .
بر من آشکار شد که این قوت و استمکام ظاهری در واقع همان
نقطه ضعف آن ها است



محمدزاده



نظریه روانشناسی فردی آدلر

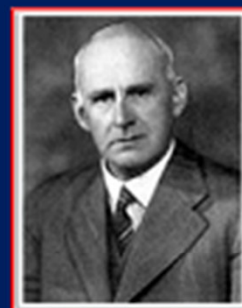
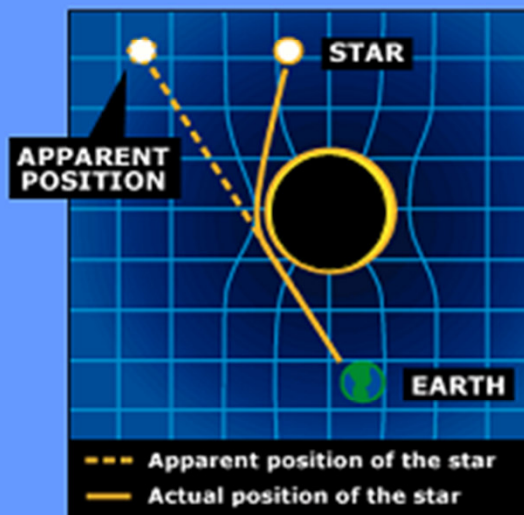
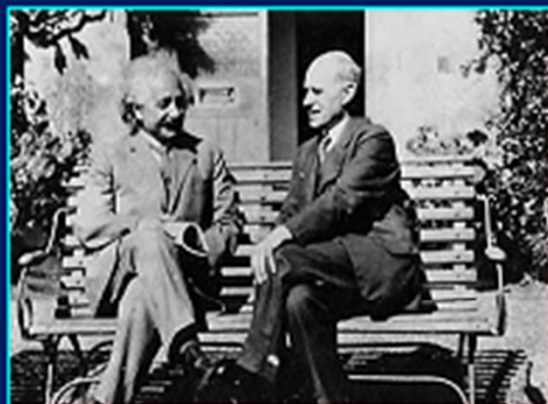
نظریه روانکاوی فروید

نظریه ماتریالیسم تاریخی مارکس



نظریه نسبیت اینشتین

در مورد اینشتین وضع به صورت چشمگیر شکل دیگری داشت پیشگویی اینشتین که درست پس از آن با آزمایش ادینگتون مورد تایید قرار گرفت مسئله بسیار مهم در این مورد فطری است که در یک پیشگویی از این نوع وجود دارد ، اگر مشاهده چنان نشان دهد که نتیجه و اثر پیشگویی شده قطعا وجود ندارد نظریه باطل می شود. این ملاحظات در زمستان 1919-1920 مرا به نتایجی رهبری کرد... که به صورت زیر بیان می کنم .



نظریه روانشناسی فردی آدلر

محمدزاده

نظریه روانکاوی فروید



1. اگر به دنبال یافتن **تاییدی** (*confirmations*) برای یک نظریه باشیم تقریباً برای تمامی نظریه ها بسادگی می توان چنین تاییدی پیدا کرد

2. تایید هایی را باید به مساب آورد که نتیجه پیشگویی های **مخاطره آمیز** (*risky predictions*) باشد ، به این معنی که اگر نظریه مورد بحث روشنگری لازم را نداشته چشم به راه و متوقع پیشامدی باشیم که با نظریه **ناسازگار** باشد ، یعنی پیشامدی که می تواند نظریه را ابطال کند.

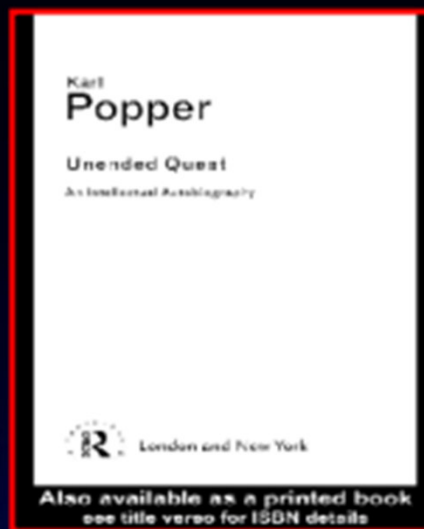
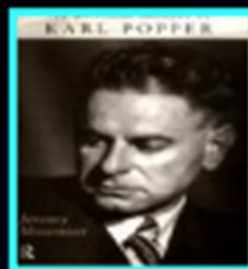
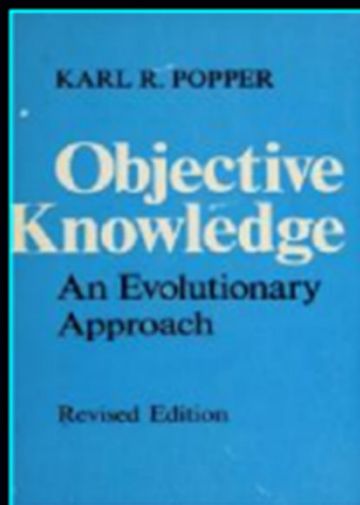


3. هر نظریه علمی خوب عنوان یک منع (*prohibition*) دارد، وقوع بعضی چیزهای محین را ممنوع می سازد، هر نظریه ای که جنبه ممانعت بیشتری داشته باشد، بهتر است.

4. نظریه ای که با هیچ پیشامد قابل تصویری ابطال پذیر نباشد، غیر علمی است. برخلاف تصور عموم، ابطال ناپذیری (*irrefutability*) حسن (*virtue*) یک نظریه نیست بلکه عیب (*vice*) آن است.

5. هر آزمون اصیل یک نظریه تلاشی است برای تکذیب (*falsify*) یا ابطال آن، آزمون پذیری (*testability*) همان تکذیب پذیری (*falsifiability*) است....

One can sum up all this by saying that the *criterion of the scientific status of a theory is its falsifiability, or refutability, or testability.*

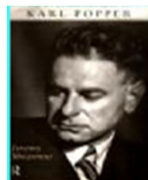


Theory of survival of the fittest

از نظر من نظریه داروین یک نظر متافیزیکی و یک برنامه عام
تحقیقاتی است چرا که تجربه پذیر نیست گفتن اینکه
جانوری با محیط خود به خوبی تطابق کرده است یک توتولوژی
است اگر جانوری حذف شد باید با شرایط ، خوب تطابق
نکرده باشد . تطابق توسط تکامل شناسان نوین چنین معنا
می شود که ارزش ابقائی دارد و می توان آن را از روی موفقیت
در بقاء اندازه گیری گرفت. مشکل بتوان نظریه ای بدین
ضعیفی را آزمون کرد.

(جستجوی ناتمام، ص 64)

Lieber Herr Popper!



In a letter to me of June 15, 1935, Einstein approved of my views concerning "falsifiability as the decisive property of any theory about reality". [p.265](#)

طرح
تمقیق

1- نبودن قرینه مستقل در ارزیابی

رنگ اشیاء در اثر رؤیت در شئی ایجاد می شود.

2- مشتمل بر تناقض بودن

نور هم سافتار موجی دارد و هم سافتار غیر موجی

3- کلیه حالات ممکن را در بر گرفتن

تورم یا علت اقتصادی دارد یا اجتماعی یا سیاسی یا فرهنگی یا

4- توتولوژیک و تکراری بودن

داروی فشار خون ، فشار موجود در رگ های فونی را کاهش می دهد

5- سخن گفتن از موجودی خاص بدون تعیین زمان و مکان

داروی سرطان کشف می شود

طرح
تمقیق

6- در مورد آینده نامعلوم سخن گفتن

جهان نهایتاً رو به بهتر شدن می رود

7- از موجودات غیر مادی سخن گفتن

ارواح بر زندگی بشر تاثیر می گذارند

8- لوازم ذاتی و ضروری و طبعی اشیاء را برشمردن

سنگ پرتاب شده طبعاً به زمین برمی گردد

9- کیفی(غیر کمی) و با ابهام سخن گفتن

فشار هوا در مناطق مختلف متفاوت است

10- به صورت گزاره جزئی، خبر دادن

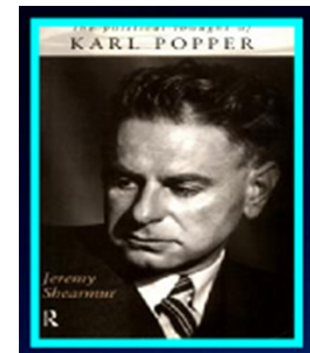
بعضی مواد در برفی واکنشها کاتالیزور واقع می شوند

هدف تحقیق علمی

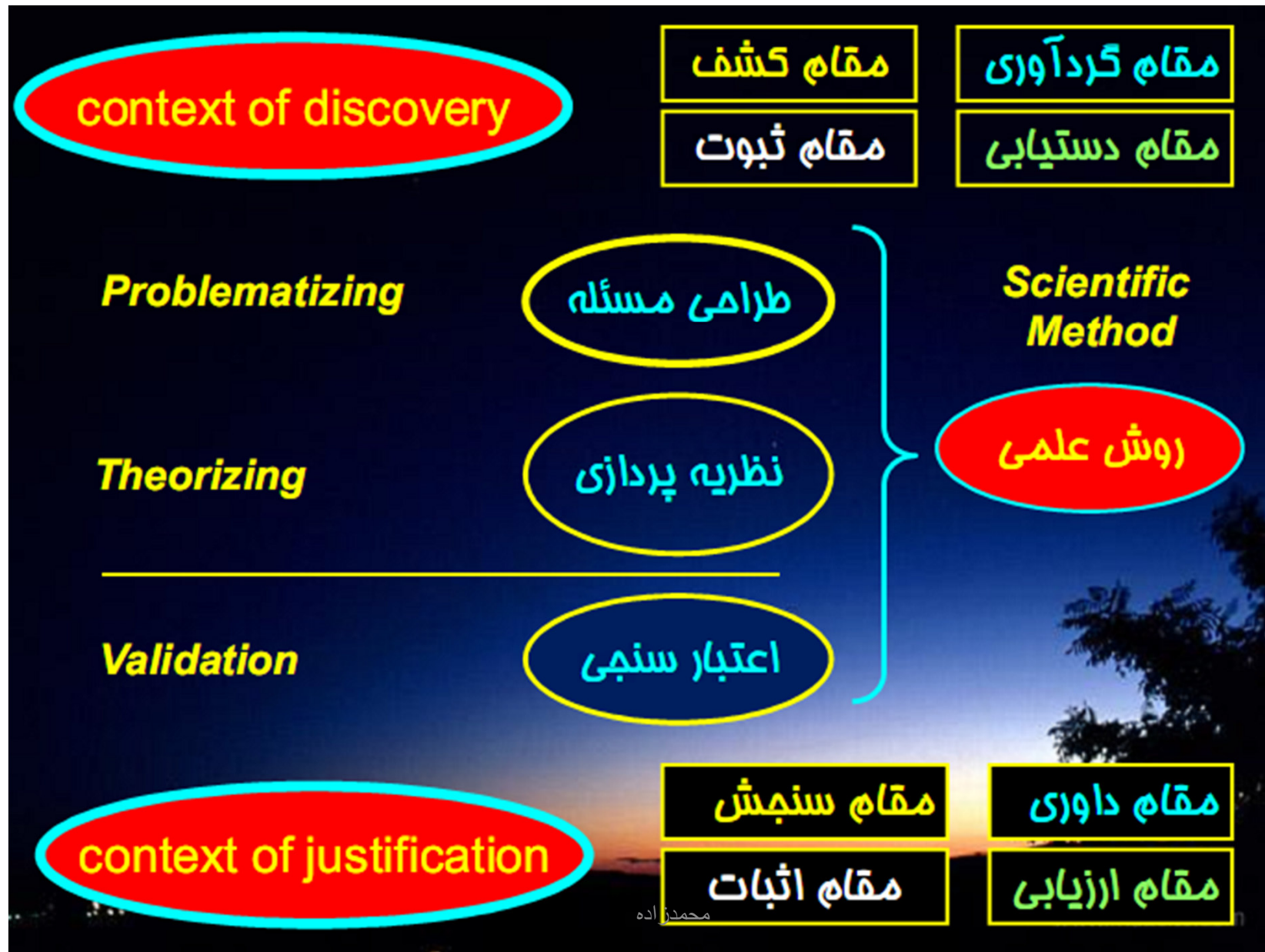
مهمترین مساله هر نوع معرفت شناسی و علم شناسی،
ایجاد تعادل بین عینیت و ذهنیت در علم است.

دیدگاه مرا درباره روش علمی می توان با بیان
این نکته خلاصه کرد که این روش متشکل
از سه گام زیر است... یا در قالب سه کلمه :
مسائل ، نظریه ها ، نقادی .
(پوپر . اسطوره پارمپوب ، ص 212)

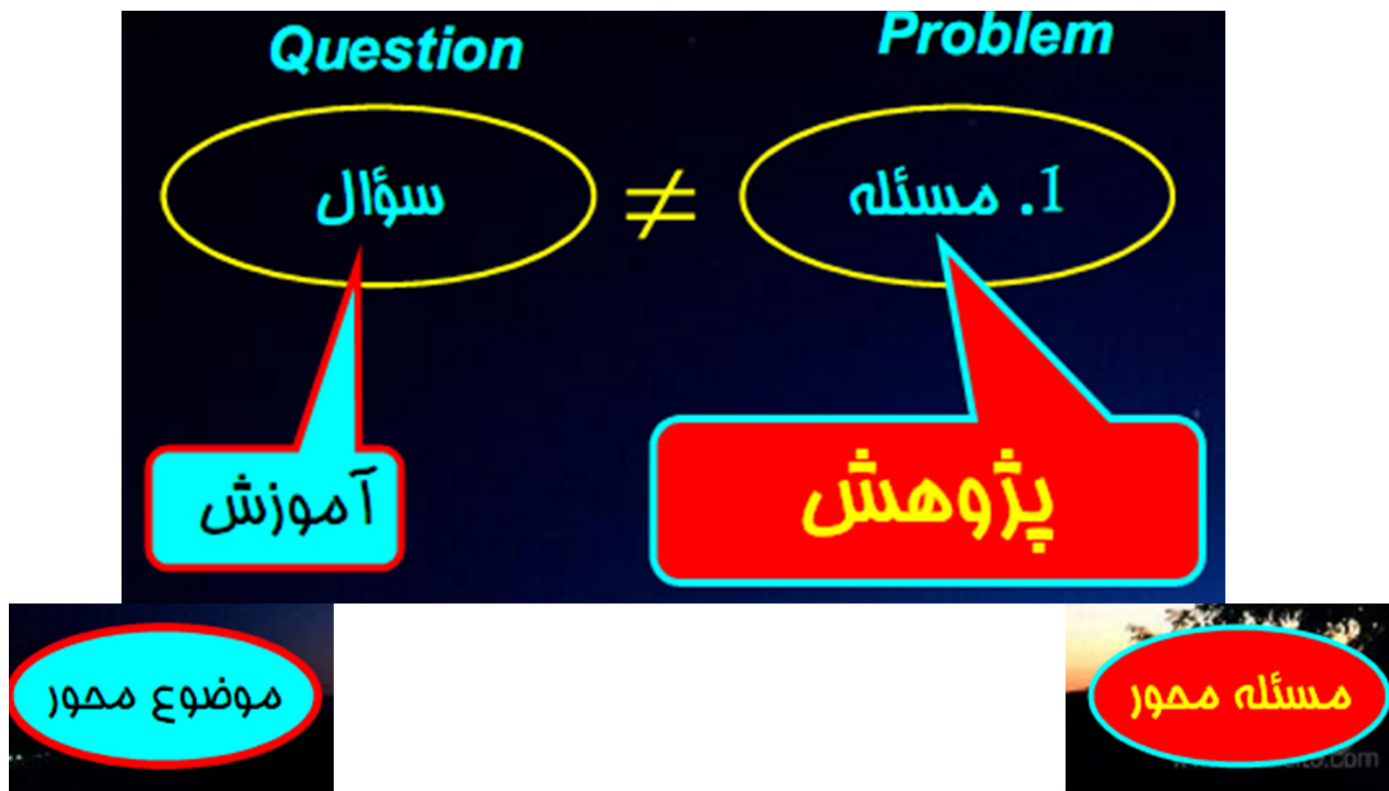
P1 → TT → EE → P2



مراحل روش علمی



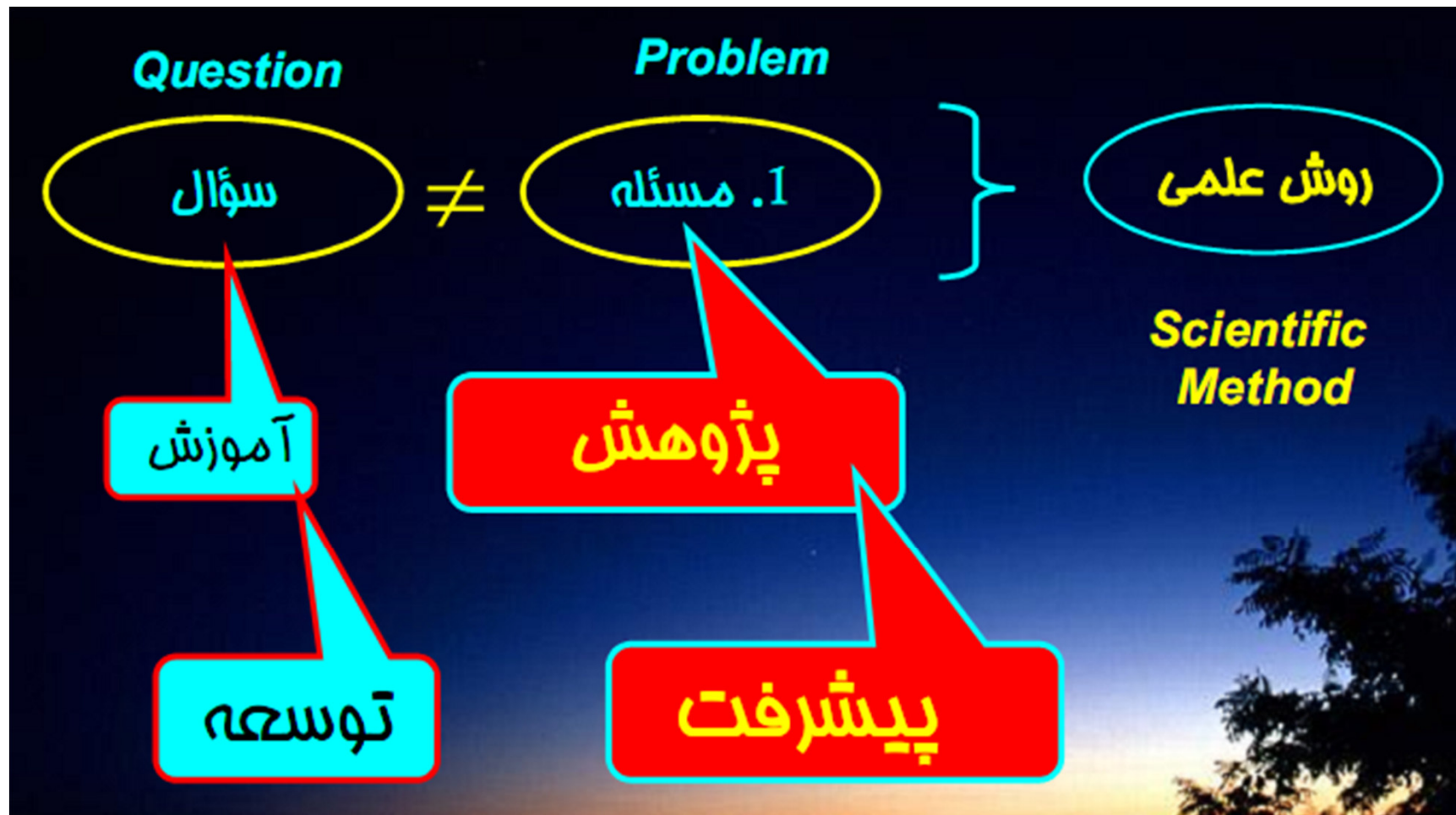
مسئله



نادانی

دانایی

مسئله



مسئله

خلاقیت لازمه طرح مسئله



طرح
تمقیق

1- موزه و پارچوب تمقیق

2- مطالعه دقیق نظریات علمی موزه تمقیق

3- مسئله تمقیق و پرسش های بیان کننده آن (IS_1, IS_2, IS_3)



رسیدن از داده ها به نظریات نیازمند تفیل فلاق است.
فرضیه ها و نظریه های علمی از واقعیات مشهود استفراچ
نمی شوند، بلکه برای تبیین آنها ابداع می شوند.

(همپل. فلسفه علوم طبیعی ص 18)

محمدزاده

نظریه و فرضیه

نظریه ها مجموعه ای از حدس ها هستند که به وسیله دانشمندان به عنوان راه حلی برای مسائل پیش رو یا برای تبیین پدیده های مورد مواجهه ارائه می شوند.

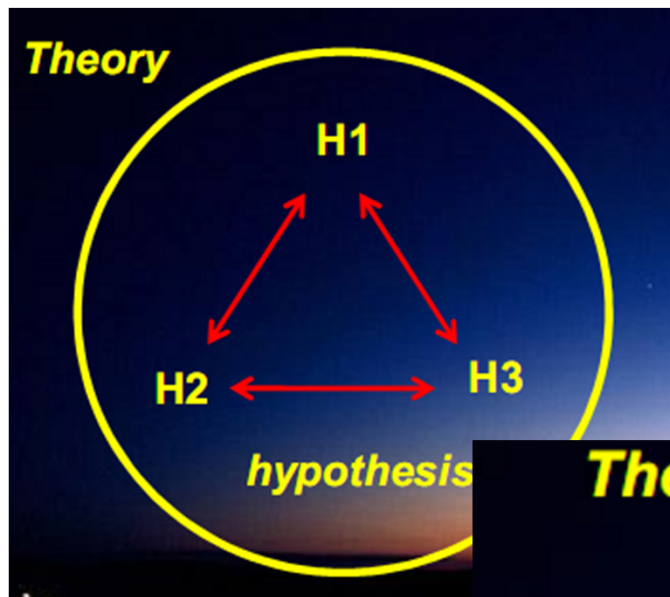
نظریه های علمی امکام کلی هستند... نظریه ها تور هایی هستند برای صید و شکار جهان، برای عقلانی کردن، تبیین کردن و استیلا یافتن
(منطق اکتشاف علمی، ص 63)



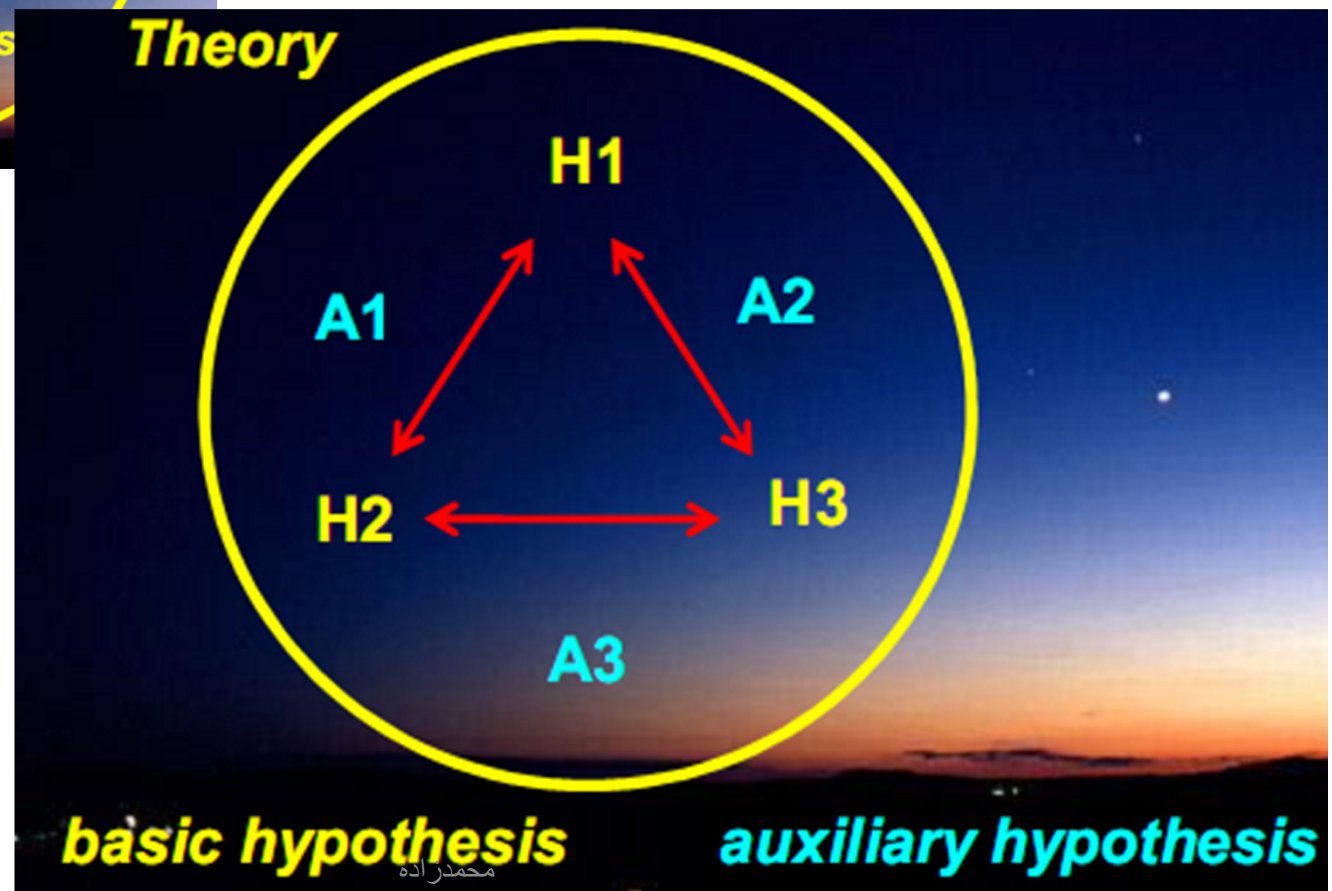
واژه فرضیه را بر هر مکتبی که در دست آزمون باشد اطلاق می کنیم خواه آن مکتب یک واقعیت جزئی و خاص را توصیف کند خواه یک قانون کلی را بیان کند
(فلسفه علوم طبیعی، ص 23)



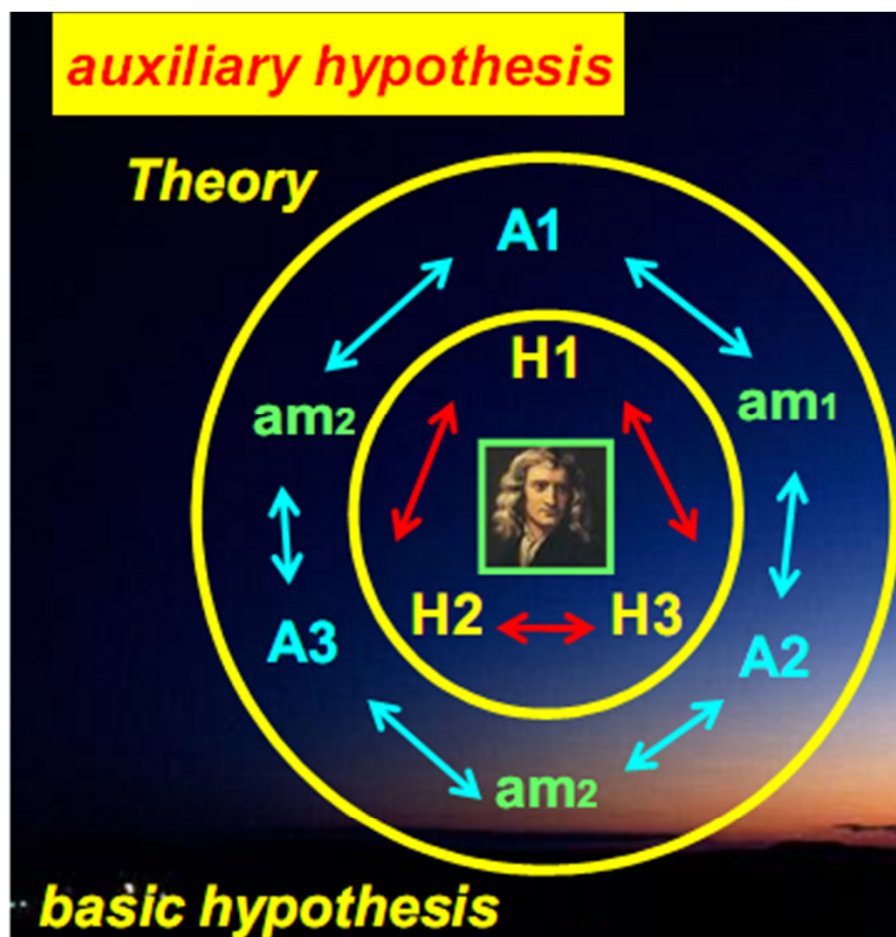
نظریه و فرضیه



مجموعه گزاره های
مرتبط منسجم
که برای حلّ یک
مسئله ارائه می شود

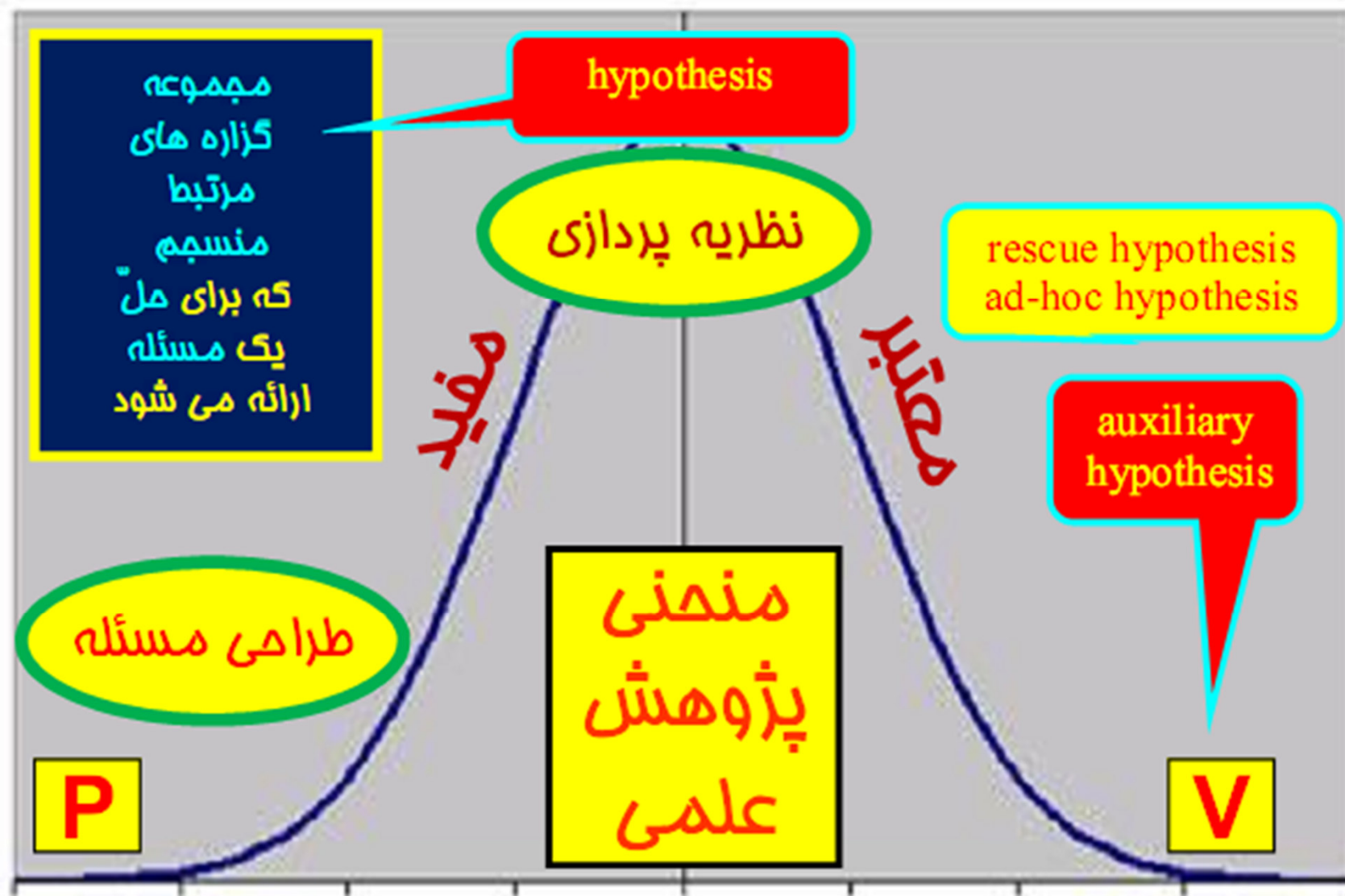


نظریه و فرضیه



اتکا به فرضیه های کمی در آزمون فرضیه
های علمی قاعده است نه استثناء
(فلسفه علوم طبیعی ، ص 28)

آزمون (ارزیابی و اعتبار سنجی)

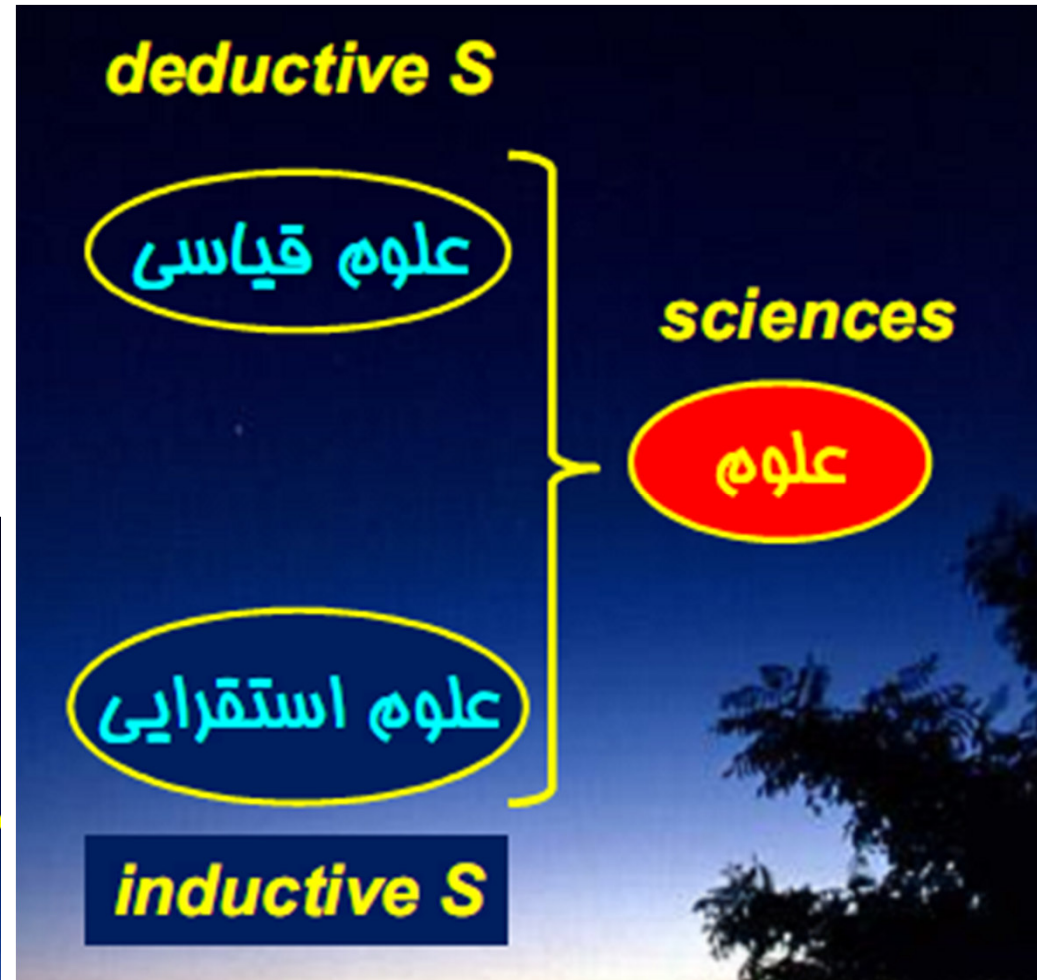


آزمون (ارزیابی و اعتبار سنجی)

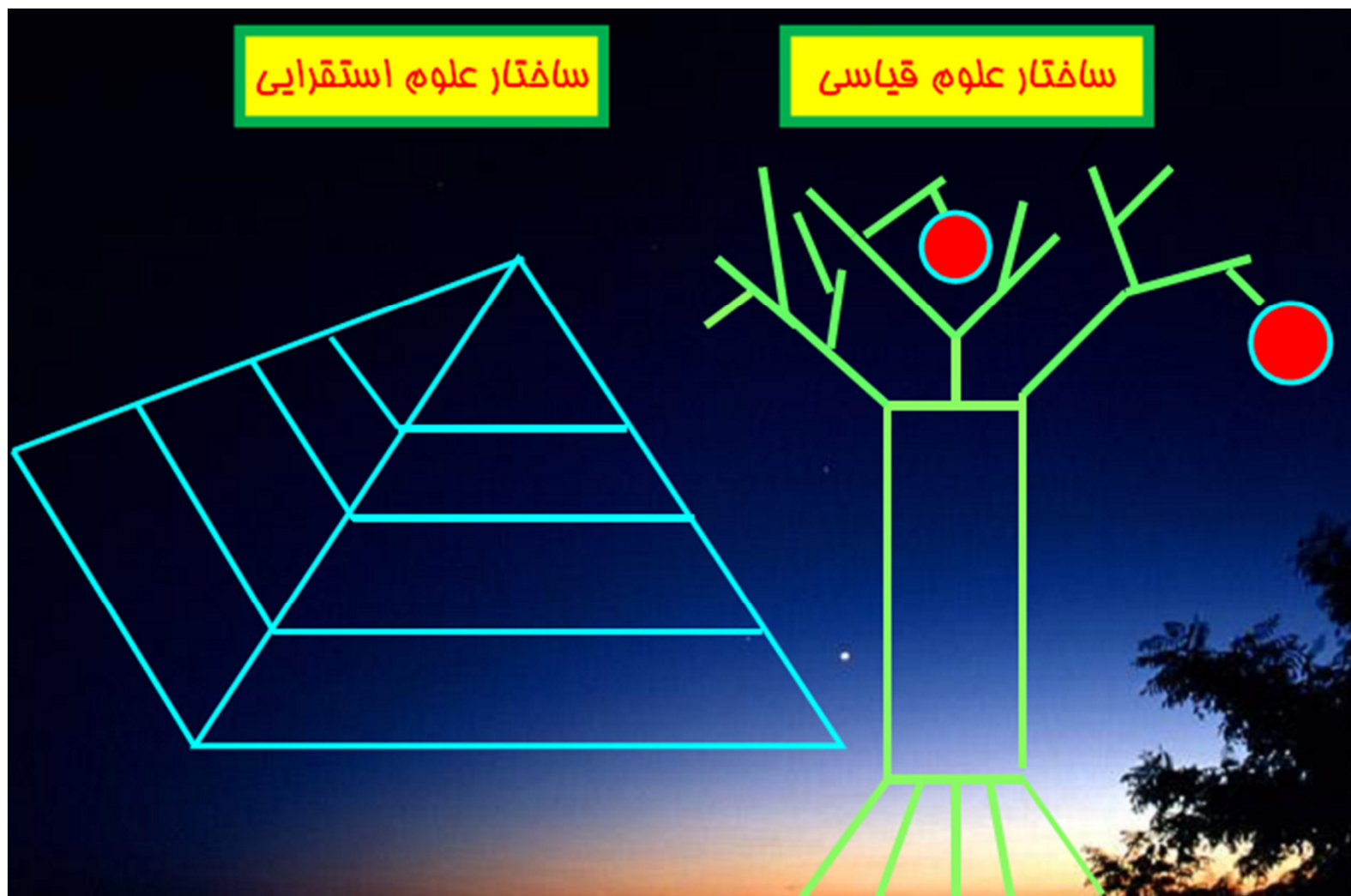
وقتی عدم توافق پیش آید، جایی برای **مشاوره** دو فیلسوف نیست. کافی است قلمشان را در دست بگیرند، روی صندلی بنشینند و به یکدیگر بگویند:
« اجازه دهید **مماسه** کنیم »

Leibniz, G. (1890). In C. Gerhardt (Ed.), *Die philosophischen Schriften von Gottfried Wilhelm Leibniz*, Volume vii. Berlin: Olms.

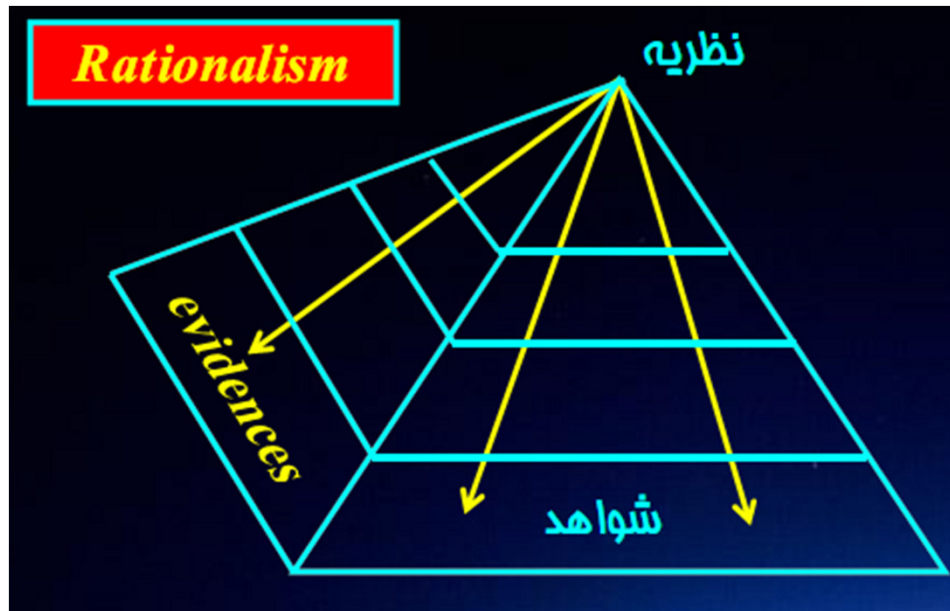
طبقه بندی علوم بر اساس روش آزمون



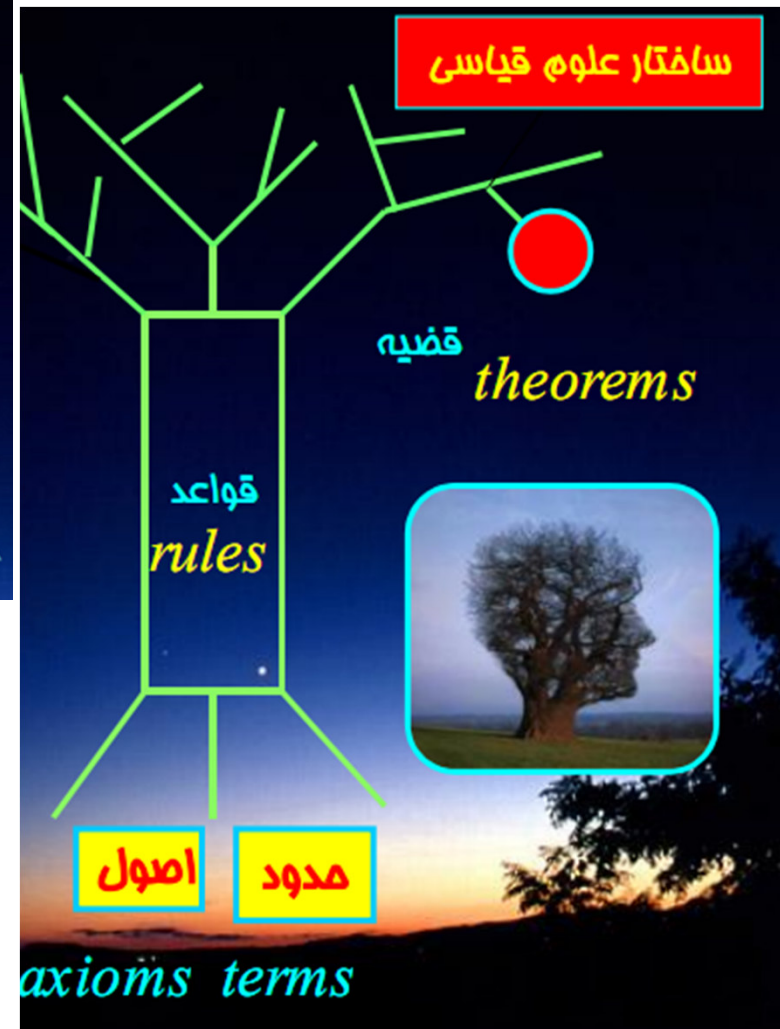
طبقه بندی علوم بر اساس روش آزمون



طبقه بندی علوم بر اساس روش آزمون



<i>creative invention</i>	ابداع خلاق
<i>creative encounter</i>	مواجهه خلاق
<i>creative induction</i>	استقراء خلاق



طبقه بندی علوم بر اساس روش آزمون



علوم صوری : منطق - ریاضی - آمار

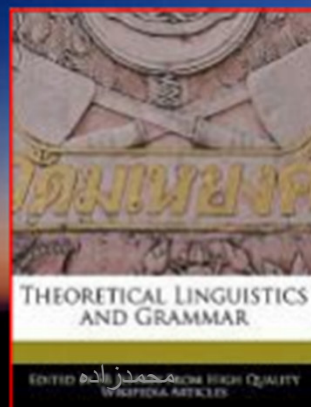
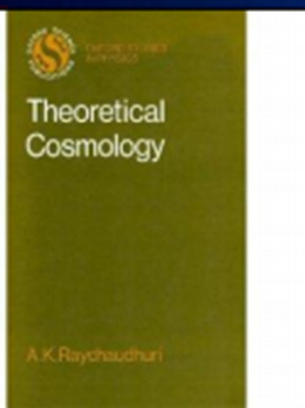
علوم فلسفی : متافیزیک - معرفت شناسی - فلسفه علوم

علوم طبیعی : فیزیک نظری - کیهان شناسی نظری

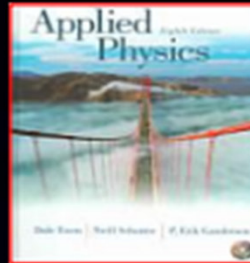
علوم انسانی-اجتماعی : جامعه شناسی نظری - روان شناسی نظری - اخلاق نظری

زبان شناسی نظری - تاریخ نظری - اقتصاد نظری

علوم قیاسی



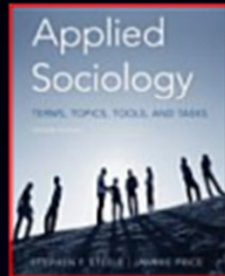
طبقه بندی علوم بر اساس روش آزمون



علوم مهندسی :

علوم طبیعی : فیزیک کاربردی - شیمی - علوم پزشکی -

علوم تجربی



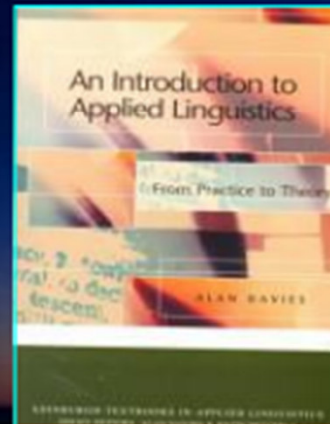
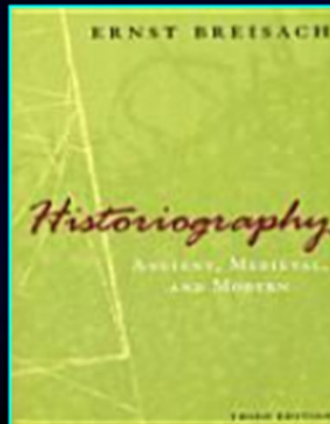
علوم انسانی-اجتماعی : روان شناسی بالینی - جامعه شناسی کاربردی

باستان شناسی - جغرافیای طبیعی



تاریخ نگاری - زبان و ادبیات - زبانشناسی کاربردی - علم المديث

علوم استنادی



علوم استقرایی

مروری بر روش شناسی علم اقتصاد

محمدزاده

روش شناسی علم اقتصاد (ادامه ۱)

روش شناسی علم اقتصاد، به بررسی روش های تجزیه و تحلیل علمی مبادرت می ورزد که دانشمندان و محققان رشته اقتصاد برای گسترش و تکامل این رشته به کار گرفته اند.

در قرن نوزدهم مطالب بسیاری درباره روش شناسی اقتصاد نوشته شد که از ناسوسینیور آغاز و توسط جان استوارت میل و جان الیوت کایزنز پیگیری شد و سرانجام توسط جان نویل کینز خلاصه و جمع آوری گردید. جدال میان مکاتب روش شناسی از جمله استقرا گرایی و ابطال گرایی در دهه های اولیه قرن بیستم چالش های اساسی را در به کارگیری روش ها و شیوه های کمی و مقداری بویژه در علوم انسانی و از جمله اقتصاد به وجود آورد. انتقادهای شدید از تین برگن و هارود در به کارگیری شیوه های مکانیکی همانند علوم طبیعی در اقتصاد جزو مشهور ترین جدال های روش شناسی در اقتصاد است. اما آنچه که مسلم می نماید همزمان با تحولات صورت گرفته در ۱۵۰ سال اخیر در تاریخ علم و روش شناسی، اقتصاد هم از این قاعده بی تاثیر نبوده به طوری که ما حاکمیت هر یک از روش های پوزیتیویسم، پوزیتیویسم منطق، ابطال گرایی و ... برجریان غالب علم اقتصاد در این چند دهه گذشته مشاهده می کنیم.

روش شناسی علم اقتصاد (ادامه ۲)

چرخش از پوزیتیویسم به پوزیتیویسم منطقی را می توان در رشد اقتصاد ریاضی و میزان استفاده از مدل های ریاضی در تئوری های اقتصادی یافت. چرا که اقتصاددانان به جای توجه به عوامل قابل مشاهده به جمع آوری یا خلق قضایایی مبادرت می ورزیدند که به لحاظ منطقی معتبر بودند. این قضایا می تواند درباره داده های قابل مشاهده یا غیر قابل مشاهده باشد. این مسأله که نمایانگر اهمیت اعتبار منطقی نسبت به جمع آوری داده های دقیق است، می تواند مبنای تأکید بیش از حد بر ریاضیات باشد.

در نگرش پوزیتیویسم، تجربه بنیاد شناخت است و معیار تمیز علم از غیر علم، آزمون های تجربی قابل تکرار در شرایط معین است. نظریه ای را می توان صادق و معتبر دانست که براساس مشاهدات عینی و آزمون های قابل تکرار اثبات شده باشد. هر تئوری که براساس شواهد اثباتی در مشاهدات بنا شده باشد و یا موارد اثباتی را ارائه دهد، شواهدی که در بخش مفروضیات و یا در جریان یک اثبات استقرایی قابل استفاده هستند، تحت عنوان «اثبات گرایی» ارزشمند تلقی می شوند

روش شناسی علم اقتصاد (ادامه ۳)

پوزیتیویست ها منطقی تقدم مشاهده بر تئوری را نپذیرفتند. آنان بر آن شدند که هر مشاهده ای انباشته از نظریه هاست و نظریات در قالب حدس ها و فرض ها همواره برای مشاهده امور به کار می روند. پوزیتیویست ها منطقی که در دوران پس از جنگ جهانی دوم نفوذ خود را در سایر علوم بسط دادند اعتقاد به تمیز علم از متافیزیک داشتند. کارل پوپر مقاله ای انتقادی بر پایه زمینه های منطقی ارائه داد که ابراز می داشت هر تئوری کمکی اثباتی به دانش علمی است در صورتی که آن تئوری قابل ابطال باشد. با ابطال گرایی کارل پوپر، انتقاد از آنچه که به مسأله استقرار معروف شده است، شروع می شود. برطبق ایده ابطال گرایی، از مقدمات صادق الزاماً نمی توان به نتایج صادق دست یافت و هیچ گزاره جهان شمولی را نمی توان از گزاره های مشاهداتی استنتاج کرد، اما بر عکس آن صادق است. یعنی گزاره ای جهان شمول را می توان حتی با یک مشاهده ابطال کرد. ابطال گرایی معیار تمیز علم از غیر علم را «ابطال پذیری» می داند به این معنا که از نظر منطقی امکان وجود نقیضی برای نظریه وجود داشته باشد. در ابطال گرایی مانند پوزیتیویسم منطقی، مشاهده هرگز مقدم بر نظریه نیست. تاریخ علم، تاریخ حدس ها و ابطال های پیوسته است.

روش شناسی علم اقتصاد (ادامه ۴)

میلتون فریدمن، پل ساموئلسون، بیکر، استیگر، چمبرلین، ورنون اسمیت، ریچارد لیپسی و... همگی تحت تأثیر پوزیتیویست ها، پوزیتیویست های منطقی و ابطال‌گرایی پوپری به کار بردی کردن این روش شناسی ها در اقتصاد پرداختند. به عنوان مثال، ریچارد لیپسی کتاب معروف خود در روش شناسی علم اقتصاد را با عنوان «مقدمه ای بر اقتصاد اثباتی» تحت تأثیر شدید پوپر نوشت. هر چند در ویرایش های بعدی این کتاب دست به اصلاحاتی زد. این کتاب به زعم بسیاری از اقتصاددانان، کماکان بنیان پوزیتیویسم اقتصاد مدرن تلقی می شود.

اما ابزارگرایی فریدمن و توصیف گرایی ساموئلسون که بر روش شناسی و پژوهش های دهه های هفتاد و هشتاد اقتصاد سایه افکنده بود بیشترین نقادی ها را از سوی مارکسیست ها، نهاد گرایان و طرفداران دیدگاه های جدید در روش شناسی همچون مک کلاسکی، لاسن و ماکی به دنبال داشت.

ابزار گرایی به معنای استفاده از نظریه ها به عنوان ابزاری برای پیش بینی (با هدف یاری رساندن به سیاستگذاران اقتصادی) و تولید مقیاس های علمی و تجربی است. میلتون فریدمن روش شناسی خود را در مقاله ای با عنوان متدولوژی اثباتی در سال ۱۹۵۳ مطرح کرد.

روش‌شناسی علم اقتصاد (ادامه ۵)

پوزیتیویسم فریدمنی که به پوزیتیویسم شیکاگو هم معروف است، سودمندی را مورد توجه ویژه قرار می‌دهد. به اعتقاد پیروان مدرسه اقتصاد شیکاگو، سودمندی دو جنبه دارد. در یک طرف ارائه تئوری‌های اثباتی که بتوانند از سوی سیاستگذاران به عنوان ابزار استفاده شود مورد توجه قرار می‌گیرد، در طرف دیگر مفید بودن برای گسترش اقتصاد نئو کلاسیکی به طور کلی و تأیید اعتقادات مربوط به قدرت مطلق سیستم بازار به طور مشخص، نکته مورد توجه مکتب شیکاگو است.

خود فریدمن در مقاله سال ۱۹۵۳ خود یک استدلال برای آن مطلب ارائه داد. بدین صورت که هر کسی که فقط به دنبال ارائه تئوری‌های مفیدی برای استفاده سیاستگذاران است، باید از پیش داوری‌های فلسفی نسبت به گروه فیلسوفان تحلیلی که اغلب پوزیتیویست‌های منطقی‌نامیده می‌شوند، اجتناب کند و در عوض باید به این نکته توجه کند که سؤالات مربوط به قابل ابطال بودن و یا حتی قابل قیاس بودن با واقعیت که در مواجهه با فروض رفتاری مدل‌های اقتصادی مطرح می‌شوند، اهمیت کمتری از سودمندی نتایج آن مدل‌ها دارند. به راحتی می‌توان مشاهده نمود که چنین استدلالی در واقع شدیداً متمایل به متدولوژی ابزار گرایانه می‌باشد. مقاله فریدمن نه یک استدلال علیه پوزیتیویسم بلکه فقط نقدی بر پوزیتیویسم منطقی پیچیده بود. موضوع مشاهدات اثباتی هنوز برای فریدمن مطرح است. تنها مرزبندی او به منظور محدود کردن شواهد به نتایج و پیش‌بینی‌هاست و اینگونه تحلیل‌های منطقی مدل‌ها، مفروضات و تئوری‌ها را جدا کرده و به عنوان یک شاخص سودمندی تئوری‌های اثباتی از آنها یاد می‌کند. داده‌های اثباتی به آشکاری نقش مهمی در متدولوژی فریدمنی ایفا می‌کند. اما برای فریدمن فقط داده‌های اثباتی مربوط می‌توانند یک پیش‌بینی موفق باشند که سودمندی مدل و یا تئوری یک نفر را تخمین می‌زند.

روش شناسی علم اقتصاد (ادامه ۶)

- اما توصیف گرایی روشی است که نظریه ها را به عنوان تبیین کننده نمی پذیرد بلکه آنها را تحلیلی از حوادث قابل مشاهده می داند. این نظر ساموئلسون، دیدگاهی کمتر بنیادگرایانه از پوزیتیویسم اقتصادی ارائه می دهد. در این دیدگاه که به پوزیتیویسم MIT هم مرسوم است، این طور استدلال می شود که شرط حداقل برای یک گزاره اثباتی در اقتصاد این است که آن گزاره قابلیت ابطال به وسیله شواهد اثباتی را داشته باشد. به طور خلاصه، همانگونه که گروهی از اقتصاددانان در اواخر دهه ۴۰ بیان می کنند، تمام تئوری های اثباتی صحیح، در اصل به صورت تجربی قابلیت ابطال دارند. تمام چیزی که باید تضمین شود این است که آن تئوری بر پایه سخنان زائد غیر علمی بیان نشده است. این نسخه حداقل گرا از پوزیتیویسم، بیشتر منافع سازندگان مدل های ریاضی را تأمین می کند که می خواهند از ناخوشایندی های کم ارزش پرداختن به داده های تجربی دنیای واقعی پیچیده پرهیز کنند.
- روش شناسی های فریدمن و ساموئلسون جریان غالب حاکم بر روش شناسی علم اقتصاد در دهه های ۷۰ و ۸۰ بود. مک کلاسکی کار خود را با تمرکز بر نقد این جریان غالب در آثار خود، رویکرد خطابی را به عنوان بدیلی برای این روش شناسی ها معرفی کرد. وی تحت تأثیر اندیشه فیلسوف روش شناس مشهور، پل فایرابند، به نقادی تند و تیزی از روش شناسی های مورد استفاده اقتصاددانان مبادرت می ورزد که در مقاله وی با عنوان «خطابه گرایی در علم اقتصاد» مشهود است. وی در این مقاله با مجزا کردن گفتمان های رسمی و غیررسمی، بیان می دارد که روش علمی (رسمی) که در بیان بسیاری از منتقدان مورد استهزا واقع می شود، معجونی از اثبات گرایی منطقی، رفتارگرایی، عملیات گرایی و مدل فرضی - قیاسی است. وی سپس با بیان احکام مدرنیسم که آن را با اثبات گرایی یکی می داند، آنها را تک تک مورد انتقاد خود قرار می دهد. ب

روش شناسی علم اقتصاد (ادامه ۷)

بر طبق آنچه که مک کلاسی از مدرنیسم تلقی می کند، این احکام عبارتند از:

- (۱) پیش بینی و کنترل هدف علم است.

- (۲) تنها پیامدهای مشاهده پذیر (یا پیش بینی های) یک نظریه برای درستی آن مهم است.

- (۳) مشاهده پذیری مستلزم آزمایش عینی قابل تکرار است.

- (۴) اگر و فقط اگر پیامد تجربی یک نظریه غلط باشد، نظریه ابطال می شود.

- (۵) عینیت باید گرامی داشته شود؛ مشاهدات ذهنی (درون کاوی)، دانش علمی محسوب نمی شود.

- (۶) حکم کلوین، (باید محقق شود)؛ وقتی نمی توانید آن را برحسب ارقام بیان کنید، دانش شما ناقص است و راضی کننده نیست.

- (۷) درون کاوی، باورهای متافیزیکی، زیبایی شناسی و نظام آن ممکن است به نحوی در کشف یک فرضیه نقش داشته باشند، اما در توجیه آن نقشی نخواهند داشت.

- (۸) این کار روش شناسی است که استدلال علمی را از استدلال غیرعلمی و اثباتی را از هنجاری جدا کند.

- (۹) تبیین علل یک پدیده، آن را در قالب یک قانون پوشش دهنده درمی آورد.

- (۱۰) دانشمندان در نقش دانشمندان (مثلاً اقتصاددانان در نقش اقتصاددانان) چیزی درباره ارزش (اخلاقی یا هنری) ندارند که بگویند. (در برابر ارزش حرفی برای گفتن ندارند)

سپس وی در ادامه با اشاره به این که امروزه در فلسفه حتی به نیمی از این گزاره ها باوری (اعتقادی) وجود ندارد با ذکر مثال هایی مخصوصاً از مکتب شیکاگو و میلتون فریدمن، ادعا می کند که اکثریت عمده ای در اقتصاد به تمام آنها معتقدند.

روش شناسی علم اقتصاد (ادامه ۸)

نقد مک کلاسیکی بر روش شناسی اقتصاد اثباتی بر ۲ ویژگی کلیدی این روش شناسی تمرکز دارد:

(۱) تأکید بیش از حد بر قواعد شناخت شناسی

(۲) پیش گویی

اثبات گرایی برای مک کلاسیکی نمونه بارز نوگرایی در قلمرو فلسفه علم است. وی، با به چالش کشیدن خویشتن درک انسان از روش شناختی اثبات گرا / نوگرا در مورد علم اقتصاد، بحث را آغاز می کند و با برجسته کردن مسأله ای به نام «مشکل مرزبندی» این باور نوگرایانه را مورد حمله قرار می دهد که تقسیم بندی مشخصی میان علم و غیرعلم در زمینه راه های نیل به شناخت در این ۲ حوزه وجود دارد. لذا هم علیه این فکر که شناخت علمی را از نظر ماهیت نسبت به سایر راه های شناخت متفاوت می داند و هم علیه آن سلسله مراتبی که میان علم و غیرعلم برقرار شده است، (موضع گیری) می کند.

انواع منابع انتشار مطالعات علمی و مراحل انجام آنها

(در حوزه آموزش و پژوهش علم اقتصاد)

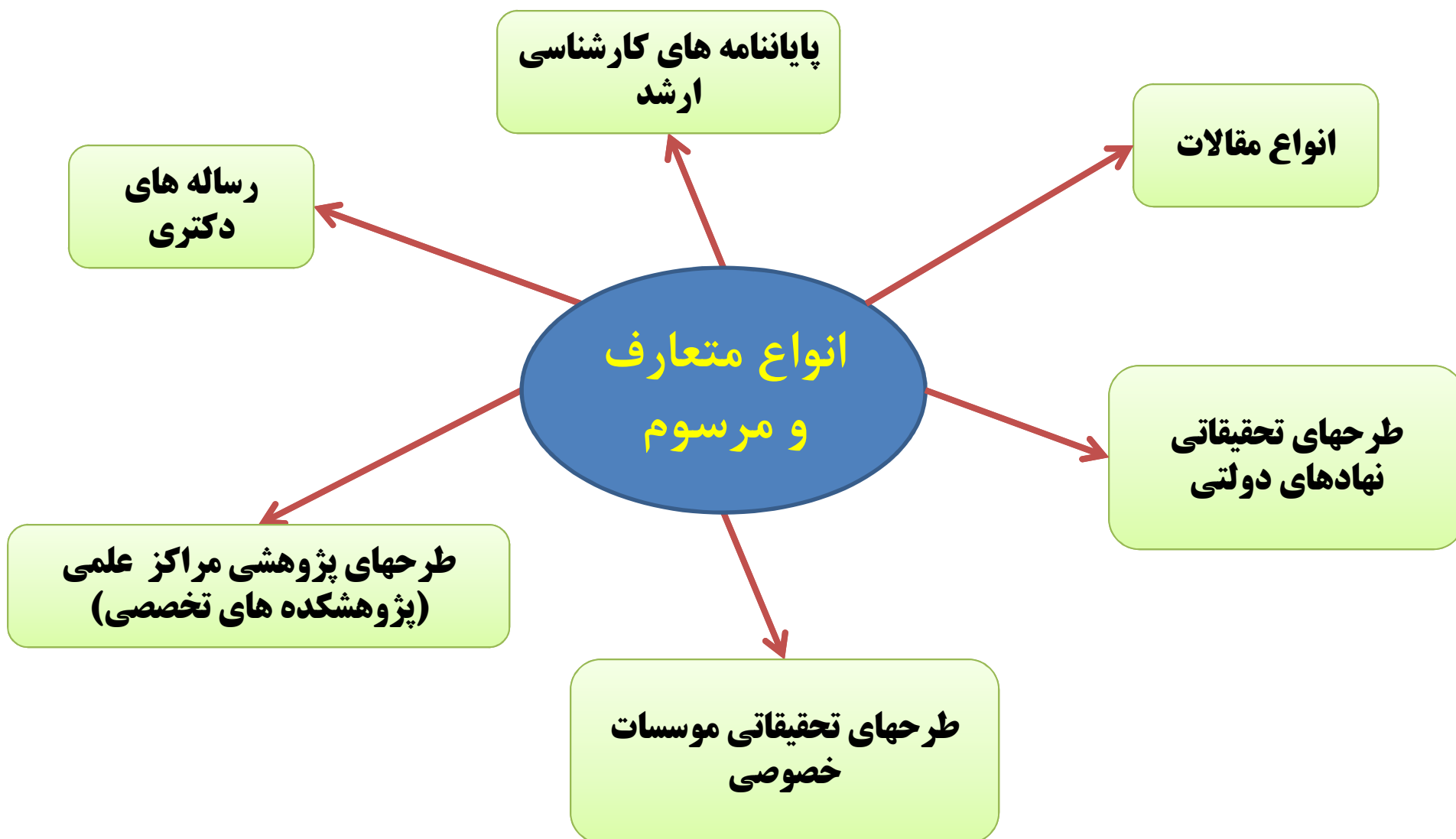
انواع تحقیق و پژوهش بر اساس هدف

بنیادی: تحقیقی است که در جستجوی کشف حقایق و واقعیتها و شناخت پدیده ها و اشیاء است و روابط علمی را کشف می نماید و به تبیین ویژگیها و صفات یک واقعیت می پردازد. با اندیشه و تفکر منطقی سر و کار دارد. به سخن دیگر تحقیق بنیادی شرح و تبیین یک تفکر یا پایه گذار اندیشه های جدید است.

توسعه ای: پژوهشی است که با هدف گسترش مرزهای دانش عمومی بشر صورت می گیرد بنابراین هر یک از موضوعاتی که در حوزه علوم انسانی و تجربی بتواند به گسترش این علوم کمک نماید و به شرح و تبیین آن پردازد و وجوه ناشناخته آن را روشن کند در حوزه تحقیقات توسعه ای جای می گیرد.

کاربردی: تحقیقی است که به منظور حل مشکل یا معضل خاص علمی یا اجتماعی انجام می گیرد. تحقیق کاربردی باید به صورت روشن و مشخص در کارگاه یا کارخانه یا جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

انواع تحقیقات و پژوهشهای علمی بر اساس نحوه تدوین و انتشار



پایان نامه ها

۲. آشنایی با پایاننامه ها و رساله های دانشگاهی

مراحل اداری تهیه پایاننامه های دانشگاهی

1. ارائه پروپزال برای تصویب در جلسه گروه تخصصی
2. تدوین پایاننامه زیر نظر اساتید راهنما و مشاور
3. دفاع از پایاننامه داوری از طرف صاحب نظران حوزه مورد مطالعه

۱. پایاننامه ها (پروپزال)

مراحل تهیه پروپزال:

۱. انتخاب موضوع ایجاد مساله برای دانشجو و جویای دانش



۱. پایاننامه ها (پروپزال)

انتخاب موضوع نیازمند مطالعه مستمر از منابع گسترده است!

برای اینکار می توان به تارنامه های مجلات علمی مراجعه و از آرشیو آنها تحقیقات انجام گرفته قبلی را بررسی کرد.

www.sid.ir

www.irandoc.ac.ir

www.civilica.com

www.magiran.com

۱. پایاننامه ها (پروپزال)

لیست برخی از مجلات علمی-پژوهشی

اقتصاد

دانشگاه شهید بهشتی

پژوهشنامه علوم اقتصادی
دانشگاه مازندران

اقتصاد اسلامی

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

پژوهشنامه مدیریت اجرایی
دانشگاه مازندران

اسلامی

پژوهشهای اقتصادی
پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس
تهران

اقتصاد پولی، مالی (دانش و توسعه)

پژوهشهای اقتصادی ایران
دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

دانشگاه فردوسی مشهد

تحقیقات اقتصادی
دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران

اقتصاد و تجارت نوین

معاونت برنامه ریزی و امور

اقتصادی وزارت صنعت، معدن

و تجارت

تحقیقات مالی
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

اقتصاد و توسعه منطقه ای

(دانش و توسعه)

دانشگاه فردوسی مشهد

فصلنامه اقتصاد مقداری (فصلنامه
بررسیهای اقتصادی)
دانشگاه شهید چمران اهواز

مجله بین المللی بازرگانی و توسعه
دانشگاه سیستان و بلوچستان

مطالعات گردشگری
دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده
مدیریت و حسابداری

مطالعات * اقتصاد انرژی *
موسسه مطالعات بین المللی انرژی

نامه مفید
دانشگاه مفید

تحقیقات مدل سازی اقتصادی
دانشگاه علوم اقتصادی

توسعه کارآفرینی
انجمن مدیریت ایران

جستارهای اقتصادی
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دانش و توسعه
دانشگاه فردوسی مشهد

سیاست علم و فناوری
مرکز تحقیقات سیاسی علمی کشور با همکاری
انجمن علمی مدیریت فناوری ایران

سیاست های اقتصادی (نامه مفید)
دانشگاه مفید

پژوهش ها و سیاست های اقتصادی
معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصاد و دارایی

پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی
دانشگاه پیام نور استان مرکزی

پژوهش های مدیریت منابع انسانی
دانشکده و پژوهشکده مدیریت و برنامه ریزی دانشگاه
امام حسین (ع)

پژوهشنامه اقتصادی
پژوهشکده امور اقتصادی

پژوهشنامه بازرگانی
موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

- ”رساله“، ”تز“ یا ”پایان نامه چیست؟
- Arthur Cole ”...گزارشی است کامل ، که محققى آن را به عهده گرفته و به پایان رسانیده است ، مشروط بر اینکه همه مراحل موضوع بحث را، از زمانیکه به شکل سوژه یا اندیشه ای بوده تا وقتی که به شکل نتایج مدون و مرتب که با ادله و براهین و مدارک مستدل شده است را در بر گیرد.
- **جایگاه و اهمیت پایان نامه در فرایند تحصیلی**
- نمود قدرت استنباطی دانشجو در فرایند تحصیلات تکمیلی

ویژگی های پایان نامه کارشناسی ارشد

۱- اولین تجربه در تحقیقات دانشگاهی به شمار می آید. دانشجو می تواند با یک نوع تلاش پژوهشی آشنا شود و این مقدمه ای برای کار تحقیقی دوره دکترا و تحقیقات در دنیای واقعیت باشد.

۲- می تواند دانشجو را دست کم در یک جنبه از موضوع حرفه ای یا اکادمیک ماهر سازد
۳- می تواند به عنوان یک فعالیت آموزشی مهم در یادگیری تحقیق پیشرفته مطرح باشد

اهداف پایان نامه و رساله

صرفاً یک کار پژوهشی و تحقیقاتی (Scholarly Work)

رقابت پژوهشی (Research competence)

مشارکت در دانش (Contribution to Knowledge) اهداف چیست؟

پایان نامه و رساله: راه نشان دهد، ذهن دانشجو را در مسیر مسائل جامعه به حرکت درآورد و او را برای آینده های بهتر آماده سازد

مسائل کاربردی و نظری تواما (جاذبه بیشتر "ثمره فعالیت های خود را بزودی مشاهده نماید)

طرح پیشنهادی تحقیق؟ Research Proposal

سوالاتی که باید دانشجو پاسخ گوید:

آیا این موضوع ارزش تحقیق دارد؟

آیا می شود در این موضوع رساله ای نوشت؟

آیا من توان انجام آن را دارم؟

آیا میل و علاقه ای به این کار در من است؟

نحوه انتخاب موضوع پایان نامه یا رساله

بطور کلی پایان نامه نویسی با سوالات اساسی زیر روبروست:

۱- اصولاً در یک مدرسه عالی، گروه آموزشی و یادانگاه برای چه مقصد یا مقاصدی پایان نامه و یا رساله نوشته می شود؟

۲- اگر موضوعات مختلفی در رابطه با دوره کارشناسی ارشد و یا دکتری می تواند مطرح باشد به چه دلیل موضوع انتخابی اولویت دارد؟

آنچه به هنگام انتخاب موضوع باید مورد توجه باشد

- ✓ مورد علاقه دانشجو باشد (بدترین شکل انتخاب برای پایان نامه یا رساله)
- ✓ دانشجو توانایی خود را در نظر داشته باشد (عدم تبیین موضوع و یا گستردگی کار و عدم پیش بینی های لازم در تهیه اسناد و مدارک)
- ✓ نیاز جامعه را در نظر داشته باشد (گرهی از مشکلات جامعه را بگشاید)
- ✓ دانشجو بتواند استاد راهنمایی را در این رابطه پیدا کند و با او برای کار به تفاهم برسد (توجیه موضوع تحقیق, ابتدا انتخاب استاد؟ دانشگاه و شهر؟ صلاحیت راهنما)
- ✓ حتی المقدور به زمینه کاری او وابسته باشد. (فهرست زمینه های مورد علاقه, گسترش به PhD, کار قبلی)

آفت زدگی فرایند پایان نامه نویسی در ایران

- ۱- تقبل بیش از حد مسئولیت راهنمایی یا مشاوره توسط اساتید. (بالا بودن تعداد دانشجویان، وضع نامناسب معیشتی اساتید، نشانه برتری و مقبولیت استاد، حرص، وضعیت خاص تخصصی، کمبود استاد آشنا، اخلاقیات ویژه استاد و...)
- ۲- عدم اختصاص زمان لازم (ساعات زیاد تدریس، جدی نگرفتن، عدم آشنایی، مکان مناسب)
- ۳- نا آشنایی اکثر اعضای شوراها و کمیته های تحصیلات تکمیلی (ویا مراکز تصویب کننده طرحهای تحقیق در دانشکده ها) با مبانی روش تحقیق. Two ways
- الف: وارد کردن ایرادهای غیر علمی و روش شناختی
- تصویب بیجا
- ۴- فقدان مکانیزمی که نحوه هماهنگی تدریجی در طی مراحل تحقیق بین استادان راهنما و مشاور را فراهم آورد. (سرگردانی دانشجوی...)
- ۵- نبود یک ذهنیت مشخص در بین دانشجویان در میزان و چگونگی انتظار آنان از نقش استاد راهنما و مشاورین در فرایند تحقیق و بالعکس

- ۶- کلیشه ای شدن قالب های ذهنی بعضی استادان در امر تحقیق.
- ۷- بحران حجم گرایی:بیربط بودن بخش هایی از ادبیات تحقیق پایان نامه با موضوع و مساله اصلی تحقیق،استفاده از حروف درشت و.....
- ۸- غیر استاندارد بودن معیارهای ارزیابی یک رساله تحقیقی
- ۹-تکراری بودن موضوع اکثر رساله ها و محدود شدن آنها به بررسی نقشها و رابطه ها و(DBT)
- ۱۰-عدم همکاری سازمانها با دانشجویان ودانشگاه
- ۱۱-دایر شدن مراکز و موسساتی که ”پایان نامه نویسی“ می کنند و رنج پایان نامه نویسی را هموار ساخته اند
- ۱۲-شیوع بی رویه نظرسنجی و کاربردهای بی مورد پرسشنامه برای جمع آوری داده هادر تحقیقات

دو رویکرد در پایان نامه نویسی

الف- رویکرد فرایندی

در واقع انجام و بکارگیری روش علمی است که طی آن بعد از مشخص شدن مسئله اصلی تحقیق، پژوهشگر فرضیه هایی می سازد و سپس آنها را آزمون کرده و در نهایت نتیجه گیری می کند.

ب- رویکرد تدوینی

در این رویکرد، پژوهشگر با استفاده از یک چارچوب تعریف شده (فصلها و محتوای آنها)، آنچه را که طی رویکرد فرایندی در انجام مراحل و گامهای تحقیق بدست آورده است مدون می سازد.

استاد راهنما و مشاورین

نحوه انتخاب : افراط و تفریط, وظایف متقابل استاد و دانشجویان,مدیریت پروژه,هماهنگی کلی ,بعد از پایان یافتن چه فعالیتی؟

متاسفانه گاهی این رابطه متقابل به علت آشفتگی درانتظارات مخدوش است. مواردی مثل:

- ✓ اظهارات نامعقول استاد در رابطه با محتوای پایان نامه در حین کار
- ✓ ارایه پایان نامه کامل توسط دانشجو به استاد بدون کوچکترین هماهنگی در طول فرایند پایان نامه نویسی.
- ✓ عدم هماهنگی دانشجو در اخذ تایید از استاد در رابطه با طراحی ابزار ”جمع آوری اطلاعات“ و اقدام به کارگیری ابزار در نمونه آماری و ارایه نتایج آن به استاد.
- ✓ تناقض های بین استاد راهنما-مشاوران و سرگردانی دانشجو در کشاکش اظهارات ناهماهنگ آنها
- ✓ مشخص نبودن (ساز و کار) مکانیزم تقسیم کار بین استاد راهنما و مشاورین و در نتیجه سرگردان ماندن دانشجو در برابر اظهارات راهنما یا مشاور ؟

اجزای تشکیل دهنده پروپزال پایان نامه :

- ۱- مقدمه ۲- بیان مسأله (تعریف موضوع تحقیق) ۳- تاریخچه و سابقه موضوع (مساله) تحقیق
- (پیشینه تحقیق) ۴- اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق ۵- اهداف تحقیق ۶- چارچوب نظری
- تحقیق ۷- مدل تحلیلی تحقیق ۸- فرضیه های تحقیق ۹- روش تحقیق ۱۰- قلمرو مکانی
- تحقیق (جامعه آماری) ۱۱- قلمرو زمانی تحقیق ۱۲- روش نمونه گیری و تعیین حجم نمونه ۱۳-
- ابزارهای گردآوری داده ها (اطلاعات) ۱۴- روش تجزیه و تحلیل داده ها ۱۵- محدودیتهای تحقیق
- ۱۶- شرح واژه ها و اصطلاحات بکار رفته در تحقیق

۱- مقدمه

معمولاً در مقدمه ، پژوهشگر سعی می کند با آوردن مطالبی برای خواننده ذهنیت مورد نظر خود را در رابطه با موضوع ایجاد نماید . در واقع از این طریق می خواهد خواننده را با مبانی و کلیات موضوع تحقیق مورد نظر خود آشنا کند و او را برای فهم بهتر موارد دیگری که آماده سازد .

مقدمه نباید بیش از حد طولانی باشد و در برگیرنده مطالب حاشیه ای و غیر مرتبط باشد و یا مطالبی را که در بخشهای دیگر این فصل خواهد آمد مطرح کند .

با توجه به اینکه هدف از تهیه فصل اول ، آشنا ساختن خواننده با کلیات تحقیق می باشد لذا معمولاً برای قسمت مقدمه حداکثر ۲/۱ تا ۳ صفحه را در نظر می گیرند .

۲- بیان مسأله (پرسش آغازی تحقیق / مسأله اصلی تحقیق)

صورت یک مسأله غالباً اساسی تر از حل آن است . حل مسأله ممکن است فقط مستلزم مهارت‌های تجربی و و یا ریاضی باشد ، حال آنکه طرح سئولات نو و بررسی مسائل قدیمی از دیدگاهی تازه ، نیازمند ذهنی خلاق است و این نکته بیانگر آزمودگی فرد در علم است .

هر پژوهش در واقع با قصد پاسخگویی و راحل یابی برای یک مسأله اصلی که در قالب یک پرسش ظهور کرده است آغاز می شود . هر پژوهش برای اینکه انسجام ، هدفمندی و کاربردی بودن خود را حفظ کند باید بر حول یک مسأله اصلی ، سازماندهی شود .

هر مسأله اصلی در واقع، مرکزی است که در حوزه یک مساله ، (Problem Area) قرار گرفته است . حوزه مسأله در برگیرنده:

مسائل حاشیه ای ، پیرامونی و پدیداری است که بر گرد مسأله اصلی نمودار شده است .

اصلی یا حاشیه ای بودن یک مسأله در واقع به هدف تحقیق وابسته است ، لذا می توان گفت ،
اصلی یا حاشیه ای بودن یک مسأله امری نسبی است .مثال

اصلی « چه رابطه ای بین ساختار سازمانی و میزان بهره وری کارکنان وجود دارد ؟ »

اما در تحقیق دیگری در همان سازمان (مثلاً نقش انگیزشی شیوه های فعلی پرداخت دستمزد)
همین مسأله به عنوان یک « مسأله پیرامونی » (حاشیه ای / جانبی) می تواند در نظر
گرفته شود ، در چنین حالتی محقق در پی آن است تا با کنترل متغیرهای غیر مرتبط
نقش مداخله گری و تعدیگری آنها را کاهش داده و اعتبار تحقیق را افزایش دهد.

به عبارت دیگر مسأله اصلی تحقیق باید یک مسأله علمی باشد و « مسأله علمی عبارت از
تحریک ذهنی است که نیازمند به یک پاسخ از طریق تحقیق علمی می باشد.

مساله ، سئوالی است که در ذهن پژوهشگر راجع به یک پدیده ، مشکل یا معضل اجتماعی ،
سازمانی مطرح می شود .

هدف محقق از طرح این سئوال ریشه یابی علت یا علل به وجود آورنده آن مشکل یا معضل
است. بطور کلی این ریشه یابی را می توان در این سئوال خلاصه کرد که :

چه چیزی این پدیده یا مشکل را به وجود آورده است ، و چرا ؟

ارکان وظایف یک پژوهشگر :

1. انتخاب یک معضل عمومی با بیان عامیانه
2. تبدیل آن به زبان علمی و صورتبندی آن در قالب یک مسأله علمی
3. بررسی و مطالعه آن با استفاده از روشهای علمی
4. نیل به شناخت علمی در مورد علل و روابط مربوط به مسأله مورد نظر
5. و در نهایت برگرداندن آن از زبان علمی به زبان عامیانه به منظور ارایه راه حلها و چاره جوئیها.

هر تحقیقی به دنیال طرح مسأله ای آغاز می شود . اگر این مسأله در ذهن محقق از وضوح و روشنی لازم برخوردارنباشد ، به اجبار محقق به کلی گویی می پردازد و به این ترتیب ، خود را از علم و روش علمی دور می کند . لذا برای جلوگیری از کلی بافی و در نتیجه ، کلی گویی ، لازم است که :

اولاً محقق در مورد پدیده یا مسأله مورد نظر به تفکر بیشتری بپردازد و در قدم بعدی، از طریق بررسی ادبیات و منابع مربوط ذهن خود را در مورد مسأله مزبور روشن کند و از مشورت با صاحب نظران دریغ نورزد .

حل مسأله نیازمند شناخت خود مسأله است و بدون شناختن و روشن کردن صورت مسأله، هیچ مسأله ای قابل حل نخواهد بود. حل مسأله به دو امر بستگی دارد :

۱) محقق بداند چه کاری را می خواهد یا باید انجام دهد .

۲) مسأله خوب چیست، و یا مسأله علمی چه ویژگیهای دارد ؟

بطور کلی می توان گفت : « منظور از بیان مسأله ، طرح مسایل اجتماعی بزبان علمی است ، این امر شامل:

محدود کردن مسأله، اثبات ضرورت مسأله و لزوم انجام بررسی تجربی در مورد آن .
پژوهشگر باید بتواند مسأله را به گونه ای بیان کند که اهمیت آن را به اثبات برساند
در شناسایی مسأله تحقیق ، پژوهشگر سعی برآن دارد تا شواهدی دال بر وجود مسأله
عرضه کند به عبارت دیگر پژوهشگر زمینه ای را تصویر میکند که در آن مسأله مورد
نظر رخ داده است، در این مرحله:

ویژگیهای مسأله، گستردگی و علل احتمالی بروز آن نیز شناسایی می گردد .

بیان یک مسأله روشن ،دقیق و قابل بررسی شاید مشکل ترین مرحله تحقیق باشد .
بیان خوب یک مسأله ، بر اطلاعات زیر استوار است :

الف) اهمیت مسأله

ب) تحدید مسأله در یک حوزه تخصصی

ج) اطلاعات کلی درباره تحقیقات انجام شده

د) چارچوبی برای ارایه نتایج تحقیق

ه) مشکلات موجود در سازمان

و) قلمروهای مورد نظر مدیریت برای بهبود

ز) قلمروهای نظری و مفهومی که پژوهشگران قلمرو تحقیقات بنیادی باید از طریق
نمودها و عوارض آنها را مشخص تر و محدود تر کنند .

ح)تعریف تمامی متغیرهای مرتبط اعم از متغیرهای مفهومی یا عملیاتی

مسایل تحقیق ، می توانند «ساختارمند» یا « غیر ساختارمند » باشند . باید توجه
داشت که درجه ساختارمندی مسأله ، تابع برداشتی است که از آنها می شود

ویژگیها و چگونگی بیانیه مسأله تحقیق (پرسش آغازی): مجموعه صفاتی که باید در یک پرسش آغازی (بیان مسأله) خوب جمع باشد عبارتند از :

۲-۱-۱ واضح ، روشن ، محدود و بدون ابهام بودن

تغییرات در سبک مدیریت چه نتایجی در زندگی کارکنان سازمان دارد ؟ این پرسش: بسیار گنگ است ،

معلوم نیست منظور از تغییرات چه نوع تغییراتی است ؟

منظور از « زندگی کارکنان » چیست ؟ آیا منظور زندگی شغلی ، خانوادگی ، اجتماعی یا فرهنگی است ؟

آیا امکانات زندگی آنها مورد نظر است ؟

آیا کیفیت زندگی کاری آنان مطرح است ؟

آیا منظور از تغییرات در سبک ، سبک کلیه مدیران عالی و میانی است ؟ یا فقط مدیران عالی ، یا میانی؟ و.....بطور کلی یک پرسش آغازی خوب باید:

« عملی » باشد ، یعنی اینکه بتوان بر مبنای آن **کارکرد** و مخصوصاً باید بتوان:

عناصر پاسخهایی را برای آن فراهم آورد

علل کاهش بهره وری در صنایع خودروسازی ایران چیست ؟
علی رغم اینکه برخی ابهامها مانند:

چه نوع بهروری؟ کل؟ جزیی؟ یا عوامل کل؟ ، علل درون صنعتی یا برون صنعتی؟ را می توان درباره این پرسش مطرح کرد ، اما

این پرسش تا حدودی دقیق و روشن است ، و می توان مدعی شد که اکثر افراد از آن معنای مشترکی را می فهمند ، اما دامنه و فراگیری آن بسیار وسیع و تحدید نشده است . کرانه های مسأله ابعاد بسیاری را در بر می گیرد و در نهایت به:

نتایج کلی تر و غیر کاربردی تری می انجامد ، لذا: این نکته اساسی را همواره باید مد نظر داشت که :

هرچه سؤال کلی تر باشد در نتیجه جوابهای آن مبهم تر و غیر کاربردی تر خواهد بود بنابر این :

یک پرسش دقیق و روشن کار تحقیق را از همان ابتدا در چارچوبی تنگ و فاقد امکانات تصمیم گیری محصور نمی کند

تا چه حدی افزایش مشارکت کارکنان در تصمیم گیریهای مدیریتی به منظور افزایش تولید نه صرفاً به خاطر ارتقاء روحیه کاری و افزایش رضایت شغلی بر افزایش بهره وری و وجدان کاری تأثیر دارد؟

این پرسش هم طولانی و هم مبهم است .

مفروضات آن متعدد و هدف آن مکرر است . به طوری که نمی توان اولویت تحقیق را به درستی تشخیص داد ..

بطور خلاصه ، برای آنکه پرسش آغازی پردازش پذیر باشد ، باید آن را:

روشن، صریح و حتی المقدور کوتاه کرد

و باید موضوعی را برگزید که محتاج راه حلی باشد که از تحقیق به دست می آید .

تحقیقی که در صدد حل مشکلات جامعه بشری باشد و در کوتاه مدت ، میان مدت و یا درازمدت کاربردی نداشته باشد ، جز اتلاف وقت ، منابع مالی و انسانی ثمره دیگری ندارد .

۲-۱-۲ امکان بررسی داشتن (قابلیت تبدیل به فرضیه شدن / عملی بودن)

آیا میان کارایی مدیران واحدهای تولیدی بخش خصوصی و مدیران در بخش دولتی تفاوت معناداری وجود دارد؟

چنانچه چندین سال وقت صرف این تحقیق شود ، بودجه ای چندین میلیون تومانی و همکارانی ورزیده و صاحب صلاحیت در اختیار باشد می توان امیدوار بود که این گونه طرحهای تحقیقاتی به جایی برسد .

محقق وقتی که به طرح پرسش آغازی مبادرت می کند ، باید نه تنها از نظر صلاحیت علمی ، بلکه از:

میزان وقت ، پول و امکاناتی که برای اجرای طرح تحقیق نیاز دارد مطمئن باشد . بدیهی است که:

یک محقق که تنها می خواهد پایان نامه تحصیلی بنویسد ، با امکانات محدودش نمی تواند از عهده اجرای چنین طرح تحقیقی که امکانات یک مرکز تحقیقاتی را می خواهد ، برآید

۲-۱-۳- عدم تأکید بر قضاوت‌های اخلاقی ، ارزشی ، فلسفی

آیا نظام مالیاتی که در کشور ما اجرا می شود از لحاظ اجتماعی عادلانه است ؟
از این پرسش پیداست که طراح آن قصد ندارد کارکرد نظام مالیاتی را بررسی کند ، بلکه می خواهد؟

درباره آن از لحاظ ارزشی داوری کند و این برخورد ، بیرون از صلاحیت علوم اجتماعی و مدیریت و... است ، زیرا

تفکیک دیدگاه علمی از دیدگاه ارزشی ، همیشه به آسانی میسر نیست .

به طور کلی ، یک پرسش آغازی خوب: نباید در پی صدور حکم اخلاقی باشد . هدف پرسش آغازی ، قضاوت کردن نیست ، بلکه فهمیدن است لذا نباید تحقیق ، نمایشگر یک موضوع اخلاقی باشد یا احکام اخلاقی صادر کند

مبانی فلسفی شکل گیری سازمانهای ایرانی چیست ؟

این پرسش از مقوله؟فلسفه است و روشهای تحقیق علوم مهندسی و اجتماعی (بویژه مدیریت) هیچ راهی در آن ندارد ؟.

زیرا این روشها برای اندیشیدن درباره معنا و ماهیت چیزها و کیفیت زندگی اجتماعی ساخته نشده اند ، بلکه فقط می توانند چگونگی وجود و ماهیت و فرایندهای تحولشان را تحلیل کنند .

آیا کارخانه داران کارگران را استثمار می کنند ؟

این پرسش یک « پرسش کاذب » است ، یا به عبارت دیگر، دیدگاهی است که در قالب پرسش استتار شده است .

این مسلم است که پاسخ این پرسش در ذهن طرح کننده اش پیشاپیش « آری » یا « نه » است . با چنین پرسشهایی همیشه این امکان وجود دارد که تحقیق را به گونه ای اجرا کرد که پاسخ به آن « مثبت » باشد ، یا بالعکس .

«آیا تقلب مالیاتی علت کسری بودجه دولت است ؟»

در این مورد نیز به آسانی می توان پی برد که طرح کننده پرسش می خواهد به هر نحو پاسخ از پیش آماده مشخصی را تحمیل کند. جا دارد همیشه از خود بپرسیم :

آیا هدف طرح کننده پرسش ، شناخت یک مسأله است یا اثبات آن؟

یک پرسش آغازی خوب ، باید یک «پرسش حقیقی» یا یک «پرسش باز» باشد ، یعنی پرسشی که:؟

از پیش بتوان چندین پاسخ متفاوت برای آن در نظر گرفت ، نه اینکه مجذوب یک پاسخ قطعی از پیش آماده شده برای آن باشیم.

۲-۱-۴- عدم تمرکز بر پیش بینی های کلی

وضعیت آینده مدیریت سازمانهای ایرانی چه خواهد شد ؟

این مسأله بر یک پیش بینی کلی تأکید دارد که با روشهای تحقیق متداول قابل پاسخگویی نیست و در حوزه تحلیل آینده نگرها (Futurists) قرار می گیرد. لذا

در چهارچوب اهداف یک پایان نامه نمی توان به چنین تحقیقاتی پرداخت . بنابراین برای یک پژوهشگر تازه کار بهتر است:

مسأله خود را پیرامون مقولاتی تنظیم کند که اکنون وجود دارند نه آنچه که هنوز وجود ندارد . این پیش بینی ها ،؟

گذشته از اینکه چندان مفید نیستند، از **قابلیت اعتماد** کمی هم برخوردارند و اعتماد قابل ملا حظه ای به آنها نمی توان کرد .

۲-۱-۵- بصورت سوالی مطرح شدن

جهانی شدن تجارت بر فعالیت بخش صنعت ایران تأثیر دارد.

این مطلب ،علی رغم اینکه برخی از معایب مطرح شده در مثالهای قبلی ،را دارد ،:

جمله ای خبری است و به عنوان یک مسأله مطرح نشده است.لذا:

جستجوی پاسخ برای آن **بی معنی** می شود .در چنین حالتی محقق نمی داند که از این پس باید به دنبال **چه چیز یا هدفی** باشد .

۲-۱-۶- توجه به رابطه بین حداقل دو مفهوم یا متغیر کلی

آیا به اجرای مدیریت مشارکتی نیاز هست ؟

در مسأله بالا رابطه ای مشاهده نمی شود ، لذا مشخص نیست که محقق در تحقیق خود کدام رابطه را بین چه متغیرهایی دنبال می کند . در هر پرسش آغازی:

« حتی المقدور باید روابط و نوعی بستگی بین دو یا چند متغیر را تعریف و روشن نمائیم »

۲-۱-۷- امکان اندازه گیری داشتن

ذهنیت فلسفی - تاریخی مدیران ایرانی چگونه شکل می گیرد ؟

بطور کلی باید گفت مسأله تحقیق باید قابل بررسی و به سخن دقیقتر ، قابل اندازه گیری باشد . باید دقت کرد که در طرح مسأله نه تنها باید به وجود روابط بین متغیرها توجه داشت بلکه باید

روابط متغیرهای مورد نظر نیز قابل اندازه گیری باشند . لذا باید مسأله تحقیق :

حل شدنی و از طریق روشهای تجربی (Empirical Methods) قابل آزمایش باشد.

۲-۲ - ملاکهای انتخاب مسائل تحقیقاتی: در خصوص انتخاب مسائل تحقیقاتی نکاتی را باید مورد توجه قرار داد که بعضی از مهمترین آنها عبارتند از :

خودداری از دوباره کاری در تحقیقات و وفاداری نسبت به تحقیقات انجام شده قبلی

درجه اهمیت مسأله تحقیق و ارزش ادامه آن

علاقه مندی ، کنجکاوی و کشش علمی برای دریافت واقعیات

آموزش ، شرایط و کیفیات فردی شخص محقق

فراهم بودن اطلاعات و علمی بودن روش تحقیق

وجود وسایل و امکانات مورد نیاز تحقیق و مناسب بودن شرایط کار

امکان همکاری و همیاری در انجام تحقیق بین واحدها و افراد ذیربط

مخارج تحقیق و استفاده احتمالی از آن

مشکلات ، موانع ، رویدادها و خسارات احتمالی در رابطه با تحقیق

زمان لازم برای تحقیق (prob. Def.)

بنابراین بهتر است مشکل را این گونه تعریف کنیم :

هر وضعیتی که به عنوان فاصله بین واقعیت و وضعیت مطلوب پدیدار شود

راههای دستیابی به مسأله عبارتند از :

I. خلاء موجود در پژوهشهای گذشته

II. ۲ عدم مطابقت نتایج پژوهشهای انجام شده

III. واقعیت‌های توصیف و تبیین نشده. و در نهایت انتظار می رود بتوان با بکارگیری نتایج تحقیقات چهارهدف عمده و مرتبط با هم را برآورده ساخت:

۱- کاهش زمان

۲- کاهش هزینه های زاید

۳- افزایش کمیت

۴- ارتقاء کیفیت

۳/۲- چگونگی ارزیابی مسأله تحقیق

برای ارزیابی مسائل تحقیق و گزاره های آن باید به سؤال زیر پاسخ داد :

آیا زمینه مسأله، گستردگی و ویژگیهای آن با توجه به یک پیشینه تحقیق یا تجربی بیان شده است ؟

آیا بیان مسأله دامنه مطالعه را محدود می کند ؟

آیا بیان مسأله ، قلمرو علمی مسأله را مشخص می کند ؟

آیا اهمیت مسأله برحسب یک یا چند ملاک زیر بررسی شده است ؟

الف : دستیابی به یک شیوه نو

ب : تدوین یک نظریه

ج : تعمیم پذیرتر کردن و گسترش دانش یا نظریه

د : پاسخگویی به مسایل جامعه

ه : پیشبرد روش شناسایی در تحقیق

آیا گزاره های تحقیق (هدفهای ویژه سؤالها یا فرضیه های تحقیق) با توجه به ابعاد تشکیل دهنده

مسأله تدوین شده است ؟

آیا گزاره های تحقیق ، شیوه اجرای پژوهش را آشکار می کند ؟

آیا متغیرهای پژوهش مشخص است ؟

آیا تعریف عملیاتی متغیرها امکان پذیر است ؟

۴/۲ - خطاها در هنگام انتخاب مسأله

اکثر محققان در تشخیص مسأله دچار مشکل می شوند . این مشکل هنگام پیدا کردن مسأله برای تهیه یک پایان نامه خود را بیشتر آشکار می سازد ، زیرا در پژوهشهای غیر دانشجویی غالباً سفارش دهنده تحقیق ، مسأله تحقیق را بیان می کند و یا اینکه مسأله در یک فرآیند آسیب شناسی (Pathology) تعریف و تدوین می گردد . دالن معتقد است دانشجویان و پژوهشگران هنگام انتخاب مسأله مرتکب چهار نوع اشتباه به شرح زیر می شوند :

مسأله ای را بدون تحلیل جنبه های مختلف آن ، شتابزده انتخاب می کنند .
بدون مطالعه منابع مرتبط با موضوع مورد نظر، اقدام به انتخاب مسأله می نمایند
قبل از انتخاب مسأله پژوهشی ، روش اجرای تحقیق را مشخص می کنند .
به جای تعریف دقیق و روشن مفاهیم موجود در مسأله ، آن را بصورت کلی توصیف می کنند . آنچه که بیش از هر چیز اهمیت دارد این است که:

بدانیم در پی پاسخگویی به چه مسأله ای هستیم . به عبارت دیگر مطمئن شویم که پیامدها و علایم یک مشکل را به عنوان خود مشکل اصلی در نظر نگیریم

۵/۲- رابطه بیان مسأله با عنوان (Topic) تحقیق

اولین گام در هر تحقیق ، انتخاب یک عنوان است . برای انتخاب عنوان ، فرمول و قاعده خاصی وجود ندارد . پژوهشگران با: **پالودن ، تصحیح و محدود کردن عنوانهای انتخاب شده** به سؤال و مسأله اصلی تحقیق نزدیک می شوند .

راههای انتخاب عنوان تحقیق

الف (تجارب شخصی

ب (کنجکاوی در اطلاعات منتشره از سوی رسانه ها

ج (بهره گیری از دانش قلمرو تخصصی

د (تمایل به حل یک مسأله

ه (فرصتها و تهدیدات پیش آمده

و (ارزشهای فردی

ز (زندگی روزمره

بعد از انتخاب یک عنوان از راههای بالا و یا دیگر راهها ، پژوهشگر باید از **تکنیکها و فنون لازم در جهت دستیابی به مسایل تحقیق** تلاش کند .

فنون دستیابی به مسأله تحقیق در عنوان تحقیق

- آزمون نظریه ها ، مدلها و روشهای مطروحه در ادبیات قلمرو تخصصی
- بحث بر سر ایده ها با دیگران
- بکارگیری یک محتوای خاص
- تعریف اهداف و خواسته مورد نظر از تحقیق
- **تبدیل موضوع به مسأله قابل تحقیق**

موضوع تحقیق باید کاملاً معین و تعریف شده باشد . چه بسا علاقه شما به موضوع ناشی از پیچیدگی آن و طریق گوناگون اندیشه درباره آن باشد . بهترین راه بررسی نظامند یک موضوع:

- تقلیل آن به سؤال یا سؤالات قابل تحقیق است . این فرآیند تبدیل اندیشه ها به سؤالات و سپس جرح و تعدیل و پیرایش آنها و رسیدن به مسأله تحقیق شامل یک رشته آزمایش و خطاست . مراحل این فرآیند بدین شرح است:
- مرحله اول : توجه به جوانب سؤال برانگیز موضوع
- مرحله دوم : تعیین هدف
- مرحله سوم : بیان موضوع به صورت یک رشته سؤال
- مرحله چهارم : ساختن فرضیه بر مبنای هر یک از پاسخهای احتمالی

برای تنظیم عنوان تحقیق باید نکات زیر را رعایت کرد :

الف) عنوان تحقیق ، باید شناختی دقیق و روشن از **حوزه موضوع تحقیق** را عرضه دارد و درعین داشتن ویژگیهایی نظیر **صراحت ، قاطعیت و اختصار ، خالی از هرگونه ابهام و پیچیدگی** باشد .

ب) محقق باید آگاه باشد که نظم و ترتیب و کاربرد صحیح کلمات در عنوان تحقیق حائز اهمیت بسیار است .

ج) عنوان تحقیق باید در پرتو **امکانات علمی و واقعیتها** با توجه به اصول و موازین علمی ، تهیه و تنظیم گردد ، **واقع گرایی** را بر **آرمان گرایی** ترجیح دهد .

د) محقق بایستی هنگام انتخاب موضوع یا عنوان تحقیق ، از **فرضها (فرضیه ها)** یا **سئوالهایی** که در پی این موضوع خواهد آمد ، آگاه باشد

۶/۲- رابطه بیان مسأله و نوع تحقیق

پژوهشگر باید به این نکته توجه کند که بین چگونگی بیان مسأله تحقیق و نوع تحقیق رابطه منطقی برقرار سازد .

۱/۶/۲- چگونگی بیان مسأله در تحقیق توصیفی

با توجه به اینکه در تحقیقات توصیفی ، پژوهشگر بدنبال ترسیم تصویری از « آنچه که هست » می باشد ، لذا سئوالهای زیر می تواند به هر چه دقیق تر شدن مسأله تحقیق و مشخص تر شدن آن کمک کند .

دوره زمانی مورد توجه ما کدام است ؟

منطقه جغرافیایی مورد نظر ما چیست ؟

آیا خواهان توصیف کلی هستیم یا مقایسه و مشخص کردن الگوی گروه های فرعی ؟

در پی چه جنبه ای از موضوع هستیم ؟

در چه سطحی از انتزاع ، مایل به بررسی مسأله هستیم ؟

۲/۶/۲- اشکال مختلف بیان مسأله در تحقیق تبیینی

الف) تبیین به معنای جستجوی علل یا نتایج

مثال : [طی ۱۰ سال گذشته میزان بهره وری در اکثر کشورهای آسیای جنوب شرقی افزایش یافته است]

اولین قدم در تحقیق تبیینی ، مشخص کردن این امر است که در پی علل هستیم یا نتایج ؟
قدم دوم تعیین چیزی است که در پی علل یا نتایج آن هستیم [مثلاً میزان بهره وری از ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷] .

قدم بعدی تهیه فهرستی از علل یا نتایج احتمالی و سپس گردآوری داده های مربوط است .
روشهای برای تهیه چنین فهرستی به شرح زیر وجود دارد :

تحقیقات پیشین انجام شده

داده های مرتبط با موضوع

تصورات و حدسیات شخصی

گفتگو با افراد مطلع

ب) تبیین به معنای بررسی یک اندیشه ساده

این شیوه طرح و تدوین سؤالهای تحقیق تبیینی ، محدودتر از شیوه قبلی است و به جای جستجوی علل افزایش میزان بهره وری ، کار خود را به یک سؤال خاص محدود می کند :

مثلاً [« آیا X (مثلاً ثبات سیاسی) باعث افزایش میزان بهره وری شده است ؟ »] در چنین حالتی نتایج تحقیق محدود به حل یک مسأله خاص می شود.

ج) تبیین به معنای بررسی اندیشه های پیچده تر

بعد از روشن شدن اینکه ثبات سیاسی با افزایش بهره وری در کشورهای آسیای جنوب شرقی قرین است ، اما :

ساز و کار (مکانیزم) آن چیست ؟

چرا شدت ثبات سیاسی باعث افزایش میزان بهره وری می شود ؟
آیا می توانیم چگونگی پیوندهای آنها را دریابیم ؟

اگر بتوانیم آیا شناخت بهتری از علل افزایش بهره وری پیدا خواهیم کرد؟

نکته :

برخی پژوهشگران ، برای تحقیق یک مساله اصلی را مطرح می کنند که حالت کلی دارد . سپس آن را به مسایل فرعی و جزئی تر تقسیم می کنند . در این کار باید دقت کرد که مسایل فرعی دقیقاً قابل نتیجه گیری از مساله کلی باشند و ارتباط محتوایی و منطقی محکمی با آن داشته باشند . اگر این کار توسط پژوهشگر صورت گیرد ، باید در فرضیه سازی یک فرضیه کلی (اهم) ساخته شود ، سپس این فرضیه ، به فرضیه های جزئی و خاص تر تقسیم شوند

۳- تاریخچه / سابقه موضوع (مساله) تحقیق / پیشینه تحقیق

برای اینکه پژوهشگر تحقیقات خود را در راستایی مجموعه **پژوهشهای هم خانواده** قرار دهد و آن را با **دستاوردهای تحقیقاتی دیگران هماهنگ کند**، نیاز دارد با مراجعه به مدارک و اسناد پیرامون موضوع و مساله ای که برای تحقیق انتخاب کرده است ، **آگاهی خود را گسترش دهد** .

هدف از گنجاندن بخش پیشینه تحقیق عبارت است از :

برقراری **ارتباط منطقی** میان اطلاعات پژوهش های قبلی با مساله تحقیق

آشنایی با **چارچوب نظری و یا تجربی** مساله تحقیق

آشنایی با **روشهای تحقیق** مورد استفاده در پژوهشهای گذشته

برای رسیدن به این اهداف توجه به نکات زیر ضروری است :

الف) انتخاب منابع اطلاعاتی مرتبط با مساله تحقیق

ب) ارایه مطالب از کلی به جزئی (عمومی به اختصاصی)

ج) اجتناب از بیان مطالب **به طور مجرد و بدون رابطه با یکدیگر**

د) تنظیم مطالب به طور سازماندهی شده همراه با روندهای منطقی

ه) ارایه نتایج مطالعات قبلی و نقد آنها

۴- اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق

یک مشکل اصلی در برابر پژوهشگر قرار دارد و آن این است که باید مشخص کند که:

این تحقیق در **چه زمینه ای** از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

۱/۴- اهمیت تحقیق از نظر تئوری

بحث درباره اهمیت موضوع تحقیق از نظر تئوری اغلب به صورت **استدلالی** است و در سایه **بررسی ادبیات مربوط** پدیدار می گردد. محقق باید نشان دهد که:

تحقیق مزبور از **دیدگاهی جدید و خلاقانه** به مسایل نگاه می کند
اهمیت و ارزش تحقیق را نسبت به **ادبیات و نظریه های موجود** به اثبات برساند.

اغلب پژوهشگران در مطالعات خود متوجه **جای خالی موضوعی** در ادبیات می شوند که تحقیق مزبور می تواند این کمبود را جبران کند .

اگر تحقیق در زمینه ای است که **تئوری سیر تکاملی خود را پیموده** است در آن صورت تحقیق می تواند:

آزمون مهمی از تئوری

یا موجب بسط و گسترش آن باشد و

یا امکان دارد: پژوهشگراز **مفاهیم یا اصولی** استفاده کند که پژوهشگران قبلی استفاده کرده اند و **پرسشهای خود** را همانند پرسشهایی که آنها در تحقیقات پیشین بکار گرفته اند تنظیم نماید ، **ولی: داده ها از گروههای متفاوت جامعه دیگری و بدون تردید در زمان دیگری جمع آوری می شود** از این رو نتایج حاصل از تحقیق می تواند موجب گسترش تئوری پیشین گردد

۲/۴- اهمیت تحقیق از نظر مدیران اجرایی و ضرورت های سازمانی

می توان از طریق رایاه خلاصه ای از نوشته های **صاحب نظران و خبرگان آگاه که موضوع** را مهم می دانند و خواستار تحقیق بر روی این مسائل هستند اهمیت تحقیق را به اثبات رسانید و یا درباره آن استدلال کرد

رایاه **آمار و ارقام از رویدادها و تأکیدی** که به وسیله متخصصان و صاحب نظران می شود ، بیان کننده این است که تحقیق مورد نظر از اهمیت خاصی برخوردار است .

۵- اهداف تحقيق

اهداف تحقيق می تواند به دو صورت کلی و ویژه مطرح شود :

الف : اهداف کلی

هدف کلی **مستقیماً** از **مسأله پژوهش** مشتق می شود ، در واقع یکی از اهداف کلی ، **خود موضوع تحقيق** است که معلوم می دارد پژوهش چه چیزی را دنبال می کند و یا قصد تعیین آن را دارد .

ب : اهداف ویژه

اهداف ویژه تحقيق اصولاً **ازمسأله پژوهش و اهداف کلی** آن نشأت می گیرد. محقق با بیان این اهداف دقیقاً تصریح می کند که در این تحقيق :
چه انجام می شود و چه انجام نمی شود . بنابراین ضروری است اهداف ویژه به نحوی بیان شود که:

بر علمی بودن نتایج پژوهش تأکید داشته باشد و چارچوبی مناسب ، برای تجزیه و تحلیل ارائه دهد

۶- چارچوب نظری تحقیق

بطور کلی می توان گفت چارچوب نظری **پایه ای** است که تمام طرح یا پروژه تحقیقاتی بر روی آن قرار داده می شود.

چارچوب نظری به رابطه بین متغیرهایی مانند متغیرهای مستقل (Independent) ، وابسته (Dependent) ، مداخله گر (Intervening) و تعدیل گر (Moderating) که تصور می شود در **دگرگونی شرایط مورد بررسی** نقش دارند می پردازد .

چرا تهیه چارچوب نظری گام مهمی در فرآیند تحقیق است؟
در این مرحله آشکار می شود که برای پیدا کردن راه حل های خوب جهت مساله ابتدا پژوهشگر باید

مساله را بشناسد

و سپس **متغیرهایی** را که در مساله نقش دارند معین کند
بعد باید **شبکه ارتباطات** بین متغیرها به درستی بنا شود ، به نحوی که بتوان **فرضیه های** مربوط را **ایجاد** و بعداً مورد **آزمون** قرارداد.

بر پایه نتایج حاصله از آزمون فرضیه ها ، معلوم می شود که **تا چه حد به کمک یافته های** تحقیق می توان مساله را حل نمود

اجزاء چارچوب نظری

در هر چارچوب نظری باید پنج ویژگی اساسی وجود داشته باشد :

۱- متغیرهای مورد بحث مربوط به تحقیق باید به روشنی شناسایی و نامگذاری شوند .

۲- در تحقیق باید چگونگی ارتباط بین دو یا چند متغیر وابسته و مستقل بیان شود .

۳- اگر بتوان **ماهیت و جهت روابط** را بر اساس یافته های حاصل از تحقیقات **قبل**ی به صورت **نظری** بیان کرد ، در این صورت باید در بحث ها ، نشانه ای دال بر **مثبت یا منفی** بودن این روابط آورده شود .

۴- باید به روشنی با استفاده از یافته هایی تحقیقات قبل به این سؤال پاسخ داد که **چرا ما انتظار داریم این روابط وجود داشته باشد** .

۵- نمودار شماتیک چارچوب نظری (مدل تحلیلی) باید ارائه گردد یا خواننده بتواند روابط نظری را مجسم نماید

بطور کلی می توان گفت:

چارچوب نظری ، ساختاری را برای تشریح یک پدیده (نمود) تجربی فراهم می سازد که دامنه آن به قلمرو خاص محدود نیست بلکه در برگیرنده مفاهیم مختلف (توصیفی و عملیاتی) می باشد و همچنین مفروضاتی رانیزدربار می گیرد

کارکردهای چارچوب نظری: چارچوب نظری دو کارکرد اصلی دارد :

الف) اجازه می دهد پرسش آغازی را **از نو فرمول بندی** یا به صورت دقیق تری بیان کرد

ب) به عنوان شالوده ای برای فرضیه هایی به کار رود که به اعتبار آنها محقق **پاسخ منسجمی به پرسش آغازی** خواهد داد .

اگر بتوانیم چارچوب نظری مسأله تحقیق را به گونه ای طرح کنیم که از چارچوبهای نظری پیشین استفاده کرده واز آنها **فراتر** رود ، بهتر است **جانب روشن بینی و احتیاط** را از دست ندهیم . نخست برای اینکه باید **انتخابی به عمل** آورد و همه چیز را نمی توان **همزمان** تبیین کرد سپس برای اینکه **همه نگرشهای یک مسأله با هم جمع پذیر نیستند** .

نکته:

حتی اگر نظریه ای مشهور به عنوان چارچوب نظری تحقیق انتخاب شده باشد ، باز هم فرمول بندی مجدد صریح و منسجم مسأله تحقیق ضروری است . بی توجهی در این کار باعث:

ناتمام ماندن کار محقق در مرحله بعدی ، یعنی مرحله ساختن مدل تحلیلی خواهد شد ، و جای مدل تحلیلی را فرضیه های سطحی و نامربوط خواهد گرفت .

چگونگی انتخاب چارچوب نظری

آنچه در اینجا اهمیت دارد طرفداری از این مفهوم نظری نیست ، بلکه: نشان دادن مقتضیات انتخاب یک چارچوب نظری است. باید آن را حتماً با آگاهی تمام انتخاب کرد .تنها در این صورت است که :محقق آمادگی گسستن از سوابق ذهنی ، پیشداوریها و توهمات را پیدا خواهد کرد

انتخاب چارچوب نظری چگونه به عمل می آید؟

به طور معمول در پی جهتی که پرسش آغازی ترسیم می کند و کیفیت اطلاعاتی که از مصاحبه های اکتشافی و آمارهای موجود فراهم آمده است به عمل می آید.

۱/۶- مفهوم (Concept) چیست

« مفهوم ، یکی از مهمترین نمادها در زبان ، بویژه در رابطه با پژوهش علمی است . علم برای تشریح دنیای تجربی با تشکیل مفاهیم آغاز می شود و هر پژوهشگر به منظور درک روابط موجود بین داده های خود ، ناگزیر به کاربرد آنهاست . مفهوم را می توان انتزاع یا تجرید رویدادهای مشاهده پذیر دانست ، بدین معنا که: بیانگر یک چیز ، ویژگی ، یا پدیده بخصوصی است تشکیل مفهوم راهی کوتاه برای: تعریف و توصیف واقعیتها است و مقصود از آن: ساده کردن امر تفکر است .

بطور کلی می توان گفت: « مفاهیم بلوکهای هستند که ساختمان نظریه به وسیله آنها ساخته می شود یک مفهوم ، ذهنیتی است که در قالب آن نمادها و کلمات بیان می شود . مفاهیم در علوم تجربی غالباً به شکل نمادهایی مانند $(...,x,y)$ و یا فرمولهای مختلف و در علوم اجتماعی به صورت کلمات بیان می شوند

قابلیت اندازه گیری مفاهیم متفاوت است(انواع مفهوم) ؟

هنگامی که یک مفهوم بر اساس فعالیتهای حسی و به صورت عینی و یا حداقل کوشش ساخته شود ، **واقعی یا ملموس یا تجربی** نامیده می شود. به عبارت دیگر چنانچه مفهومی **قائم به یک شرایط زمانی و مکانی خاص** باشد به آن واقعی یا تجربی گویند .

مفاهیمی وجود دارند که از هرگونه شرایط زمانی و مکانی خاص مستقل هستند و به توصیف موجودیتهای غیر قابل مشاهده می پردازند . این گونه مفاهیم را **مجرد یا نظری** گویند ، مانند: وطن ، عاطفه و ارتباط .

اولین مرحله در توسعه و گسترش دانش ، **تشخیص مفاهیم نظری و تجربی است** . این تشخیص به این دلیل ضروری است که:

هر کدام از این دو دسته مفهوم ، وظایف مختلفی در توسعه و گسترش دانش دارند . **ابهام در گسترش دانش** ، ناشی از بکار بردن این مفاهیم به صورت غلط است

برخی از دانشمندان و محققان ترجیح می دهند که مفهوم واقعی و ملموس را برای چیزهایی که **مستقیماً قابل مشاهده هستند** بکار برند . مشکل اصلی در اینجا؟

« **مشاهده مستقیم** » است . هیچ مفهومی بدون فعالیتهای شناختی قابل مشاهده نیست . مثال:

به منظور اجتناب از این دشواریها ، آن مفهومی را تجربی در نظر می گیرند که **ماهیتاً مجرد نباشد** و مشاهده کنندگان در حضور یا عدم حضور آن **توافق** داشته باشند .

روشهای توسعه مفاهیم

هنگامی که نوع مفهوم مشخص شد ، باید آن را توسعه و گسترش داد . توسعه و گسترش یا ادراک یک **مفهوم نظری**:

«**توضیح**» نامیده می شود ، در صورتی که توسعه و گسترش یا ادراک یک **مفهوم تجربی** را « تعریف » گویند

از مفاهیم نظری به عنوان **وسایل تفکر** استفاده می شود در صورتی که مفاهیم تجربی:

ابزاری هستند که از طریق آنها برای **آزمون تفکر** از مشاهده استفاده می شود .

مفاهیم نظری

برای کسب ایده در باره میزان و چگونگی توضیح یک مفهوم لازم است: به توضیحات پیشین در مورد آن مفهوم مراجعه کرد. چنانچه توضیحات گذشته موافق ایده توضیح دهنده باشد او آن را می پذیرد، و در صورتی که مفهوم مورد نظر قبلاً توضیح داده نشده باشد و یا توضیح مورد قبولی در باره آن وجود نداشته باشد، باید توضیح داده شده، مورد آزمون قرار گیرد. این عمل معمولاً از راه نقد و مراجعه به نظر دیگران انجام می شود.

مفاهیم تجربی

ممکن است مفاهیم یا گزاره های **یکسان** برای افراد مختلف **معانی متفاوتی** داشته باشند . لذا: پژوهشگر روشهای معینی را برای **دریافت پدیده ها** به کار می برد و سپس کوشش می کند که **یافته های** خود را به دیگران **منتقل** سازد . او برای ایجاد ارتباط یا انتقال ، به **زبان دقیق و معینی** نیاز دارد و از این رو باید از مفاهیم دقیق و روشن استفاده کند .
برداشت یکسان از مفاهیم ، نیاز به: تعریف آنها دارد.

ملاکهای ارزشیابی مفاهیم

در تعریف و توضیح یک مفهوم ، معنای دقیق و درستی وجود ندارد و نمی توان گفت تعریف مفهوم ، **صحیح** است یا **غلط** . تعریف یک مفهوم زمانی بهتر از توضیح یا تعریف مفهومی دیگر است که: در آن **ملاکهای ارزشیابی مفاهیم ، بهتر رعایت شده**

ملاکهای ارزشیابی مفاهیم نظری

۱- اهمیت و اعتبار تجربی

منظور این است که هر یک از مفاهیم نظری باید پژوهشگر و یا جوینده دانش را به یک **یا چند مفهوم تجربی** راهنمایی کند. رعایت چنین ملاکی ضروری به نظر می رسد، زیرا مفاهیم نظری مستقیماً قابل **مشاهده و اندازه گیری نیستند**.

۲- سودمندی یا اثربخشی

گاهی اوقات منظور از اثربخشی، **تعداد ارتباط های** است که یک مفهوم می تواند با مفاهیم دیگر داشته باشد. مفاهیم پسندیده و مطلوب باید با مفاهیم زیادی ارتباط داشته باشند و تعداد این ارتباط ها باید به **حد اکثر** ممکن برسد

هنگامی که تعداد ارتباط های بین مفاهیم زیاد باشد، **آزمون تجربی** این ارتباط ها به **مشاهده های بیشتری منجر می** شود. آزمون تجربی همبستگی های بین مفاهیم، موجب **کسب دانش و اطلاعات بیشتر** می گردد.

۳- ثبات درونی

در توضیح مفاهیم نظری نباید **تناقض درونی** وجود داشته باشد. این تناقض نه تنها در **معنای مفاهیم** نباید وجود داشته باشد، بلکه در **توضیح** آنها نیز نباید یک **مفهوم یکسان** در **مکانهای متفاوت** و با **معانی مختلف** به کاربرده شود

۴- عملیات ریاضی

مقصود تعیین این واقعیت است که آیا مفهوم، **قابل تبدیل شدن به کمیت است** و یا اینکه پژوهشگر در توضیح آن باید از **نمادهای ریاضی** استفاده

۵- سادگی

سادگی یکی از ملاکهای است که هم در توضیح مفاهیم نظری و هم در تعریف مفاهیم تجربی مورد نظر است. توضیح یا تعریف یک مفهوم ممکن است برای عده ای ساده و برای عده ای دیگر مبهم باشد. بنابراین سادگی عبارت است از: **درجه توافقی که افراد مختلف در روشن بودن معانی مفهوم دارند.**

ملاکهای ارزشیابی مفاهیم تجربی

۱- پایایی مشاهده گرها

منظور این است که مشاهده کنندگان در گزارش از پدیده های یکسان ، **توافق داشته** باشند . باید توجه کرد امکان توافق کامل وجود ندارد و در صورتی که در میان مشاهده کنندگان **۸۰ تا ۹۰ درصد** توافق وجود داشته باشد کافی به نظر می رسد .

۲- انتزاعی بودن

مقصود این است که مفاهیم تجربی با در نظر گرفتن **محدود یتهای** **زمانی یا مکانی یا هر دوی آنها، باید آغاز و پایانی داشته باشند .**

۳- ادراکی

منظور از این ملاک این است که مشاهده کننده با **حداقل فعالیت هایی** که به منظور شناخت انجام می دهد ، مفهوم را درک کند .

۴-ارتباط با برخی از مفاهیم نظری

مراد این است که بعد از مشاهده مفاهیم تجربی ، شخص بتواند **مفاهیم نظری همتا و مقابل** آن را پیدا کند . رعایت این ملاک مشابه توجه به ملاک **اعتبار تجربی در مفاهیم نظری** است .

۵-سادگی

سادگی برای مفاهیم نظری و تجربی معنای یکسانی دارد . یک مفهوم وقتی ساده و روشن است که پژوهشگران پس از مشاهده عینی آن ، در معنای آن توافق داشته باشند

کارکردها و نقش مفاهیم

الف) مفاهیم در حقیقت به عنوان پدیده های تجربی وجود ندارند ، یک مفهوم به خودی خود یک پدیده نیست ، بلکه نمادی از یک پدیده است . مثلاً خطاست اگر مفهومی مانند (قدرت) را به عنوان عاملی که دارای کششها ، نیازها و غرائز است در نظر بگیریم .

ب) مفاهیم ، بیانگر یک دورنما ، یعنی راهی برای پدیده های از طریق (مفهوم سازی) هستند . مفهوم ، دانشمند را قادر می سازد که به جنبه ای از واقعیت ارتباط پیدا کند و به آن کیفیت مشترکی منسوب نماید .

ج) مفاهیم وسایلی هستند که از طریق آنها عمل طبقه بندی و تعمیم صورت می گیرد . دانشمندان تجارب و مشاهده های خود را به صورت مفاهیم ، طبقه بندی می کنند ، سازمان می دهند ، نظم می بخشند و تعمیم می دهند . (مقصود از مفهوم سازی تا حدودی یعنی تعمیم دادن ، و مقصود از تعمیم ، یعنی کاهش تعداد چیزها از طریق ادراک برخی از آنها است)

د) مفاهیم به عنوان مؤلفه های تئوری عمل می کنند و بدین ترتیب مؤلفه های تبیین و پیش بینی بشمار می آیند .

۲/۶-سازه Construct چیست ؟

واژه های « مفهوم » و « سازه » معانی مشابه دارند با این وجود تمایز مهمی در بین آنها وجود دارد (کرلینجر ، ۱۳۷۴ ، ۶۲) برای درک این تمایز ، باید به تفاوت‌هایی بین انواع مفاهیم توجه کنیم :

برخی مفاهیم با واقعیتها و چیزهایی که توصیف می کند ارتباط نزدیک دارند مثلاً مفهوم میز را می توان با نشان دادن میزها به آسانی بیان کرد .
برخی مفاهیم را نمی توان به آسانی به پدیده هایی که این مفاهیم در برابر آنها ایجاد شده است ربط داد . مثلاً مفاهیمی چون طرز فکر ، یادگیری ، نقش انگیزش ، از این گونه اند .

سازه نیز یک مفهوم است . اما دارای این معنای اضافی نیز هست که: به گونه ارادی و خود آگاه برای یک هدف خاص علمی اختراع یا پذیرفته شده است .

مثلاً هوش به عنوان یک مفهوم ، انتزاعی است از مشاهده های مربوط با رفتارهایی که هوشمندانه یا غیر هوشمندانه بشمار آید . اما هوش به عنوان یک سازه علمی ، دارای معنایی است که می تواند هم بیشتر و هم کمتر از چیزی باشد که مقصود از یک مفهوم است

دانشمندان سازه را به گونه ای نظامدار به دو طریق زیر بکار می برند :

نخست آنکه سازه مورد نظر (مثلاً هوش) از راههای مختلف به سازه های دیگر ارتباط پیدا می کند . مثلاً می توان گفت پیشرفت تحصیلی به نحوی تابع هوش و انگیزه است .

دوم آنکه هوش به گونه ای تعریف می شود که بتوان آن را مشاهده و اندازه گیری کرد . با اجرای آزمون هوش A می توانیم درباره هوش کودکان مشاهده هایی بعمل آوریم ، یا از معلمان بخواهیم درجات نسبی هوش شاگردان خود را معلوم کنند .

بطور کلی می توان گفت:

سازه ها غالباً از نظریه ها مشتق می شوند مثلاً قابلیت اجتماعی یک سازه است ، که از یک سو به مهارت های اجتماعی ، شناختی و عاطفی و از سوی دیگر به فرآیند اجتماعی شدن و تجربه های اجتماعی در روابط بین فردی اشاره دارد . مشاهده قابلیت اجتماعی تنها با ایجاد شرایط خاص و با کمک متغیرها امکان پذیر می گردد .

رابطه مفهوم با سازه

تحقیق عبارت است از **مقابله و مقایسه اندیشه با واقعیت** ، برای این مقابله و مقایسه ، پژوهشگر گاهی از:

اندیشه به سراغ واقعیتها می رود و زمانی برعکس از:

واقعیتها به سوی اندیشه رهسپار می شود. بنابراین ، محقق دارای یک وظیفه دو جانبه یا دو جهته است :

در مطالعات و تحقیقاتی که فرضیه های آنها مبتنی بر یکی از تئوریهای رایج است، وظیفه محقق **نزدیک کردن ذهنیات به عینیات** است (یعنی تئوری را قابل سنجش و مشاهده می کند)

در تحقیقات اکتشافی وظیفه محقق از طریق مشاهده و اندازه گیری جزئیات ، تبدیل امور عینی به امور ذهنی (ساختن فرضیه و تئوری) و نزدیک کردن تجارب به تفکرات و تئوریهاست .

هر یک از این دو حرکت متضاد ، نام خاص خود را داراست:

حرکت محقق از بالا به پایین ، یعنی از اندیشه (تئوری ، فرضیه یا مفهوم) به مشاهده (مشهود ، متغیر یا اندازه) را اصطلاحاً « عملیاتی کردن »

(Operationalization) گویند . **منظور از عملیاتی کردن قابل مشاهده ساختن یک تئوری و پیش بینی طرق اندازه گیری آن است .**

اگر مفهوم یک پدیده **غیر قابل رویت** باشد ، عملیاتی کردن به معنای قابل رویت کردن و یافتن **مصادقی عینی و واقعی برای مفهوم** است . پس عملیاتی کردن ، جنبه **جایگزین سازی** دارد . یعنی شیئی را در دنیای واقعی ، جایگزین اندیشه کنیم و بدان امکان متجلی شدن و جلوه گری بدهیم

بر عکس ، در مفهوم سازی (Conceptualization) **محقق از تجارب و مشاهدات روزانه خود به طرف محفوظات و مفهومات ذهنی و اندیشه ای گام می بردارد و سعی بر این دارد که از امور جزئی قانون یا اصلی کلی (تئوری) بسازد تا بدین وسیله بتواند امر جزئی مشابه را تحت نظم و کنترل خود در آورد.** پس ، مفهوم سازی قابل فهم کردن و تابع نظم و کنترل کردن مشهود یا سلسله ای از مشهودات (Observed) و تجارب و از آنها تئوری ساختن می باشد .

لیکن برای انجام این حرکت‌های متضاد، یعنی از مفهوم به مشهود، و بر عکس، از مشهود به مفهوم، محقق نیازمند **ابزار و وسیله ای خاص** است تا بتواند به سر منزل مقصود برسد. این ابزار یا وسیله، چیزی جز: **سازه نیست**. مسلماً از مفهوم تا مشهود شکاف یا خلایی وجود دارد که سازه آن را پر می کند. (مفهوم، سازه، مشهود)

مفهوم یعنی چیزی که فهم بر آن واقع شود، یعنی چیزی که فهمیده شود. سازه یعنی چیزی که لفظ بر آن واقع شود، یعنی لفظی یا نامی بر آن اطلاق شود. و بالاخره مشهود یعنی چیزی که بر آن مشاهده واقع شود یعنی دیده شود. بنابراین، بشر خواه در مورد اندیشه ها و خواه در مورد مشاهدات خود، با استفاده از الفاظ و عناوین به نام گذاری و در نتیجه، به طبقه بندی کردن آنها می پردازد (سازه). پس **سازه انتخاب لفظ و نامی خاص برای یک مفهوم یا یک مشهود می باشد.** مجموعه این الفاظ نهایتاً به تکوین **یک زبان خاص علمی** منجر می شود

۳/۶ - تعریف (Definition) چیست ؟

« تعریف قضیه ای است که ماهیت یا خاصیت یک پدیده یا مفهوم را بیان می کند و به وسیله آن می توان به معانی یک پدیده یا مفهوم پی می برد » (ساده ، ۱۳۷۵) به طور خلاصه می توان گفت که در تعریف واژه دو نکته مورد توجه است

۱- تعریف باید طوری باشد که: فضای مفهوم بطور **پایدار** **تثبیت** شود تا همه افراد ، از آن مفهوم فقط یک مطلب را بفهمند و امکان تغییر مفهوم و تعبیر گوناگون از آن وجود نداشته باشد (شرط پایداری)

۲- تعریف باید به گونه ای دقیق باشد که بتوان آن مفهوم را **به سادگی بررسی نمود** ، بدین معنی که: **صفات و اصطلاحاتی** که برای تعریف یک واژه بکار گرفته می شوند باید **دقیقاً تعریف** شده و دارای **فضای مفهومی مشخص و صریحی** باشند ، بطوریکه: از یکسو از **نظر تجربی** قابل بررسی باشند و از سوی دیگر نتوان آنها را **بطرق گوناگون تعبیر** نمود .

پاسگال در کتاب روح هندسی می گوید که :

امور معلوم نیازی به تعریف ندارند .

هیچ امری هرچند دارای ابهام اندکی باشد نباید بی تعریف گذاشته شود .

در تعریف یک امر ، از اصطلاحات نباید استفاده برد ، زیرا اصطلاحات خود نیاز به تعریف دارند

انواع تعریف

I) **تعریف مفهومی (Conceptual Def.)** هرگاه در تعریف یک مفهوم یا سازه از سایر مفاهیم و سازه ها استفاده شود آن را تعریف وضعی می گویند « تعریف مفهومی تقریباً همان شرحهایی است که معمولاً در فرهنگ واژه ها آورده می شود و کاربرد خاصی در امر تحقیق ندارند

II) **تعریف اسمی (Nominal Def.)** تعاریف اسمی چیزی را درباره واقعیت بیان نمی کنند ، لذا نه درست هستند و نه غلط . مزیت آنها در این است که:

از یک سواز این طریق معانی واژه ها مشخص و سوء تفاهمهای احتمالی برطرف شده و امکان سنجش و بررسی متغیرمیسر می گردد و از سوی دیگر وقتی یک مطلب در گفتار و بیان بارها تکرار و هربار برای تفهیم آن توضیحات طولانی لازم شود ، کافی است که آن مطلب بصورت یک واژه ، فقط یک بار تعریف و سپس بجای توضیحات طولانی و مکرر از آن واژه استفاده شود

III) تعریف تحلیلی (Analytical Def.)

مفاهیم گرفته شده از زبان عامیانه ، گاه از نظر گروه های مختلف جامعه دارای معانی کاملاً متفاوتی می باشند ، بطوریکه اگر شخصی از یک گروه بخواهد آن واژه را در گروه دیگر بکار برد ، با سوء تفاهم و یا عدم تفاهم روبرو خواهد شد .

لازم است معانی واژه های مورد استفاده (مثلاً در یک پرسشنامه) را قبلاً بررسی کرده و معانی معمول آن واژه های را در گروه یا جامعه مورد نظر تعیین نمود .

این گونه بررسی و تعیین معانی را ، همپل « تحلیل معنی » و اوپ « تعریف تحلیلی » می نامد

IV) تعریف تجزیه ای: تعریف تجزیه ای ، روشی نسبتا دقیق است که واژه مورد نظر را بطور کاملا صریح و مشخص محدود می سازد (محرک _ پاسخ)

این نوع تعریف که در آغاز بوسیله کارناپ نشان داده شد و در علوم اجتماعی بسیار معمول است ، مبتنی بر جریان (محرک _ پاسخ) می باشد ، بدین ترتیب که به یک عده از افراد محرکی (مثلا به صورت یک سوال) داده می شود و بر مبنای عکس العمل های آنها در مقابل این محرک ، به آنها یک صفت داده می شود .

تقریبا همه (سوالات) یک پرسشنامه و خصوصا مقیاس های سنجش گرایش تعاریف تجزیه ای هستند .

(V) تعریف چند مرحله ای:

برخی از واژه های علوم اجتماعی، بعلت موارد استفاده گوناگون، دارای فضای مفهومی نسبتاً وسیعی هستند که نمی توان آنها را با تعاریفی که گذشت محدود و مشخص نمود. مانند واژه (سازمان).

مفهوم سازمان را نمی توان به این سادگی تعریف نمود. بدین ترتیب که تعریف آن نه از طریق تعیین خطوط مرزی و محدوده بیرونی فضای مفهوم آن امکان پذیر است و نه با شمردن مفعول های نامحدودی که محتوای فضای مفهوم را تشکیل می دهند (مانند وزارتخانه، واحد تولیدی، بیمارستان، زندان، دانشگاه، مدرسه، ارتش و ...)

VI (تعریف واقعی (Real Def.):

این گونه تعاریف هدفش تعیین **((ماهیت))** یک واژه با سوالاتی شبیه: ((... یعنی چه؟ یا ((... چیست؟)) می باشد (مثلاً: تربیت یعنی چه؟ دموکراسی یعنی چه؟) بدین ترتیب ملاحظه می گردد که لغت ماهیت خود بسیار مبهم است و معلوم نیست که با سؤالات ((یعنی چه)) و ((چیست)) چگونه فضای مفهوم واژه مورد نظر تعیین می گردد؟

با کمی تأمل و تعمق ممکن است راههایی به نظر برسد که بتوان این فضای مفهوم را مشخص نمود، اما این راهها جز آنچه که تا کنون گفته و بررسی شده اند نخواهد بود.

VII (تعریف عملیاتی (عملی) (Operational Def.):

گفته شد برای بررسی تجربی یک تئوری، ابتدا لازم است **متغیرهای** آن تعریف شوند، سپس مشخص کرد که می توان این متغیرها را از **نظر تجربی** بررسی نمود؟
چنین تعارفی **معانی مفاهیم** را لمس پذیر می کند، **وروش های اندازه گیری** که ملاکهایی را برای **کاربرد تجربی مفاهیم** به دست می دهد، **طرح و خلاصه می کند**. بنابراین تعاریف عملیاتی :

سطح مفهومی (نظری) را با **سطح تجربی** پیوند می زند و پژوهشگر را قادر می سازد که با استفاده از **داده های اولیه ای** که همواره به صورت واقعیت های مشاهده پذیر در اختیار اوست، پژوهش را اجرا کند.

انواع تعاریف عملیاتی

الف: تعریف عملیاتی اندازه پذیر (Measured Operational def.)

این نوع تعریف بیان می کند که متغیر مورد نظر چگونه اندازه گیری خواهد شد. برای مثال،

مدیر باهوش ممکن است به عنوان شخصی که فرصت های اقتصادی خوبی برای سازمان به دست می آورد، یا به عنوان شخصی که مسائل کارکنان را بخوبی حل می کند تعریف کرد. یا مدیر پرخاشگر را می توان عنوان فردی که رفتارهایش جنبه نمایش و دعوا دارد، سر و صدا می کند، بلند حرف می زند و صحبت وی حالت توهین به دیگران دارد، توصیف کرد .

(ب) تعریف عملیاتی تجربی (Experimental Operational def.)

این نوع تعریف جزئیات دستکاری (Manipulation) متغیری را که باید به وسیله پژوهشگر صورت گیرد، مشخص می سازد. در اینجا پژوهشگر سعی می کند با استفاده از یک شیوه معین موجب شود که پدیده مورد مطالعه رخ دهد. مثلاً

تعریف عملیاتی ((ناکامی)) می تواند چنین باشد: ((حالتی که فرد را از رسیدن به هدفی که به آن نزدیک شده است بازدارد)). برای مثال [اگر به کارمندی یک عامل انگیزشی نشان دهیم ولی آنرا دور از دسترس او قرار دهیم، یک تعریف عملیاتی تجربی است]

• متغیر (Variable) چیست؟

- الف: متغیر چیزی است که می تواند از لحاظ مقدار تغییر کند و معمولاً چیزی است که می تواند ارزشهای عددی متفاوتی را بپذیرد (به زبان آماری، یعنی واریانس داشته باشد) بنابراین هر چیز که وجود داشته باشد یک متغیر است... و در واقع ویژگیهایی است که پژوهشگر آنها را مشاهده، کنترل و یا در آنها دخل و تصرف می کند.
- ب: متغیر، ایده اصلی در یک تحقیق بوده و مفهومی است که تغییر می کند.
- ج: متغیر کمیتی است که در دامنه ای معین می تواند از یک فرد به فرد دیگر یا از یک مشاهده به مشاهده دیگر مقادیر مختلفی را اختیار کند، بنابراین چیزی است که تغییر می پذیرد. نمادی است که اعداد یا ارزشها به آن منتسب می شود، برای مثال X یک متغیر است، یعنی نمادی است که می توانیم مقادیر عددی بدان نسبت دهیم. متغیر X می تواند، مجموعه قابل توجهی از مقادیر مثلاً نمره های یک آزمون هوش یا مقیاس طرز نگرش را اختیار کند.
- د: متغیر یک مفهوم است که بیش از دو یا چند ارزش یا عدد به آن اختصاص داده می شود. به عبارت دیگر متغیر به ویژگیهایی اطلاق می شود که می توان آنها را مشاهده یا اندازه کرد و دو یا چند ارزش یا عدد را جایگزین آنها قرار داد، عدد یا ارزش نسبت داده شده به متغیر، نشان دهنده تغییر از یک فرد به فرد دیگر یا از یک حالت به حالت دیگر است. میز یک مفهوم است نه متغیر، اما وزن میز، یک متغیر است. مفهوم میز به تنهایی بر وجود ارزش های چندگانه دلالت نمی کند و برای مثال مشخص نمی سازد که چه ویژگیهایی از آن مورد نظر است... گاهی اوقات ویژگیهایی که در یک پژوهش اندازه گیری می شوند ممکن است در پژوهش دیگر ثابت نگه داشته شوند
- ه: متغیر عبارتست از ماهیتی که ارزش های مختلف را قبول کند به سخن دیگر، چیزی است که تغییر می پذیرد
- و: یک متغیر عبارت از یک نمود تجربی است که دو یا چند ارزش را می تواند بپذیرد.
- ز: یک متغیر، چیزی است که می تواند مقادیر گوناگون را به خود بگیرد، این مقادیر می توانند در زمانهای مختلف برای یک شخص متفاوت باشند.
- ح: متغیرها شرایط یا خصایصی هستند که محقق آنها را کنترل، دستکاری یا مشاهده می کند

طبقه بندی متغیرها

الف) متغیر وابسته (Dependent Var.): متغیر وابسته، متغیری است که هدف محقق تشریح یا پیشبینی تغییرپذیری در آن است، به عبارت دیگر، آن یک متغیر اصلی است که به صورت یک مساله حیاتی برای تحقیق مورد بررسی قرار میگیرد.

ب) متغیر مستقل (Independent Var.)

متغیر مستقل یک ویژگی از محیط فیزیکی یا اجتماعی است که بعد از انتخاب، دخالت یا دستکاری شدن توسط محقق، مقادیری را می پذیرد تا تأثیرش بر روی متغیر دیگر مشاهده شود

ج) متغیر تعدیل گر (Moderator Var.)

متغیری که دارای تأثیر قوی بر رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته است، یعنی حضور یک متغیر سوم، رابطه مورد انتظار اصلی اولیه بین متغیرهای مستقل و وابسته را تغییر می دهد. به عبارتی دیگر، هرگاه رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته مشروط به متغیر دیگری شود، آن متغیر سوم در واقع نقش تعدیل گری را ایفا می کند.

مثال:

سطح تحصیلات کارکنان در سازمانهایی با مدیریت زنان کمتر از سازمانهایی با مدیریت مردان، میزان بهره وری را پیش بینی می کند (جنسیت مدیران)

چ) متغیر مداخله گر (Intervening Var.)

متغیری است که محقق برای استنتاج از نحوه تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته مورد نظر قرار می دهد ، تأثیر مداخله گر را نه می توان کنترل کرد و نه مستقیم و مستقل از سایر متغیرها مشاهده کرد ، لذا به این تأثیر در تحلیل نهایی اشاره می شود

مثال : کارآیی مدیرانی که وظایف خود را بر پایه مقررات انجام می دهند بیش از کارایی مدیرانی است که توجه کمتری به مقررات دارند .

م . مداخله گر : شخصیت مدیران

ح) متغیر کنترل (Control Var.)

در یک تحقیق اثر تمام متغیرها را بر یکدیگر نمی توان به طور همزمان مورد مطالعه قرار داد بنابراین محقق اثر برخی از متغیرها را کنترل نموده و یا آنها را خنثی می کند ، این نوع متغیرها ، متغیرکنترل نامیده می شود (بازرگان و دیگران ، ۱۳۷۶) مثال

ارتقاء سازمانی با بلوغ سازمانی در زنان رابطه مستقیم دارد ، در حالی که بین این دو متغیر در بین مردان هیچگونه رابطه ای وجود ندارد .

درباره فرضیه بالا پژوهشگر احتمالا عامل:

((سن)) را به عنوان متغیر کنترل باید در نظر بگیرد ولی متغیر جنسیت نقش تعدیل گر دارد .

تفاوت متغیرهای کنترل با تعدیل گر آن است که اثرات متغیرهای کنترل از میان می رود در حالی که اثرات متغیرهای تعدیل گر مورد مطالعه قرار می گیرد .

۷) مدل تحلیلی (Analytical Model) تحقیق

گفته شد که چارچوب نظری الگویی مفهومی و بنیادین است که تمام تحقیق بر روی آن بنا می شود و از طریق آن پژوهشگر بین عواملی که در ایجاد مسأله تحقیق مهم هستند ارتباط برقرار می کند و فرضیه های قابل آزمون خود را ایجاد می کند .

مدل تحلیلی ، نوعی نمودار سازی برای متغیرهای استخراج شده از چارچوب نظری تحقیق است .

« وقتی که محقق می خواهد به آشکار سازی چارچوب نظری تحقیقش اقدام کند همه ابزارهای نظری را در اختیار ندارد و احتمالاً مجبور است چند منبع اضافی دیگر را نیز بررسی کند . مثلاً بسیار مفید و بجا خواهد بود که محقق متون علمی مرتبط با مفاهیمی را بخواند که در اثر کثرت استعمال در مکالمات روزمره با آنها مأنوس شده است اما از معانی دقیق و اصلیشان دور افتاده است و غالباً برای تعریف دقیق آنها حضور ذهن ندارد . **اینجاست که فراگیری درسهای نظری که به موازت فراگیری درسهای روش تحقیق دنبال می شود ، برای پیشرفت در کار تحقیق حائز کمال اهمیت است .**

معرف (شاخص) (Indicator) چیست ؟

مفاهیم برای قابل استفاده بودن باید شاخصهای تجربی داشته باشند.

ساختن یک مفهوم در گام اول عبارت از: **تعیین ابعادی است که آن را تشکیل می دهد** و امر واقعی را منعکس می سازد . مثال:

مفاهیم « مثلث » و « مربع مستطیل » به واقعیت‌های دو بعدی و از نوع سطحی ناظر است ، در حالیکه مفهوم « مکعب » به واقعیت سه بعدی و از نوع حجمی ارجاع می دهد .

گام بعدی در ساختن یک مفهوم ، **تعریف شاخصهایی است که به کمک آنها بتوان ابعاد مفهوم را اندازه گیری کرد** .

۸) فرضیه (Hypothesis) تحقیق

((... با انباشتن حقایق علمی ، بدون ساختن فرضیه ، هیچ گونه پیشرفت عمیقی در بینش علمی به وجود نمی آید و بدون برخورداری از اندیشه ای هدایت کننده ، ما نمی دانیم چه حقایقی را جمع آوری کنیم و نمی توانیم امور مربوط را از نا مربوط باز شناسیم)) توماس کوهن

((برآستی که تراژدی علم ، قتل فرضیه های زیبا ، به دست حقایق زشت است)) تی .اچ . هاکسلی

بیان مساله تنها به صورت کلی پژوهش را هدایت می کند و تمام اطلاعات ویژه پژوهشی را در بر ندارد ، از طرف دیگر در صورتی که کلیه اطلاعات پژوهشی را در مساله مطرح کنیم مساله به صورتی بزرگ می شود که تدبیر و هدایت آن امکان پذیر نیست، بنابراین مساله هرگز به صورت علمی حل نخواهد شد مگر اینکه به فرضیه یا فرضیه هایی تبدیل شود . رابطه فرضیه با تحقیق مثل رابطه راه با مسافرت است . هر چه راه و جاده هموارتر و مطمئن تر باشد مسافرت راحت تر بی خطر تر می شود ، بنابراین در تحقیقی که فاقد فرضیه باشد محقق سرگردان و بلا تکلیف است.

تعاریفی برای فرضیه :

فرضیه بر هر گزاره ای که در دست آزمون باشد اطلاق می شود ، خواه آن گزاره یک واقعیت جزئی و خاص را توصیف کند خواه یک قانون کلی را بیان کند ، یا گزاره‌ای باشد پیچیده تر از اینها (همپل ۱۳۶۹)

فرضیه جمله ای است که به صورت ربطی بیان می شود و به توصیف رابطه بین متغیر ها می پردازد (دلاور ، ۱۳۷۴)

یک فرضیه ، یک حدس مبتنی بر دانش یا تجربه در مورد حل یک مساله است و آن را می توان به عنوان یک رابطه فرضی بین دو متغیر دانست که به صورت گزاره های قابل آزمون ارایه می شود ((Sekaran , 1992 ,))

فرضیه ، در واقع بیان حدسی و فرضی در مورد روابط احتمالی بین دو یا چند متغیر است . پس در درجه اول ، فرضیه بیانی است مبنی بر احتمال نه یقین، در درجه دوم ، فرضیه ها ، معمولاً به شکل جملات تفسیری یا اخباری بیان می شوند و طبعاً به طور اعم یا اخص متغیری را به متغیر دیگر مرتبط می سازد ، فرضیه را می توان در حکم پاسخ محقق به سؤال مربوط به مسأله علمی تلقی کرده « (ساده ۱۳۷۵ ،)

فرضیه ها عبارتند از حد سیاتی خاص که به طور منطقی از نظریه ها بر می آید و نظریه ها را به سوی درگیر شدن با واقعیتها در یک فرآیند قیاسی سوق می دهند (Leary,1995)

انواع طبقه بندی فرضیه ها :

طبقه بندی نوع اول : فرضیه تحقیقی :فرضیه تحقیقی بیانی است که به توصیف رابطه بین متغیرها می پردازد .

الف: جهت دار (Directional): به فرضیه ای گفته می شود که در آن جهت ارتباط یا تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته مشخص و معین است . از این فرضیه هنگامی استفاده می شود که پژوهشگر دلایل مشخصی برای پیش بینی رابطه معینی داشته باشد .

ب: بدون جهت (Nondirectional):فرضیه ای که در آن جهت اختلاف یا روابط مشخص نیست ، بدون جهت نامیده می شود

طبقه بندی نوع دوم :

فرضیه ها از نظر محتوایی به سه نوع فرعی تقسیم پذیرند :

فرضیه هایی که بر **وجود پدیده ها دلالت** می کنند (توصیفی) . معمولاً در هر وزارتخانه ، چند معاونت وجود دارد . در اعمال مدیریت ، تنبیه کردن اجتناب ناپذیر است .

فرضیه هایی که بر **وجود روابط بین پدیده ها دلالت دارد** . شیوه مدیریت مدیران به نوع تحصیلات آنها وابستگی دارد .بقای سازمان با نوع برنامه ریزی رابطه دارد .

فرضیه ها در صدد **بیان علت وجودی و تکوینی پدیده ها و روابط بین آنها بر می آیند(فرضیه های علی Causal Hyp. یا تعلیلی و گاه تحلیلی Analytical Hyp.)** .

شیوه مدیریت مشارکتی موجب افزایش رضایت کارکنان می شود.
ساختار های غیر متمرکز باعث افزایش بهره وری سازمان می شود .

طبقه بندی نوع سوم :

فرضیه های مقایسه ای : پژوهشگر بدنبال بررسی و مقایسه تفاوت تأثیر دو یا چند متغیر بر یک یا چند متغیر دیگر است . مثال

(اعمال شیوه مدیریت مشارکتی (S۳) در مقایسه با شیوه مدیریت تفویضی (S۴) بر افزایش بهره وری تأثیر بیشتری دارد)

فرضیه های همبستگی : پژوهشگر در پی مطالعه میزان رابطه و جهت همبستگی بین دو یا چند متغیر است. مثال

بین درجه تمرکز و میزان فشارهای روانی کارکنان رابطه وجود دارد

فرضیه های علی : پژوهشگر در کار کشف و تعیین رابطه علت - معمولی دو یا چند متغیر است . مثال

فشارهای روانی موجب کاهش رضایت شغلی کارکنان می شود

مسأله تحقیق به جای فرضیه

« گاهی گفته می شود در تحقیق فرضیه لازم نیست ، زیرا به گونه غیر ضروری تخیل پژوهشگرانه را محدود میکند ، دیگر آنکه نقش علم و پژوهش علمی کشف امور است نه کار کردن روی امور بدیهی و همچنین فرضیه ها منسوخ شده اند و غیره این گفته ها کاملاً گمراه کننده اند ، آنها در تفسیر هدف فرضیه ها ، بیراهه می روند » گاهی این اظهار نظر ها از آن ناشی می شود که پژوهشگران نتوانسته اند با توجه به بررسیهای خود به فرضیه هایی دست یابند . « در صورتی که محقق با توجه به پیشینه تحقق نتواند جهت خاصی را برای یافته های خود پیش بینی نماید و رابطه بین متغیرها را حدس بزند می تواند به بیان سؤالهای پژوهش بپردازد . (بازرگان و دیگران ، ۱۳۷۶)

ویژگیهای یک فرضیه

- فرضیه باید آزمون پذیر باشد ، اما فرضیه ای که اکنون آزمون پذیرتر باشد بر فرضیه ای که بالقوه آزمون پذیر است برتری دارد .
- فرضیه باید با سایر فرضیه های موجود در زمینه های کلی مسأله پژوهش هماهنگ باشد
- فرضیه باید به مسایل بخصوصی که عنوان شده جواب بدهد و نه به مسایل دیگر .
- فرضیه باید با دید صرفه جویی و اقتصادی تدوین شود . اگر دو فرضیه در جهت حل یک مسأله معین پیش رود ، فرضیه ای که از لحاظ اقتصادی به صرفه تر است ترجیح داده می شود . اگر توان و قدرت تبیین کنندگی فرضیه ها یکی باشد . فرضیه های ساده بر فرضیه های پیچیده برتری دارد
- فرضیه باید سادگی منطقی داشته باشد فرضیه بهتر بستگی کمتری به فرضیه های پشتیبانی کننده دارد و مفروضه های آن نیز کمتر است .
- فرضیه را باید به شکل کمی بیان کرد (و یا به راحتی کمیت پذیر باشد)
- فرضیه باید نتایج زیادی را در بر داشته باشد و چشم انداز و قلمرو آن کلی باشد.

۹) روش تحقیق

دستیابی به هدفهای علم یا شناخت علمی میسر نخواهد بود ، مگر زمانی که با روش شناسی (Methodology) درست صورت پذیرد . به عبارت دیگر تحقیق از حیث روش است که اعتبار می یابد نه موضوع تحقیق .

روشهای تحقیق به عنوان هدایتگر جستجوهای علمی در جهت دستیابی به حقیقت به شکلهای مختلف دسته بندی می شوند : مانند :

الف : اهداف تحقیق

ب: نحوه گردآوری داده ها

هر کدام از این دسته بندیها در برگیرنده روشهای مختلفی هستند که کاربردها ، مزایا و معایب خاص خود را دارند . پژوهشگر باید توجه داشته باشد که اعتبار دستاوردهای تحقیق به شدت تحت تأثیر اعتبار روشی است که برای تحقیق خود برگزیده است،

روابط سه گانه هدف ، روش ، ابزار → روش → هدف

۱۰ - قلمرو مکانی تحقیق (جامعه آماری)

عموماً لازم است اطلاعاتی درباره گذشته و زمینه محیط مورد تحقیق به دست آورد. شناخت از مکانی که پژوهش در آن صورت گرفته می تواند به دو شکل در قضاوت خواننده نسبت به دستاوردهای تحقیق نقش داشته باشد :

الف : آگاهی پیشینی : خواننده با مکانی که تحقیق در آن صورت گرفته است آشنایی دارد و همین شناخت می تواند موجبات تقویت یا تضعیف یا عدم باور نسبت به دستاوردهای تحقیق فعلی را ایجاد کند

ب : آگاهی پسینی: با ایجاد شناخت در خواننده نسبت به مکانی که تحقیق در آن صورت گرفته است ، این شرایط فراهم می آید تا اول بتواند روشهای انجام کار ، آزمودنیها نتایج و تعمیمها را در بستر خود مورد توجه قرار دهد و از این طریق آگاهی بیشتری نسبت به تحقیق پیدا کند .

۱۱- قلمرو زمانی تحقیق

در این قسمت ، پژوهشگر توضیح می دهد که این تحقیق در چه فاصله زمانی صورت می گیرد ، شرح این مسأله از آن جهت ضروری است که: بررسی کننده نتایج تحقیق با توجه به این دوره زمانی ، در مورد بکارگیری دستاوردهای تحقیق می تواند تصمیم گیری کند .

بطور کلی می توان گفت : « بعد از تعیین موضوع تحقیق ، لازم است چارچوب زمانی انجام آن را نیز معین کرد . اولین سئوالی که در این زمینه مطرح می شود این است که:

موضوع تحقیق به چه دوره ای مربوط می شود ؟ به زمان حاضر مربوط می شود ؟ به پیشبینی آینده نیز می کشد ؟ گذشته را نیز باید به حساب آورد ؟ دومین سئوال به مدت زمان انجام تحقیق مربوط می شود : تمام مشاهدات در یک مقطع زمانی صورت می گیرد . یا در چند مقطع زمانی ؟

۱۲ - روش نمونه گیری و تعیین حجم نمونه

انجام هر تحقیق علمی مستلزم صرف هزینه و زمان است ، به همین دلیل امکان بررسی کامل جمعیت (جامعه) (Population) بصورت سرشماری (Census) وجود ندارد ، لذا پژوهشگران با توجه به چنین واقعیتی درصدد بر میآیند که از طریق نمونه گیری (Sampling) اطلاعات احتمالی را با استفاده از تحلیل داده های به دست آمده پیرامون نمونه به دست آورند و در نهایت از طریق تعمیم این اطلاعات را به جامعه اصلی منتسب نمایند .

محقق باید با توجه به مقتضیات روش تحقیق ، ماهیت داده ها ، نوع ابزار گردآوری آنها و ساختار جامعه آماری ... نمونه ای را که معرف کیفیات و کمیات جامعه باشد انتخاب نماید ، در این گزینش باید به نکات زیر توجه داشته باشد :

الف) نمونه بایستی با توجه به اهداف تحقیق انتخاب شود .

ب) رعایت انصاف و عدم اعمال ذهنیتهای شرط اساسی است .

ج) عواملی در تعیین حجم یا اندازه نمونه موثرند .

۱۳- ابزارهای گرد آوری داده ها (اطلاعات)

یافتن پاسخ و راه حل برای مسأله انتخاب شده در هر تحقیق ، مستلزم دست یافتن به داده هایی است که از طریق آنها بتوان فرضیه هایی که به عنوان پاسخهای احتمالی و موقتی برای مسأله تحقیق مطرح شده اند را آزمون کرد

ابزارهای گوناگونی برای به دست آوردن داده ها مانند مشاهده ، مصاحبه ، پرسشنامه و مدارک و اسناد وجود دارد . هر یک از این ابزارها معایب و مزایایی دارند هنگام استفاده از آنها باید مورد توجه قرار گیرند تا اعتبار پژوهش دچار خدشه نشود و از طرفی نقاط قوت ابزار تقویت گردد .

هر پژوهشگر باید با توجه به ماهیت مسأله و فرضیه های طراحی شده یک یا چند ابزار را طراحی کند و پس از کسب شرایط لازم در مورد اعتبار این ابزارها ، از آنها در جهت جمع آوری داده ها بهره جوید تا در نهایت از طریق پردازش و تحلیل این داده ها ، بتوان در مورد فرضیه ها قضاوت کرد

انتخاب ابزارها باید بگونه ای باشد که پژوهشگر بتواند از نحوه انتخاب ابزار خود دفاع کند و از این طریق دستاوردهای پژوهش خود را معتبر سازد

۱۴- روش تجزیه و تحلیل داده ها

برای تجزیه و تحلیل داده ها ، با توجه به ماهیت آنها ، روشهای مختلفی وجود دارد که پژوهشگر باید به کاربرد و سنخیت این روشها توجه کند تا در نهایت بتواند استنتاجها و نتیجه گیریهای معتبر و دقیقی را به عمل آورد .

پس بطور کلی می توان گفت که در تجزیه و تحلیل داده ها:

یک بعد کمی وجود دارد که آن محاسبات آماری خاص است و یک

بعد کیفی ، که آن تحلیلها ، استدلالها و استنتاجهایی است که بر نتایج محاسبات آماری صورت می پذیرد تا بتوان در نهایت آن را به جامعه آماری تعمیم داد .

۱۵- محدودیتهای تحقیق

در ارایه گزارش از یک پژوهش مانند پایان نامه محقق سعی می کند با بیان محدودیتهای که بر سر راه تحقیق دارد (و یا داشته است) به خواننده پیام دهد که:

در مورد فرآیند تحقیق او قضاوت عادلانه ای داشته باشد . از طرفی دیگر سعی می کند :

عملیات تحقیقاتی خود را با توجه به این محدودیتها انجام دهد و به عبارتی با واقع نگری از افتادن در دام ((کلی نگری)) بپرهیزد

محدودیت‌های احتمالی مختلفی بر سر راه محقق وجود دارد که می‌توانند به شکلهای زیر طبقه‌بندی شوند :

- الف : کمبود منابع علمی (کتابها ، مجلات تخصصی ، مدارک و اسناد
- ب : کمبود منابع مالی (شخصی ، سازمان کارفرما ، کمکهای دانشگاهی .)
- ج : عدم همکاری مسئولین در جامعه آماری (سازمان مربوطه) با پژوهشگر
- د : نبود سوابق تحقیقاتی پیرامون موضوع
- ه : گرفتاریهای شخصی فرد پژوهشگر
- و : ناهماهنگی استادان با همدیگر (که غالبا توسط دانشجویان بیان نمی‌شود)
- ز : تعداد و چگونگی متغیرهای ناخواسته
- ح : کمبود زمان در اختیار (بویژه در دانشگاههای خصوصی) .
- ط : طبقه‌بندی بودن مدارک و اسناد از نظر نوع دسترسی به آنها
- ی : غیره

۱۶- شرح مفاهیم ، اصطلاحات و متغیرهای بکار رفته در تحقیق
در این قسمت پژوهشگر برای ایجاد:

ذهنیت مشترک بین خواننده و خود ، اصطلاحات ، مفاهیم و متغیرهایی
را که فکر می کند ،:

نوع برداشتی که از آنها می شود تاثیر مهمی در قضاات خواننده دارد ،
انتخاب می کند و بطور مختصر به شرح و توضیح آنها می پردازد .
در واقع با این کار ، پژوهشگر سعی می کند به خواننده اعلام کند که از
این اصطلاحات و واژه ها چه معنایی را در تحقیق مد نظر داشته است .

پژوهشگر باید توجه داشته باشد که نکات زیر می تواند در غنای هر چه
بیشتر این قسمت نقش اساسی ایفا کند :

الف : مطرح نکردن مفاهیم و اصطلاحات واضح و روشن

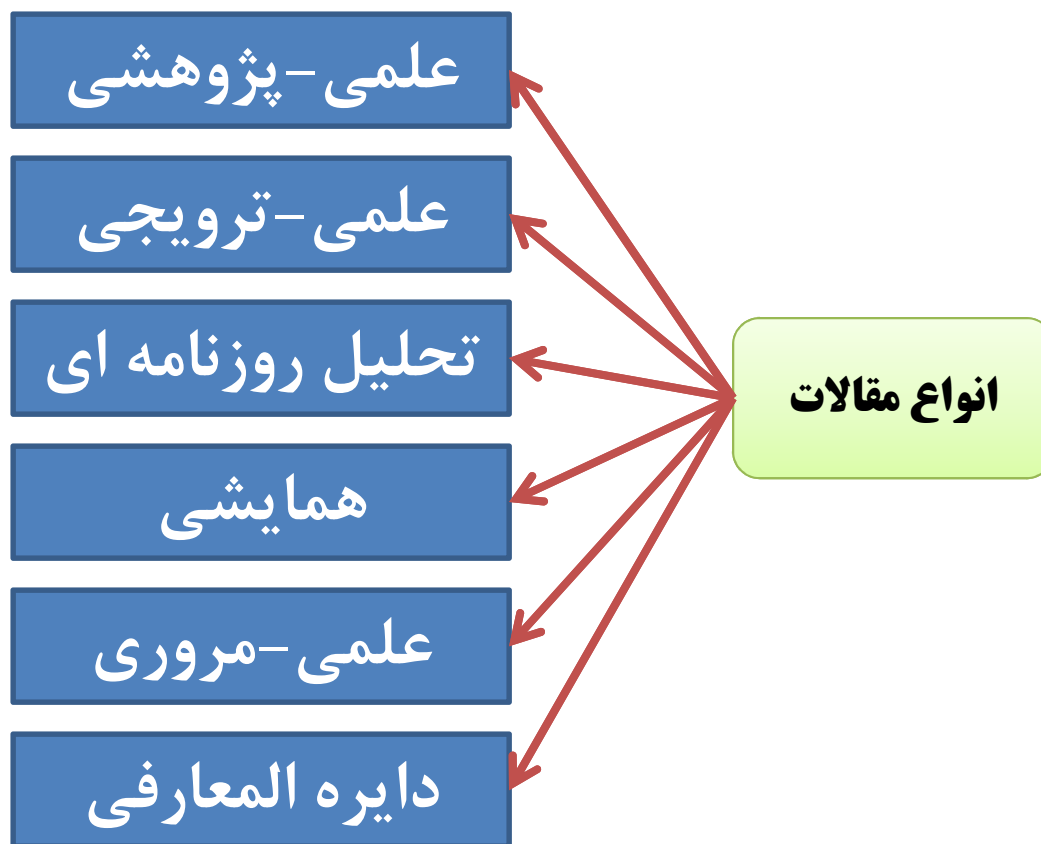
اگر پژوهشگر مفاهیمی که انتخاب می کند حالت بدیهی داشته باشند به گونه
ای که غالب خوانندگان معمولی متون تخصصی با آن مفاهیم آشنا باشند ،
حالت ناخوشایندی نسبت به عملکرد پژوهشگر در ذهن خواننده ایجاد می
شود و این احساس بوجود می آید که پژوهشگر رفع تکلیف نموده است . لذا
باید واژه هایی برای تشریح برگزیده شوند که پیرامون معنای آنها ابهام و
پراکندگی دیدگاه مطرح باشد.

ب: اشاره به منابع مستند برای مفاهیم

محقق باید در نظر داشته باشد که می تواند برداشت خود را از متغیرها و
شرح مفاهیم مطرح سازد و یا اینکه به برداشتهای و تعاریف دیگران استناد
کند و آنها را مبنای تحقیق خود قرار دهد ، در چنین حالتی بهتر است به
منابع این توضیحات اشاره کند .

مقالات

۲. مقالات علمی



چنین مقاله ای برخاسته از پژوهشی نوین است که مؤلف خود انجام داده است. طرح اندیشه ای نو، بازپرسی از مسئله ای پیشین با رویکردی متفاوت ، یا نقد علمی پژوهشی که قبلاً صورت گرفته ولی بخش یا بخش هایی از آن جای تأمل دارد. در این نوع مقاله - خواه طرح مسئله ای نو باشد یا نگاهی متفاوت به مسئله ای پیشین - رعایت قواعد اخلاقی حکم می کند که دفاع از نوبودگی طرح یا نگرش ، در قیاس با آنچه قبلاً انجام شده با نهایت سعه صدر و حفظ حرمت اندیشه یا نگرش پیشینیان صورت گیرد. هر گونه کوچک نمایی دیگران و بزرگ نمایی خویش رفتاری غیر اخلاقی تلقی می شود. اگر بپذیریم که طرح اندیشه نو یا بازنگری مسئله ای پیشین ، بدون حضور آن "پیشینه ها" ناشدنی است و هیچ حرکت علمی بدون تکیه بر تلاش های پیشینیان روی نمی دهد، رویکرد سپاس گونه به آثار پیشین از ملازمه های اخلاقی کار نوین تحقیقی است.

مقاله ترویجی مقاله ای قطعاً علمی است که به دلایل مختلف از نظر ساختار و لحن با مقاله پژوهشی متفاوت است. نخستین دلیل این است که مخاطب مقاله ترویجی همترازان نیستند، یعنی در مراتب پایین تر از نظر نوع تخصص علمی قرار دارند. به همین دلیل، زبان و بیان خاصی اتخاذ می شود، ساختار ویژه ای را دنبال می کند، و از به کار بردن محاسبات پیچیده آماری که برای آزمون فرضیه در مقاله تحقیقی صورت می گیرد پرهیز می شود. مراتب مخاطبان ممکن است دامنه گسترده ای را در بر گیرد: متخصصان رشته هایی به جز رشته اصلی موضوع مقاله: دانشجویان و دانش پژوهانی که در موضوع مورد بحث تحصیل و تتبع را آغاز کرده اند، ولی هنوز به پختگی لازم نرسیده اند؛ و نهایتاً عامه باسواد علاقه مند به مباحث علمی. بنابراین، ترویجی بودن یک مقاله نه تنها وجه علمی آن را مخدوش نمی کند، بلکه مهارت استفاده از زبان علمی ساده و سالمی را می طلبد که خود مهارتی ستودنی و کمیاب است. تدوین مقاله ترویجی هنری است که از تعاطی فهم زبان دشوار علمی و توانایی تبدیل آن به زبانی سالم و درعین حال مخاطب پسند حاصل می شود.

وجه برجسته اخلاقی در این نوع مقاله، استفاده از همه تدابیر زبانی و تصویری برای انتقال هر چه مطلوب تر اندیشه به مخاطبان پیش بینی شده است، و عدول از آن - که به اختلال در جریان ارتباط علمی می انجامد - بی توجهی به اصول اخلاقی در نگارش های علمی است.

این نوع مقاله به تحلیل کلان و ارزیابی انتقادی نوشته هایی می پردازد که قبلاً منتشر شده است. مؤلف مقاله مروری از طریق مقوله بندی، یکپارچه سازی، و ارزشیابی آثار پیشین، سیر پیشرفت پژوهش های جاری را در جهت روشن کردن مسئله ای مشخص دنبال می کند. مقاله مروری در عین رعایت مراحل مختلف مقالات علمی پژوهشی، به پی گیری اندیشه های خرد یا کلان مندرج در آثار پیشین می پردازد و بیشتر در پی کشف چگونگی رشد یک اندیشه در طول زمان و در عرصه های مختلف علمی است. مقاله مروری معمولاً به وسیله نویسنده ای تهیه می شود که با متون و نوشته های رشته خود کاملاً آشناست و به مسئله مورد بررسی نیز اشراف دارد. در واقع مناسب ترین فرد برای نگارش چنین مقاله ای، متخصص اهل تتبع و مطالعه است که از نظر اطلاعات حوزه موضوعی خود نیز بهنگام باشد. چنین فردی را معمولاً به عنوان متخصص متون موضوعی (Subject Literature Specialist) می شناسند که با متخصص موضوعی (Subject Specialist) متفاوت است (حرّی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲-۱۸۳).

یکی از نکات مهم اخلاقی در این نوع نگارش، حفظ کلیه حلقه های انتقال اندیشه در طول زمان است. هر گونه حذف - به هر دلیل - در مسیر حرکت اندیشه ای خاص چیزی جز مسخ نقشه راه برای کشف و بازنمایی یک جریان علمی نیست. چنین حرکتی جفا به مولدان علم، جفا به مخاطبان، و جفا به ماهیت علم تلقی می شود.

مقاله ای که برای ارائه در همایش های علمی تدوین می شود از لحاظ ساختار و محتوا مشابه مقاله مجله است، یعنی همه اصول درباره آن صادق است، خصوصاً بر نوآورانه بودن آن تأکید می شود. اما آنچه آن را از مقاله مجله متفاوت می کند دو وجهی بودن آن است. وجهی از آن روایتی است که قرار است در همایشنامه (Proceedings) به چاپ برسد و وجه دیگر آن روایتی است که باید در حضور جمع ارائه شود. تفاوت این دو از لحاظ حجم و نوع پردازش است. روایت چاپی ممکن است از حجم بیشتری برخوردار باشد، چون مطالعه آن در فراغت بیشتری توسط علاقه مندان صورت می گیرد. اما در روایتی که برای ارائه آماده می شود، ناگزیر باید نکاتی را رعایت کرد که از اهمیت بسزایی برخوردارند:

- سازگار کردن متن با مدت پیش بینی شده
- استفاده از تدابیر تصویری

- دایره المعارف ها منطقاً ارائه دهنده اطلاعات پایه در زمینه های مختلف موضوعی هستند نه نویافته هایی که حاصل پژوهش اصیل باشد. به همین دلیل ، [مقاله](#) دایره المعارفی مبتنی بر اسناد و مدارک و منابعی است که پیشاپیش موجود بوده و مورد جست و جو و بازیابی قرار گرفته است. مستند بودن در مقاله دایره المعارفی حائز اهمیت فراوان است. زیرا هر پاره اطلاعاتی که در مقاله دایره المعارفی درج می گردد توسط سند و مدرکی از پیش موجود حمایت می شود.
- محتوای مقاله دایره المعارفی علی القاعده می بایست فارغ از ارزشگذاری و جانبداری له یا علیه اندیشه ای خاص باشد و بتواند تصویری از اطلاعات موجود در یک زمینه را عرضه کند؛ و هرگاه گرایش به جهت ویژه ای دارد، در واقع، تجلی این گرایش [می](#) باست از سرجمع اسناد و مدارک حاصل آمده باشد نه از تمایلات ذهنی نویسنده.
- منابع مقاله دایره المعارفی نیز می بایست از جامعیت برخوردار باشد تا از یک سونگری مباحث مقاله پرهیز شود. منابع گردآمده باید حاوی نظرگاه های متفاوت و حتی متعارض باشد. از لحاظ کیفی نیز اعتبار مؤلفان منابع، اصالت منابع، انصاف و بی طرفی نویسندگان در برخورد با حقایق دارای اهمیت است (حرّی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶-۱۸۸).
- تفسیر نادرست از مطالب اخذ شده از منابع، ندیده گرفتن منابعی که حاوی اندیشه های متفاوت با باورهای مؤلف مقاله است، بی دقتی در رعایت همه جانبگی در منابع، و نسبت دادن نادرست اندیشه ای به منبعی پیشین، از جمله مصادیق بی اخلاقی در نگارش مقاله دایره المعارفی است.

مراحل تهیه مقالات علمی-پژوهشی

1. مقدمه (بیان مساله)

در حد یک الی دو صفحه

2. ادبیات موضوع (مروری بر پیشینه نظری و تجربی)

تئوریهای مربوط به موضوع و مطالعات انجام شده در خصوص موضوع

3. روش شناسی تحقیق

روش انجام آزمون فرضیه های تحقیق

4. پردازش اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده ها

انجام محاسبات لازم توسط ابزارهای و روشهای مرتبط

5. نتیجه گیری و بحث

بصورت اجمال روند انجام تحقیق و نتایج صریح حاصله از آن

6. منابع و مراجع

ذکر تمامی منابع مورد استفاده با سبک نگارش مشخص در خصوص ذکر اطلاعات منبع مورد

استفاده از جمله نویسندگان، عنوان، محل انتشار، سال انتشار و غیره

▶ تنظیم منابع و مآخذ (رفرنس نویسی)

استناد کردن (Citation) رفرنس دادن (Referencing)

- ▶ استناد کردن، عمل ارجاع به کار نویسندگان دیگر، در قسمتی از متن خود است. استناد به کارها هم نشان دهنده مطالعه انجام شده در آن زمینه و هم حمایتی برای مفاد و نتایج کار است.
- ▶ هر استنادی مستلزم یک رفرنس در پایان کار می باشد. علل دیگر استناد و رفرنس دادن صحیح عبارتند از :
 - ▶ اعتبار دادن به مفاهیم و ایده های نویسندگان دیگر
 - ایجاد مدرکی مبنی بر وسیع و عمیق بودن کار خود برای خواننده

گردآوری اطلاعات مربوط به رفرنس ها

- ▶ **زمان:** هنگام یافتن هر منبع مرتبط با موضوع تحقیق، اطلاعات کامل آن را یادداشت کنید.
- ▶ **تعداد:** منابع را به مواردی محدود کنید که ارتباط مستقیم با کار شما دارند.
- ▶ **اهمیت:** بخش منابع را دست کم نگیرید (دستیابی خوانندگان، دستیابی مجدد نویسنده، ارزیابی سردبیر)
- ▶ **سبک نگارش منابع را مشخص کنید.**
- ▶ **استناد نکردن** به منابع استفاده نشده، مشاهدات چاپ نشده، ارتباط های شخصی
- ▶ **می توان به مقالات زیر چاپ استناد کرد** (ب ا ذکر عبارت زیر چاپ به جای شماره صفحه و جلد)

شیوه های رفرنس نویسی

- ▶ ونکوور
- ▶ هاروارد
- ▶ تورابیان
- ▶ شیکاگو A
- ▶ شیکاگو B
- ▶ IPA (انجمن بین المللی روانشناسی)
- ▶ شیوه های خاص مجامع، نشریات و مؤسسات علمی مختلف

انواع رفرنس نویسی:

۱) رفرنس دهی در خارج از متن (قسمت منبع).

۲) رفرنس نویسی در داخل متن.

شیوه‌ها یا انواع استناد

1. **برون متنی (شمارشی):** سند مورد ارجاع در جایی خارج از متن (پایین صفحه، پایان فصل یا انتهای متن) درج می شود.
2. **درون متنی (نام - سال):** مشخصات کوتاهی از رفرنس در داخل پرانتز در متن ارائه می شود که اغلب شامل نام نویسنده و تاریخ و مواردی شماره صفحه است. مانند شیوه هاروارد و شیوه IPA. (انجمن روانشناسان امریکا)

۱: رفرنس نویسی در خارج از متن (قسمت منابع) .

- ▶ در این مرحله مشخصات کامل آورده می شود.
- ▶ در این مرحله برای مرتب کردن منابع نباید از شماره گذاری استفاده کرد. بلکه باید به تبعیت از شیوه رایج جهانی از ترتیب حروف الفبا استفاده نمود.

الف - رفرنس دهی کتاب تألیف .

- ▶ نام خانوادگی، نام . (سال) . نام کتاب. محل نشر : انتشارات .
- ▶ - اگر یک نفر مولف داشته باشد دلاور، علی . (۱۳۷۸) . روش های تحقیق. تهران : انتشارات آگاه .
- ▶ - اگر دو نفر مولف داشته باشد دلاور ، علی ؛ شعبانی ، حسن . (۱۳۴۶) . اسم کتاب . محل نشر: انتشارات .
- ▶ - اگر سه نفر مولف داشته باشد دلاور ، علی ؛ شعبانی ، حسن ؛ ملکی، حسن . (۱۳۸۴) . اسم کتاب . محل نشر : انتشارات .
- ▶ - اگر بیش از سه نفر مولف داشته باشد دلاور ، علی و دیگران . (۱۳۸۶) اسم کتاب . محل نشر : انتشارات .

ب- رفرنس دهی کتاب ترجمه

نام خانوادگی نویسنده، نام. (سال تألیف). نام کتاب. (نام و نام خانوادگی مترجم). محل نشر: انتشارات.

- ▶ تایلر، رالف. (۲۰۰۶). اصول برنامه ریزی. (ترجمه حسین اسدیان). تهران: انتشارات آگاه.
- ▶ در صورتی که مولف آن بیشتر از یک نفر باشد تفاوت چندانی با رفرنس دهی کتاب تألیف ندارد فقط مترجم را می آوریم.

ج- رفرنس دهی از فصل نامه
دلاور، علی. (۱۳۸۷)، اسم مقاله. فصل نامه رشد، شماره ۷.

د- رفرنس دهی از مقاله اینترنتی
دلاور، علی. (۱۳۸۷)، اسم مقاله. آدرس اینترنتی

ه- رفرنس دهی از پایان نامه

دلاور ، علی . (۱۳۸۶) . اسم پایان نامه . پایان نامه کارشناسی ارشد یا کارشناسی . اسم دانشگاه .

و- سخنرانی (کاست ، برنامه تلویزیونی)

شریعتی، علی . (۱۳۸۸) . اسم برنامه تلویزیونی : روز پخش .

شریعتی، علی . (۱۳۵۲) . رابطه دین و مذهب با سیاست . حسینیه ارشاد . کاست شماره ۱۲۲ .

ز- رفرنس دهی از جزوه دانشگاهی

دلاور ، علی . (۱۳۸۶) . جزوه روش تحقیق . دانشگاه علوم تربیتی علامه طباطبایی .

ح- رفرنس دهی از ویرایش

محسنی ، منوچهر . (۱۳۵۳) . جامعه شناسی عمومی . ویرایش ۲ . تهران : طهوری .

(۲) رفرنس نویسی در داخل متن

الف- اگر نوشته ای که از کتاب یا جایی گرفته شود و نقل قول مستقیم باشد لازم است رفرنس دهی آن به این صورت باشد.
نقل قول مستقیم (مناف زاده ، ۱۳۸۶ ، صفحه ۱۰۳) .

ب- اگر نقل قول غیر مستقیم باشد
نقل قول غیر مستقیم (مناف زاده ، ۱۳۸۶) .

ج- رفرنس دهی کتابی که تألیف باشد به شیوه زیر است:
- اگر مولف آن فقط یک نفر باشد (دلاور ، ۱۳۸۷ ، صفحه ۱۰۲) .
- اگر دو نفر مولف داشته باشد (دلاور ، اسدیان ، ۱۳۸۷ ، صفحه ۱۰۴) .
- اگر سه نفر مولف داشته باشد (دلاور ، شریعتی ، محمدیان ، ۱۳۸۷ ، صفحه ۹۰) .
- اگر بیش تر از سه نفر مولف داشته باشد (دلاور و دیگران ، ۱۳۸۶ ، صفحه ۱۰۱) .

► نکته : اگر از یک نویسنده کتابهایی داشته باشیم که در یک سال تألیف شده باشند از حروف انگلیسی **a** و **b** و **C** و ... استفاده می شود. مثلاً :

- (دلاور ، ۱۳۸۶ ، **a** ، ص ۵۰) .
- (دلاور ، ۱۳۸۶ ، **b** ، ص ۹۰) .
- (دلاور ، ۱۳۸۶ ، **C** ، ص ۲۱) .

نکته : اگر مطلبی را از کتابی که در آن نویسنده ، آن مطلب را از کس دیگری در کتاب خود نقل قول کرده است، بیاوریم رفرنس دهی آن به شیوه ی زیر است:

(دلاور به نقل از تایلر ، ۱۳۸۴ ، ص ۴۰) .

► ج- رفرنس نویسی کتاب ترجمه در داخل متن به شیوه زیر می باشد:

(جرج ، سال میلادی (۱۹۳۵) ، صفحه ۱۰۰) .

در داخل متن از مترجم نامی آورده نمی شود . بلکه تنها از نام مولف استفاده می شود . همچنین در آوردن سال تألیف هم دقت شود که حتماً سال میلادی که در آن مولف آن کتاب را تألیف کرده، نوشته شود و از نوشتن سال ترجمه خودداری شود.

نکته : اگر در متن مطالبی را از یک نویسنده به صورت پی در پی بیاوریم ، لازم نیست حتماً در همه موارد نام وی را بنویسیم. در این حالت به صورت زیر عمل می کنیم .
(دلاور ، ۱۳۷۲ ، صفحه ۱۴) .

(همان منبع .) اگر مطلب از همان صفحه باشد .

(همان منبع ، صفحه ۱۵) اگر منبع همان بود ولی صفحه تغییر نمود .

د- رفرنس دهی مقاله در داخل متن

- اگر مولف مقاله ما یک نفر باشد (دلاور ، ۱۳۸۷ ، صفحه ۱۶) .
 - اگر مولف مقاله دو نفر باشد (دلاور، رضایی، ۱۳۸۷، صفحه ۱۶) .
 - اگر مولف مقاله سه نفر باشد (دلاور، رضایی، حسینی، ۱۳۸۵، صفحه ۱۰۰) .
 - اگر مولف مقاله بیشتر از سه نفر باشد (تایلر و دیگران ، ۲۰۰۷ ، صفحه) .
- در حالت کلی شیوه رفرنس دهی مقاله با کتاب تألیف فرق چندانی ندارد.

هـ- رفرنس دهی از پایان نامه یا تحقیق

- | | |
|---------------------------------|--------------------------------------|
| اگر نویسنده یا مولف یک نفر باشد | (دلاور ، ۱۳۴۷ ، صفحه ۶۰) |
| اگر نویسنده یا مولف دو نفر باشد | (دلاور ، حسینی ، صفحه ۴۱) |
| اگر نویسنده یا مولف سه نفر باشد | (دلاور ، اسدیان ، حسینی ، صفحه ۲۰) |

و- رفرنس دهی از ویرایش

محسنی ، منوچهر . (۱۳۵۳) . جامعه شناسی عمومی . ویرایش ۲ . (تهران : طهوری) . ص ۱۵ .

یک نرم افزار مدیریت رفرنس چیست؟

► **PBMS** برای اداره کردن طیف وسیعی از انواع رفرنسها ، شامل نه فقط انواع رایج تر از قبیل کتب ، مقالات ، ژورنالها ، بخشهای کتاب و غیره بلکه انواع کمتر رایجی از قبیل موزیک (music scores) و نقشه ها در یک پایگاه اطلاعاتی طراحی شده است. مثلاً R.M بالغ بر ۳۰ فرمت مختلف رفرنس را می شناسد. هر نوع رفرنسی ویژگیهای ثبتي خاص خودش را دارد که فقط برای همان نوع رفرنس صحیح است. این قابل مقایسه است با سیستمهای بانک اطلاعاتی که ما را ملزم به استفاده از محتوای فیلدها و یا یکسری محدود از فرمهای ثبت که رواج کمتری دارند ، میکنند

▶ نرم افزارهای PBMS عموماً از یک ساختار ثابت variable-length استفاده می کنند و مقادیر را تکرار می کنند (مانند نویسندگان متعدد). برخلاف نرم افزارهای general text retrieval و نرم افزارهای بانک اطلاعاتی ، ساختار پایگاه اطلاعاتی مدیریت رفرنس اغلب از پیش تعیین شده می باشد.

▶ Kelly (۱۹۹۴) ۳ وظیفه مهم را در فرایند دریافت رفرنسها از پایگاههای اطلاعاتی online یا پایگاههای اطلاعاتی بر روی CD-ROM توصیف کرده است: ساختن پایگاه اطلاعاتی باری رفرنسهای مقالات دوره ای ، کتب یا موارد مشابه؛ جستجو در پایگاه اطلاعاتی ایجاد شده؛ و تولید یک لیست از گزینه های انتخاب شده در داخل پایگاه اطلاعاتی. به این باید آخرین قابلیت اضافه شده؛ امکان اتصال به پایگاههای اطلاعاتی در اینترنت را هم اضافه کرد.

چهار نرم افزار مدیریت رفرنس اصلی وجود دارند:

Reference Manager و ProCite، Papyrus، EndNote همه دارای مزایای ویژه ای می باشند.

▶ در یک بازار نرم افزاری رقابتی با امکاناتی که مکرر به آنها افزوده می شوند، متخصصین LIS باید با چشمان باز مراقب شرایط حاضر هر نرم افزار باشند. این تصویر با در اختیار گرفتن ProCite توسط سیستمهای تحقیقات اطلاعات، طراحان R.M، که بعدها خبر مالکیت موسسه نرم افزاری Niles که نرم افزار EndNote را ابداع کرده بود، را هم منتشر کردند.

▶ Niles Software و Research Information Systems به تدریج به هم ملحق شدند و ResearchSoft تشکیل دادند. انیستیتو اطلاعات علمی امروزه کمپانی مادر EndNote، ProCite و Reference Manager به شمار می رود. خصوصاً ResearchSoft در نظر دارد به توسعه هر سه ادامه دهد. جزئیات مختصری در مورد هر نرم افزار در ادامه آورده شده است.

EndNote

بوسیله موسسه نرم افزار Niles به بازار آمده است، این نرم افزار هم اکنون بعنوان
EndNote 3.0.1

Papyrus

این نرم افزار توسط Research Software Design به آدرس ۲۷۱۸ SW Kelly
Suite 181, Portland OR 97201, USA, Street وارد بازار شده است. نسخه
۷.۰ آن برای DOS/Windows و ۸.۰ برای Macintosh موجود است

ProCite

این نرم افزار برای بخش اطلاعات و کتابخانه تولید شده اما در بین سایر واحدها هم محبوبیت
زیادی پیدا کرده است. در حال حاضر با نسخه ProCite 4.03 برای Windows
98/95/NT4 و Macintosh در دسترس است.، این سایت یک مقایسه کامل بین
ProCite و همتای آن Reference Manager انجام داده است.

Reference Manager

در جامعه علوم زیستی شکل گرفته است، Reference Manager هم اکنون نسخه ۹.۰
بتای آن برای ویندوز NT4/۹۸/۹۵ و ۷.۰ برای ویندوز ۳.۱ موجود است. یک ضمیمه جدید
قابلیت جستجوی وب آن با عنوان Reference Web Poster است

نتیجه گیری

▶ مدیریت دانش موثر دیگر مختص حیطه کتابخانه ها یا مراکز نگهداری اطلاعات نیست. افزایش دسترسی نرم افزارهای ارزان قیمت برای کمک به مدیریت رفرنسها یا نتایج تحقیقات به همراه افزایش گرایش و مهارت در استفاده از آنها نقش جدیدی برای کتابداران بعنوان مشاور و آموزش دهنده برای مصرف کنندگان ای نرم افزارها ایجاد کرده است. تقاضای رو به افزایش برای نرم افزارها مدیریت دانش شخصی باعث افزایش فرصتها برای کتابداران برای ارائه آموزشهای متمرکز از دریافت اطلاعات گرفته تا به مدیریت و گزارشدهی. هرگز برای یک فرد مدیریت دانش شخصی ساده تر نخواهد شد - چالش پرسنل اطلاعات بهداشتی اکنون این است که چگونه ممکن است آنها دانش شخصی خود را ارتقا دهند در حالیکه در حال کار با دستورالعملهای بیشتر و **arms-length** توزیع در زمینه اطلاعات هستند.

نکات کلیدی

- توزیع نمایی متون و علاقه به مراقبتهای بهداشتی مبتنی بر شواهد یک باعث افزایش ارزش مهارتهای مدیریت رفرنس و نرم افزارهای تسهیل آن شده است.
- بسیاری از نرم افزارهای شخصی مدیریت کتابشناختی ویژگیهای رایجی را دارا می باشند شامل گرفتن داده ها ، قابلیت جستجو، نرم افزار گزارشدهی و امکان ارتباط.
- ملاکهای ارزشیابی نرم افزارهای شخصی مدیریت کتابشناختی شامل نرم افزار ویژگیهای عمومی و پشتیبانی است.
- مهارتهای رایج در سازماندهی و مدیریت رفرنسهای کتابشناختی اکنون نیازمند تقویت توانایی سازماندهی **bookmark** های اینترنتی و مدیریت محصولات مبتنی بر شواهد در فرمتهای مختلف می باشد.

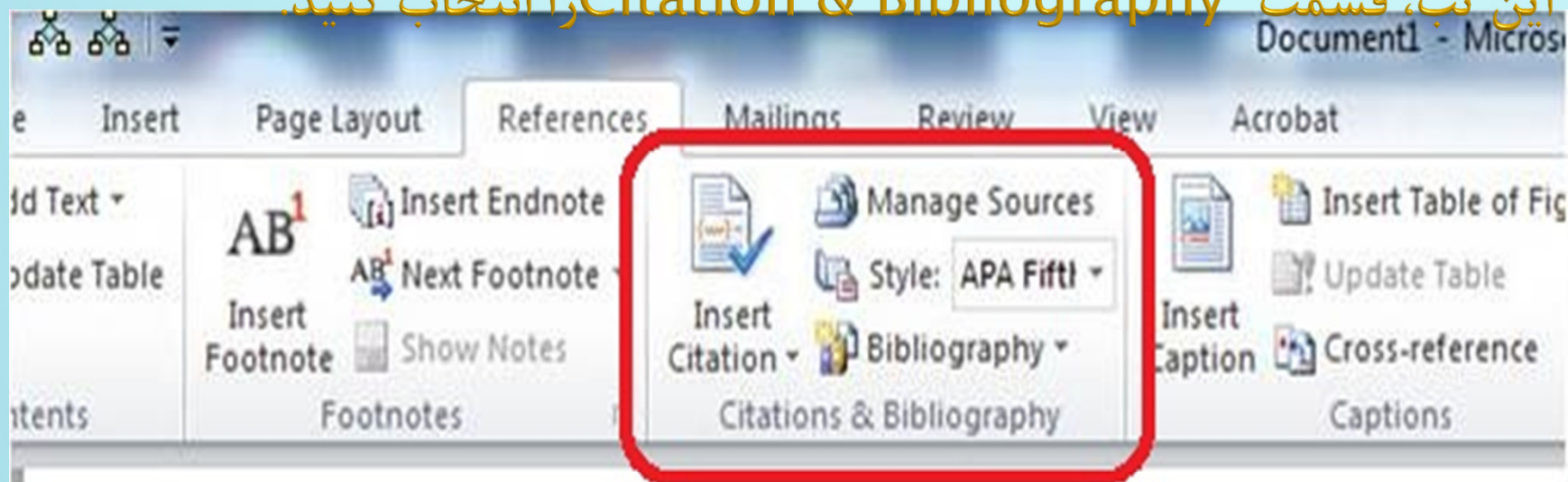
استفاده از رفرنس نویسی در ورد ۲۰۰۷ (word 2007)

دفعات اولی که مقالات زبان انگلیسی رو بررسی و مطالعه می کردم، با خودم می گفتم طرف چقدر حوصله داشته و اینقدر منابع رو دقیق و با جزئیات تمام وارد کرده است و حتی، نام تمام مجلات و کتابها را ایتالیک کرده است؛ فکر می کردم که این خود مولف است که این کار را انجام می دهد و خود مولف تمام مراجع را تک تک (هم داخل متن و هم در انتها) کنترل می کند. چون واقعاً اصلاً اشتباهی وجود نداشت و همه مراجع دقیق هم در متن و هم در انتها، خیلی زیبا و در قالب مناسب ارائه شده اند.

وقتی با نرم افزار ورد ۲۰۰۷ آشنا شدم، متوجه شدم که غیر از خود ورد، نرم افزارهای تخصصی دیگری نیز برای مرجع نویسی وجود دارد که مهمترین آنها **End Note** و **Reference Manager** است که کار مرجع نویسی را خیلی راحت می کند، حتی به شما می گوید که کدام منبع را در داخل متن استفاده نکردید. خود نرم افزار هر جا را که لازم باشد، اول می آورد یا هر جا را که لازم باشد ایتالیک می کند. به این ترتیب به لیست رفرنس حرفه ای برای شما ایجاد می کند.

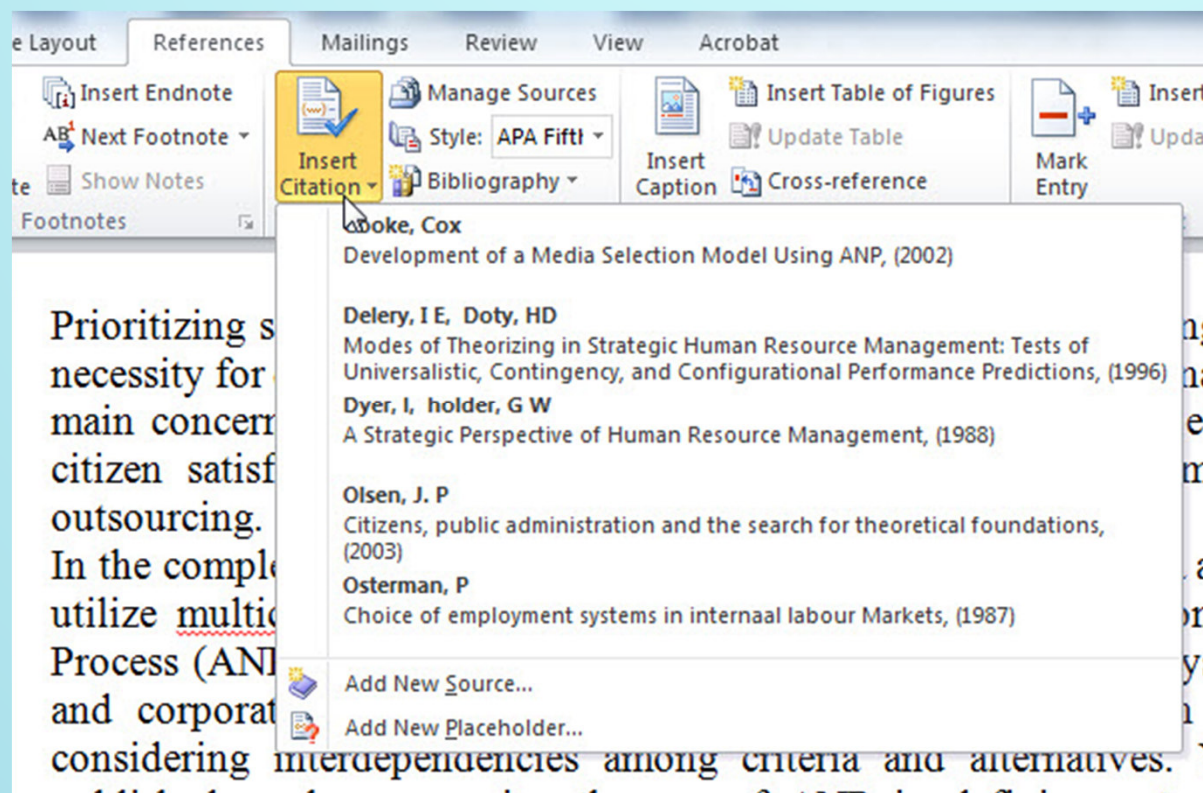
اطلاعات مربوط به این نرم افزارها را توی سایتشون می تونید پیدا کنید. نرم افزارهای فوق پولی هستند و به همین دلیل در دسترس همه نیستند. اما نرم افزار ورد ۲۰۰۷ در دسترس همه هست. به همین دلیل، در این پست، مرجع نویسی با این نرم افزار توضیح داده می شود.

چهارمین Tab در قسمت بالای ورد ۲۰۰۷ و از سمت چپ، References است. هر جا که خواستید از یک رفرنس استفاده کنید، آنجا کلیک کنید، آنگاه از توی این تب، قسمت Citation & Bibliography را انتخاب کنید.



Prioritizing some outsourcing functions of government is a necessity for developing nations. In recent decades, one of the main concerns for running public organizations, effective

روی قسمت Insert Citation کلیک کرده و بعد از آن، گزینه Add New Source را انتخاب کنید.



پنجره ای باز می شود که شما باید اطلاعات مربوطه را تکمیل کنید. این اطلاعات با توجه به اینکه منبع مجله، کتاب، سایت و یا کنفرانس است فرق می کند. اطلاعات را تکمیل کنید. آنگاه کلید Ok را انتخاب کنید. به این نمونه توجه کنید:

Create Source

Type of Source: Journal Article

Language: English (United States)

Bibliography Fields for APA

Author: Cooke, Cox; [Edit]

☐ Corporate Author

Title: Development of a Media Selection Model

Journal Name: International Journal of Advertising

Year: 2002

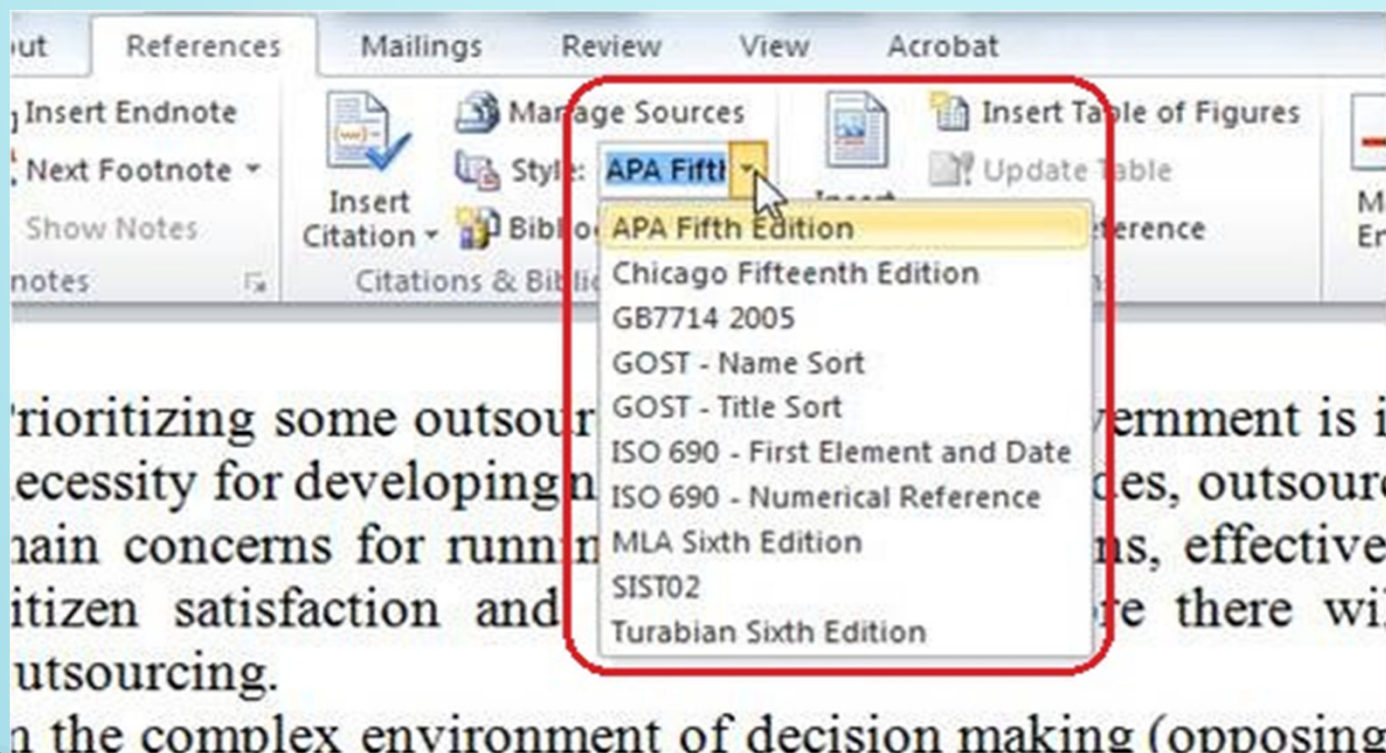
Pages:

☐ Show All Bibliography Fields

Tag name: Coo02

OK Cancel

قسمت دیگر Style است؛ این قسمت شما مهمترین استانداردهای رفرنس نویسی را می توانید ببینید. APA یا همون انجمن روانشناسی آمریکا. Chicago. ISO. MLA و سایر انواع که فراخور نیاز. از هر کدام می توان استفاده کرد که ما در کارهای فارسی از شیکاگو و در مقالات انگلیسی از APA استفاده می کنیم. هر استایلی را که انتخاب کنید. فرمت اون استاندارد هم توی متن و هم در انتها خودبه خود تغییر می کند.

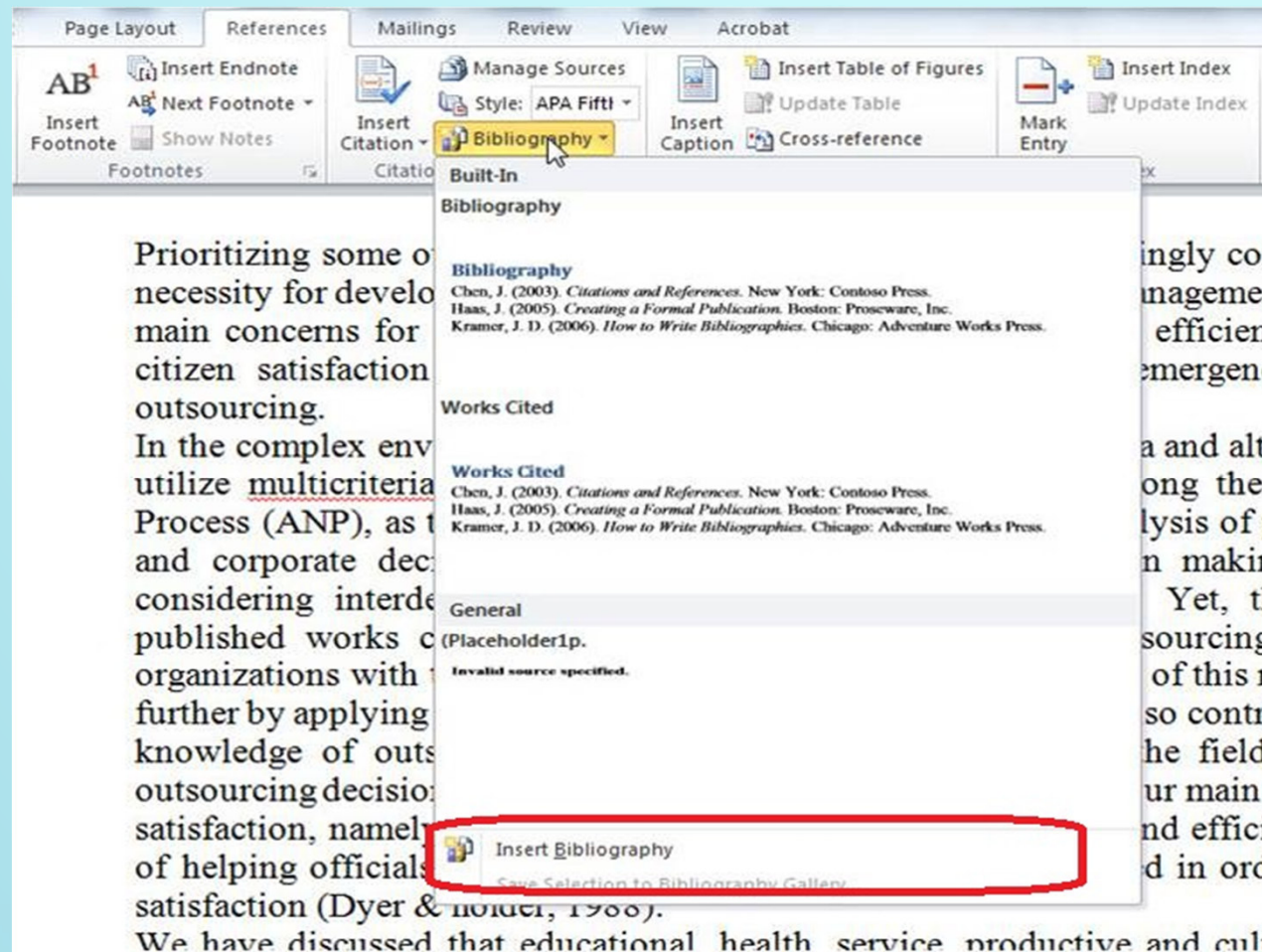


که بعنوان نمونه» مرجع نویسی در داخل متن به شکل زیر می آید:

(Richard Laux, Richard, & Karen, 2007)

که اگر شما روی آن کلیک کنید برجسته می شود؛ یک فلش در سمت چپ نشان داده می شود که اگر روی آن کلیک کنید، می توانید شماره صفحه را نیز وارد کنید. دقت کنید که همه این موارد در ورد ۲۰۰۷ است؛ اگر شما مقاله را در فایل ورد ۲۰۰۳ ذخیره کرده باشید (فرمت doc و نه فرمت docx)، این چیزهایی که گفتم اتفاق نمی افتد، یعنی شما با نرم افزار ۲۰۰۷ کار می کنید، اما فایل ۲۰۰۳ است، اینجا این کارها انجام نمی شود، فایل را از ابتدا ۲۰۰۷ ذخیره کنید. نشانه اینکه ۲۰۰۳ است یا ۲۰۰۷، این است که در قسمت عنوان در بالاترین قسمت صفحه، واژه Compatibility Mode می آید.

آنگاه بعد از اتمام مقاله. به روی قسمت Bibliography کلیک کنید
و از انجا گزینه Insert Bibliography را انتخاب کنید.

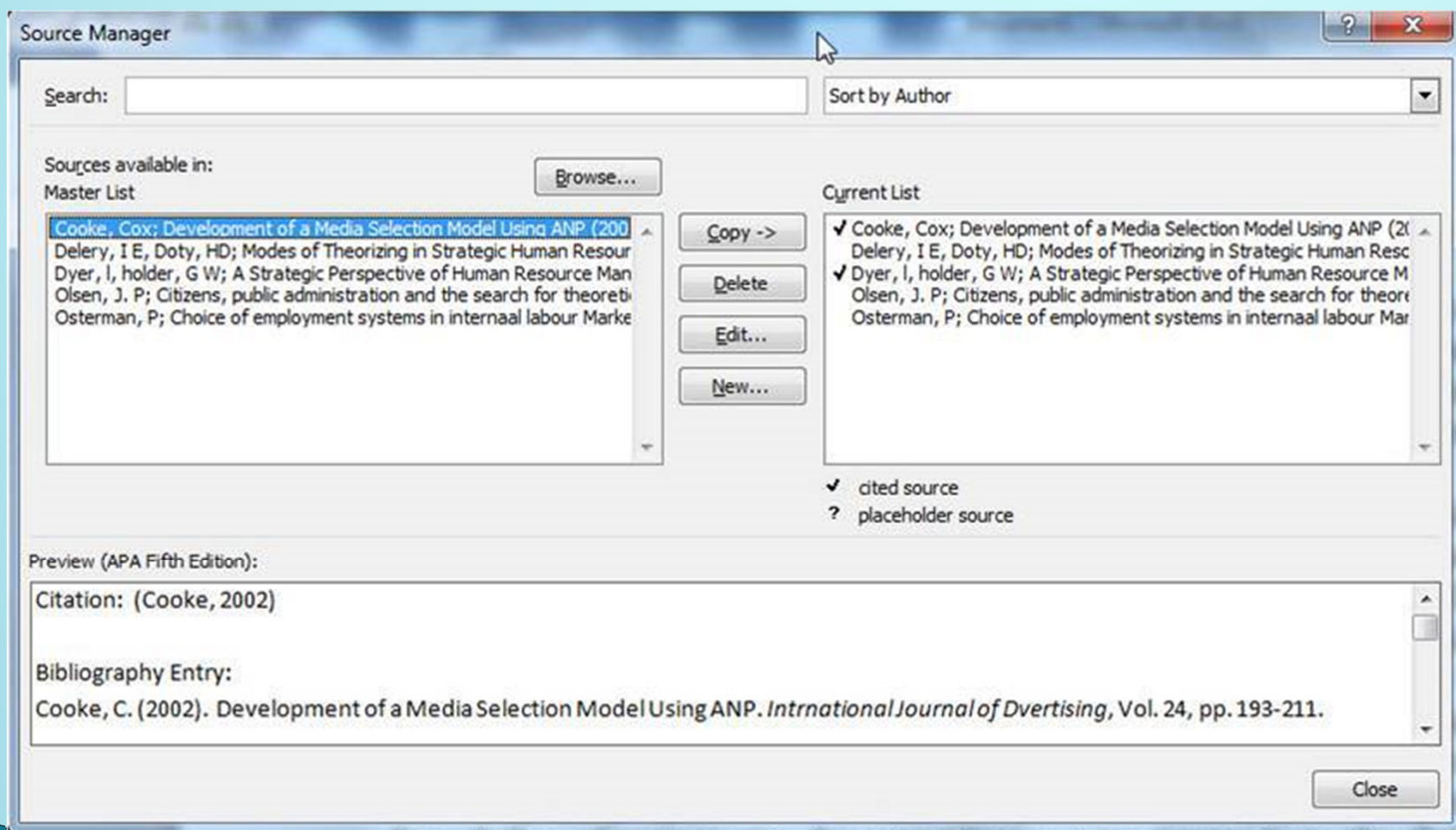


تمام رفرنسهای را که تا الآن وارد کرده اید را به شکلی زیبا به شما می دهد

References:

- Cooke, C. (2002). Development of a Media Selection Model Using ANP. *International Journal of Advertising*, Vol. 24, pp. 193-211.
- Delery, I. E., & Doty, H. (1996). Modes of Theorizing in Strategic Human Resource Management: Tests of Universalistic, Contingency, and Configurational Performance Predictions. *Academy of Management Journal*, Vol. 39, pp. 802-835.
- Dyer, I., & holder, G. W. (1988). A Strategic Perspective of Human Resource Management. In I. Dyer, & G. W. holder, *Human Resource Management: Evolving Roles and Responsibilities* (pp. 1-45). Washinton DC: American Society for Personnel Administration.
- Olsen, J. P. (2003). Citizens, public administration and the search for theoretical foundations. *ARENA Working Papers*, In R. Giannoccaro, N. Costantino, D. Ludovico, R. Pietroforte (2008) Measuring Citizen Satisfaction with Aspects of Public Services from a Local Authority and Determining Their Importance: A Case Study, *Public Organization Review*, 8:1-15.

در قسمت Manage Sources نیز می توانید ببینید که کدام رفرنسها تیک نخورده اند، یعنی توی متن استفاده نشده اند.



نمونه کار

محمدزاده

پایان نامه

سرمایه اجتماعی، سرمایه سلامت و رشد اقتصادی
Social capital, health capital and economic growth

مراجعه به فایل ضمیمه ۱

سرمایه اجتماعی، سرمایه سلامت و رشد اقتصادی
Social capital, health capital and economic growth

مراجعه به فایل ضمیمه ۲

موفق و سر بلند باشید!